

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



تاریخ هنر جهان

پایه‌های یازدهم و دوازدهم

دوره دوم متوسطه

رشته‌های نمایش، سینما، نقاشی، گرافیک

زمینه خدمات

شاخه فنی و حرفه‌ای

ریاضی، محمدرضا
تاریخ هنر جهان / مؤلف: محمدرضا ریاضی. - تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۱۴۰ ص. : مصور. - (شاخه فنی و حرفه‌ای)
متون درسی رشته‌های نمایش، سینما، نقاشی، گرافیک، زمینه خدمات.
برنامه‌ریزی و نظارت، بررسی و تصویب محتوا: کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشته‌های هنر
دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش.
۱. هنر- تاریخ. الف. ایران. وزارت آموزش و پرورش. دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش.
ب. عنوان. ج. فروست.





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب :	تاریخ هنر جهان - ۲۱۱۶۴۲
پدیدآورنده :	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :	دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :	مزگان اصلانی، خدیجه بختیاری، فاطمه صنعتی، بشری گل‌بخش و همایون موسوی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
مدیریت آماده‌سازی هنری :	محمد رضا ریاضی (مؤلف)
شناسه افزوده آماده‌سازی :	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
نشانی سازمان :	زهره بهشتی شیرازی (صفحه‌آرا) - مریم کیوان (طراح جلد)
ناشر :	تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
چاپخانه :	تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
سال انتشار و نوبت چاپ :	وب‌گاه : www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)
	تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹-۳۷۵۱۵
	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
	چاپ ششم ۱۴۰۱

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان اساس پیروزی
است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است.
امام خمینی «قُدَس سِرُّهُ»

فهرست مطالب

مقدمه

۱- چیستی هنر

۲- تاریخ هنر

فصل اول : آغاز هنر

۱- هنر در دورهٔ پارینه سنگی

۲- هنر دورهٔ نوسنگی یا روستا نشینی

• هنر نوسنگی در آسیا

• هنر نوسنگی در اروپا

• دورهٔ نوسنگی در دیگر قاره‌ها

۳- هنر بدوی یا ابتدایی

• هنر آفریقایی

• هنر اقیانوسیه (استرالیا)

• هنر سرخپوستان آمریکای شمالی

• اسکیموها

فصل دوم : هنر میانرودان (بین النهرین)

۱- تاریخ مردم میانرودان

۲- هنر میانرودان

• دورهٔ پیش از سومر یا پیش از سلسله‌ها

• هنر سومر

• هنر اکد

• هنر دورهٔ سومر نو

• هنر آشوری

• ۶-۲- هنر بابلی

فصل سوم : هنر مصر

۱- طبیعت و تاریخ

۲- میراث هنر مصر

۳- تاریخ هنر سلسله‌های مصر

• سلسله‌های اولیه

• سلسله‌های قدیم

• سلسله‌های میانی و جدید

فصل چهارم : هنر اژه و یونان

۱- هنر اژه‌ای

۲- هنر یونان

• سرزمین و مردم یونان

• شیوه یا دوره‌های هنر یونان

• دورهٔ شیوه هندسی

• دورهٔ باستانی

• دورهٔ کلاسیک

• دورهٔ هلنی

فصل پنجم : اتروسک و روم باستان

۱- اتروسک

۷۳	۴- نقاشی	۴۷	۲- روم باستان
		۴۷	• تاریخ و سرزمین روم
	فصل نهم : هنر قاره آمریکا، از آغاز تا	۴۷	• هنر روم
۷۸	سده ۱۶ میلادی	۴۸	• معماری
۷۹	۱- اولمک	۴۹	• تندیس سازی
۷۹	۲- مایا	۵۰	• نقوش برجسته
۸۰	۳- تئوتیو آکان	۵۰	• نقاشی
۸۱	۴- تولتک	۵۱	• موزائیک
۸۱	۵- آزتک		
۸۱	۶- اینکا	۵۳	فصل ششم : هنر هند
		۵۴	۱- سرزمین هند
۸۳	فصل دهم : هنر اسلامی	۵۴	۲- خصوصیات هنر هند
۸۴	شکل گیری هنر اسلامی	۵۵	۳- تمدن دره سند
۸۵	• ویژگی های هنر اسلامی	۵۶	۴- هنر هند در دوره بودایی
۸۶	۱- معماری اسلامی	۵۶	• دوره مئوریا
۸۸	۲- خوشنویسی	۵۷	• دوره های شونگا و آندرا
۸۸	۳- کتاب آرای	۵۸	• دوره کوشان
۸۹	۴- نگارگری (نقاشی)	۵۸	• دوره گوپتا
۹۱	۵- سفالگری	۵۹	۵- هنر هند در دوره های متأخر (دوره هندو)
۹۲	۶- فلز کاری		
۹۳	۷- شیشه گری	۶۱	فصل هفتم : هنر چین
۹۳	۸- پارچه بافی	۶۲	۱- تاریخ و سیر هنر چین
۹۴	۹- قالی بافی	۶۳	۲- هنرهای چین
		۶۳	• خوشنویسی و نقاشی
۹۷	فصل یازدهم : صدر مسیحیت و بیزانس	۶۵	• معماری
۹۸	هنر مسیحی	۶۶	• تندیس سازی
۹۸	۱- هنر صدر مسیحیت	۶۷	• سفالگری
۹۹	۲- هنر بیزانس (هنر مسیحی روم شرقی)	۶۷	• فلز کاری
۹۹	• نخستین عصر طلایی		
۱۰۱	• دومین عصر طلایی	۶۹	فصل هشتم : هنر ژاپن
۱۰۱	• سومین عصر طلایی	۷۰	۱- تاریخ و ویژگی هنرهای ژاپن
		۷۱	۲- تندیس سازی
		۷۲	۳- معماری

۱۲۴	۳- هنر در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی	۱۰۴	فصل دوازدهم : هنر اروپای غربی قرون وسطا
۱۲۴	● نتوکلاسی سیسم	۱۰۴	۱- هنر قرون وسطای پیشین
۱۲۵	● رمانتی سیسم	۱۰۵	۲- رومانسک (هنر رومی وار)
۱۲۵	● رتالیسم	۱۰۷	۳- گوتیک
۱۲۶	۴- دیگر نقاشان (بدون مکتب)	۱۰۷	● معماری گوتیک
	۵- امپرسیونیسم و جریان‌های تأثیرگذار	۱۰۹	● نور و شیشه
۱۲۶	اواخر قرن ۱۹	۱۰۹	● تندیس‌سازی و حجاری
۱۲۸	۶- سمبولیسم (نمادگرایی)	۱۱۰	● نقاشی

فصل پانزدهم : هنر قرن بیستم

۱۳۰		۱۱۲	۱- معماری قرن بیستم
۱۳۱	۲- جنبش‌های هنری قرن بیستم	۱۱۲	۲- تعریف رنسانس
۱۳۱	● فوویسم و اکسپرسیونیسم	۱۱۳	۲- ویژگی‌های هنر دوره رنسانس
۱۳۲	● کوبیسم و فوتوریسم	۱۱۳	۳- علل شکل‌گیری دوره رنسانس
۱۳۳	● دادائیسم و سورتالیسم	۱۱۳	۴- معماری دوره رنسانس
۱۳۴	● آبستره (هنر انتزاعی)	۱۱۵	۵- نقاشی و تندیس‌سازی دوره رنسانس
۱۳۵	● نئورتالیسم (واقع‌گرایی نو)	۱۱۸	۶- منریسم (شیوه‌گری)
	● اکسپرسیونیسم انتزاعی (هیجان‌نمایی)		
۱۳۶	انتزاعی		
۱۳۶	● هنر پاپ (هنر همگانی یا هنر مصرف‌گرایی)	۱۲۰	فصل چهاردهم : هنر اروپای بعد از رنسانس
۱۳۶	● هنر مینیمال و هنر مفهومی	۱۲۱	تا قرن بیستم
۱۳۷	● پست‌مُدرنیسم (بعد از مدرنیسم)	۱۲۳	۱- باروک

۱۴۰ فهرست منابع

اعتبار بخشی کتاب تاریخ هنر جهان در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به شکل سراسری صورت گرفت. در این اعتبار بخشی نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه‌های هنرآموزان، هنرجویان و حاشیه‌نویسی کتاب استخراج و جمع‌بندی شد. اصلاح و بازنویسی دوباره کتاب توسط محمدرضا ریاضی، زهره نهاردانی، بشری گل بخش، معصومه سالاری، محبوبه زرین قلم و عبدالصادق خاک‌تژاد در بهمن ماه ۱۳۹۱ انجام شد.

مقدمه

کتاب تاریخ هنر جهان پس از گذشت بیش از بیست سال و گردآوری نظرات هنرآموزان و دانش‌آموزان رشته‌های هنری در حال حاضر با رویکردی جدید و ساختاری نو بار دیگر تألیف شده است. در کتاب جدید تلاش شده است تا همه هنرها و یا حداقل برجسته‌ترین هنرها در دوره‌های مختلف به هنرجویان معرفی شوند تا هنرجویان رشته‌های مختلف هنری ارتباط این درس را با دیگر دروس رشته خود بیشتر درک نمایند.

در این کتاب از تصاویر فراوان رنگی و با کیفیت برای بالا بردن سطح کیفی آموزش بهره گرفته شده است. ساختار محتوای کتاب در ۱۵ فصل قرار دارد که هر فصل مربوط به دوره تاریخی و مکانی خاصی می‌باشد. سیر و تسلسل تاریخی در همه فصل‌ها رعایت شده و برای حفظ روند و تداوم رشد هنر در اروپا و ... فصل صدر مسیحیت پس از فصل هنر اسلامی قرار گرفته است. ویژگی‌های فرهنگ و تمدن و آثار هنری در هر دوره شرح داده شده است تا هنرجویان ارتباط میان آنها را بیشتر و ژرف‌تر درک کرده و از مطالعه آنها لذت ببرند.

سخنی با هنرآموزان

هنرآموز گرامی، در ابتدای محتوای کتاب دو مطلب با عنوان چپستی هنر و تاریخ هنر آمده است که برای آمادگی ذهنی و ورود به بحث تاریخ هنر نوشته شده است. نمایش تصاویر رنگی آثار بر روی پرده سفید هنگام تدریس تاریخ هنر درس را برای هنرجویان جذاب‌تر و یادگیری را پایدارتر می‌نماید. پرسش ابتدای درس برای درگیر شدن ذهن هنرجویان با موضوع بسیار مناسب است همچنین پرسش در پایان درس برای یادآوری آنچه آموخته‌اند ضروری است. این پرسش‌ها می‌تواند به عنوان نمرات مستمر هنرجویان باشد. شما می‌توانید هنرجویان را در گروه‌هایی چند نفره برای مطالعه بیشتر در زمینه موضوع انتخابی خودشان از تاریخ هنر راهنمایی کنید تا با انجام پژوهش خلاصه‌ای از آن را نیز در کلاس برای دیگر هم‌کلاسی‌های خود ارائه کنند. بازدید از موزه‌ها و بررسی آثار هنری تاریخی برای هنرجویان جذابیت بسیاری دارد که همزمان می‌توانید گزارش بازدیدها را نیز از آنها بخواهید. برخی فصل‌های این کتاب محتوای کمتری دارند و برخی حجم مطالب آنها بیشتر است بنابراین می‌توانید برخی از آنها را در یک جلسه و برخی را در دو جلسه تدریس نمایید. از آنجایی که این درس به صورت مشترک در رشته‌های مختلف هنری مانند نقاشی، صنایع دستی، گرافیک، طراحی و دوخت و ... تدریس می‌شود و زمان آن در هفته ۲ ساعت آموزشی بوده و

نیز گستردگی مباحث فراوان است، امکان دسته‌بندی محتوا به صورت رشته‌ای در این کتاب نبود. از طرفی در برخی از دوره‌ها و تمدن‌ها آثاری از برخی رشته‌های مذکور موجود نیست (تصاویر متعدد و مناسب) بنابراین پیشنهاد می‌گردد شما هنرآموز گرامی با توجه به رشته هنرجویان مثال‌ها و توضیحات خود را بر روی شواهد مرتبط متمرکز نمایید. برای مثال در رشته طراحی و دوخت به نوع پوشش‌ها و تزئینات روی آنها که در نقش برجسته و مجسمه‌ها هستند اشاره نمایید. هنگام ارزشیابی پایانی تلاش نمایید تا سؤال‌ها براساس اهداف رفتاری ابتدای فصل‌ها متناسب با طبقه آنها طراحی شود.

سخنی با هنرجویان

هنرجوی عزیز مطالعه تاریخ هنر جهان گذشته از آنکه شما را با انواع دیدگاه‌ها، فرهنگ‌ها و مکاتب گوناگون بشری و هنری آشنا می‌کند، تنوع رنگ‌ها و فرم‌ها نیز برایتان بسیار لذت‌بخش خواهد بود. تلاش کنید تا در کلاس فعال بوده و با دیدن هر تصویر و دقت در آن چنانچه در ذهن شما سؤالی نقش می‌بندد از هنرآموز خود پرسید. حضور با علاقه شما در بازدیدهای گروهی و پژوهشی، اطلاعات علمی - هنری شما را افزایش می‌دهد. سیر تحول هنرها را در این کتاب در مناطق مختلف جهان مشاهده خواهید کرد که این امر گویی شما را به سفری مجازی دور دنیا و دیدار با فرهنگ‌های مختلف می‌برد.

همکاران محترم و دانش‌آموزان عزیز:

پیشنهادها و نظرهای خود را درباره محتوای این کتاب به نشانی تهران - صندوق پستی شماره ۴۸۷۴/۱۵ دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ارسال فرمایند.

پیام‌نگار (ایمیل) info@tvoccd.scd.ir

وب‌گاه (وب‌سایت) www.tvoccd.sch.ir

هدف کلی

آشنایی با تاریخ هنر جهان از دوره باستان تا قرن معاصر

دانش‌آموزان عزیز، نوشتن درباره هنر کار چندان آسانی نیست. هنگامی که کلمه هنر به میان می‌آید، بر اثر مشاهدات و آگاهی‌های قبلی مان‌آثاری چون بناهای تاریخی، مجسمه‌ها و نقاشی و یا نام هنرمندانی چون داونچی، کمال‌الدین بهزاد و... به ذهن می‌آید. در هر اثری ممکن است یک یا چند ویژگی مانند زیبایی، نوآوری، نظم و دقت وجود داشته باشد. باید توجه داشت سنجش قابل قبولی وجود ندارد تا یک دست‌آفریده اثری هنری محسوب شود. روش مشخصی هم برای جدا کردن هنر از غیر هنر وجود ندارد. اما آنچه که باید در مورد هنر آموخت این است که در هنر، ارزش‌های ثابت و همیشگی وجود دارد و باید دانست که عقاید مردم درباره آثار هنری دائم در حال تغییر است. هر سبک یا دوره هنری متولد می‌شود، زندگی می‌کند و سپس از پویایی باز می‌ماند و جای خود را به سبک و دوره بعد می‌دهد. باید همواره به این موضوع توجه داشت که هر اثر هنری حداقل باید بیانگر شکلی از احساس، فکر، نظم و تخیل باشد. برای مثال مشاهده سر گاو نر پیکاسو روشن می‌کند که این اثر فقط دسته و زین یک دوچرخه است^۱ و نه سر یک گاو. در این اثر، نظم، دقت یا مهارت وجود ندارد و تنها قدرت تخیل پیکاسو بوده، که از ترکیب زین و دسته دوچرخه، یک اثر هنری خلق کرده است. هنر شکلی از بیان مشترکات انسان است و هنرمند به تجارب مادی و معنوی جامعه خویش پاسخ می‌دهد و آنرا مستند می‌کند. آنچه امروز هنر نامیده می‌شود، از دوره‌های بی‌دری تاریخ گذر کرده و در هر دوره‌ای از تاریخ برای هدف‌های مختلف به وجود آمده است. هرکسی از واژه هنر تعریفی متفاوت دارد و فرض را بر این می‌گذارد که دیگران نیز منظور او را درک می‌کنند. حال آنکه هرکس با سطح دانش خود این تعریف را درک می‌کند. به‌طور مثال یک آموزگار، موزخ و شاعر نگاه‌های متفاوتی به یک اثر هنری دارند اما نظرات آنها می‌تواند مکمل هم بوده و هرکدام بخشی از واقعیت را بازگو کنند. ذهن انسان از زمان‌های گذشته تاکنون، در پی فهم پدیده‌های پیرامون خود بوده و خواسته است در حد امکان آن‌را به‌زبانی قابل درک تعریف کند. از دیرباز این پرسش‌ها مطرح بوده که زیبایی چیست؟ هنر چیست؟ تمام تلاش‌ها در این جهت بوده تا انسان از پدیده‌های پیرامون خود درک درستی داشته باشد و بداند درباره چه چیزی حرف می‌زند و مخاطب او کیست. مثلاً وقتی درباره یک اثر هنری سخن به میان می‌آید باید دانست چه ویژگی خاصی آن‌را از یک اثر دیگر متمایز می‌کند. انسان بنا به نیازهای درونی خود یا جامعه‌اش، دست به آفرینش‌های هنری می‌زند. در هنر، تعریف قابل قبول همگانی وجود ندارد و هر تعریفی که از آن ارائه شود خالی از اشکال نیست و هرکدام می‌توانند در جای خود معتبر باشند. یکی از مواردی که تعریف هنر را مشکل می‌کند، این است که معنایی که امروز از هنر وجود دارد، با معنای گذشته آن تفاوت دارد.

آثار هنری را باید در بستر تاریخ و با توجه به شرایط اجتماعی زمان آفرینش آنها سنجید و با معیارهای مردم زمانشان ارزیابی کرد. با گذشت زمان سلیقه‌ها تغییر می‌کند و معنای هنر هم دگرگون می‌شود و تنها چیزی که در طول تاریخ ثابت مانده مفهوم انتزاعی هنر است و انتزاع نوعی برداشت ذهنی از واقعیت است. در زمان‌های گذشته هر دست‌ساخته‌ای که در ساخت آن مهارت و دانش به‌کار رفته بود می‌توانست یک اثر هنری باشد. اما از اواسط سده ۱۸ میلادی برخی پژوهشگران اروپایی بین دست‌آفریده‌ها تفاوت قابل‌شدند و موسیقی، نقاشی و بیکر تراشی را هنرهای زیبا نامیدند و آنها را از دیگر دست‌ساخته‌ها مانند سفالگری، بافندگی، فلزکاری و... جدا کردند. در قرن ۱۹ میلادی با شکل‌گیری موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مدارس هنری، کم‌کم موضوع زیبایی‌شناختی آثار هنری



مطرح شد. اما با نگاهی به فرهنگ‌ها و تمدن‌های گذشته می‌توان دریافت که معماری، پیکره‌سازی و نقاشی در تمدن‌های مصر، ایران، میانرودان، هند، چین و ... بر اساس فرمول‌های زیبایی‌شناختی که امروز وضع شده است، پدید نیامده‌اند. باید پذیرفت که این آثار، افزون بر ارزش‌های هنری، دارای کارکردهای اجتماعی، مذهبی و فرهنگی بوده و با زندگی مردم زمانه خود پیوند داشته‌اند. پس نمی‌توان از هنر تعریف واحد و همه‌پسندی ارایه داد.

از نظر افلاطون هنر نوعی تقلید، از نظر ارسطو یک آفرینش خردمندانه و از نظر تولستوی بیان احساس است. اما از نظر اندیشمندان شرقی هنر، ساخت اشیای مفید و زیباست. در گذشته زیبایی با نظم، تقارن، تناسب و هماهنگی پیوند داشت و کسی هنرمند شمرده می‌شد که با پیروی از تکنیک اثری خلق کند، ولی اکنون بیشتر بر ابداع و نوآوری، احساس و الهام تأکید می‌شود. در بسیاری جوامع، هنر با دیگر فعالیت‌های انسان در آمیخته و هنر همواره ابزار لذت و تفکر است. هنر از زمانی آغاز شد که انسان توانست سنگ یا چوبی که مناسب با فعالیت‌های روزمره او بود انتخاب و با تغییراتی در شکل و اندازه، آن را کارآمدتر کند. از دیرباز تاکنون انسان‌ها در هر جایی از کره زمین با توجه به نعمت‌های خدا دادی، مواد لازم را از محیط پیرامون انتخاب و آنها را برای نیازهای مادی و معنوی زندگی روزمره خود تغییر شکل داده‌اند. محیط زیست، شیوه و سطح زندگی، مذهب، آداب و سنن، ادبیات، افسانه‌ها در شکل و معنای آفرینش‌های هنری آنها دخالت داشته است. در جهان امروز همه روزه پدیده هنری تازه‌ای خلق می‌شود که با هیچ یک از تعاریفی که تاکنون از هنر شده مطابق نیست. اما این بدان معنا نیست که هر چیز که با گذشته منطبق نباشد، هنر نیست و معنایی ندارد. در هنر مدرن برخی معیارهای گذشته، چون زیبایی، تقلید و اصالت، اعتبار گذشته خود را از دست داده‌اند و در هنر پسا مدرن، مثل هنر دیجیتال برای آثار تجسمی جسمیت و شکل فیزیکی قابل لمس و رؤیت، دیگر ضرورت شمرده نمی‌شود. انقلاب و دگرگونی، از عواملی است که هنر به آن نیاز دارد.

۲- تاریخ هنر

در سال ۱۷۶۴ یک اروپایی به نام یوهان وینکلمان که بر روی آثار و اشیای هنری دوران باستان یونان و روم باستان مطالعه می‌کرد، برای نخستین بار کتابی به نام تاریخ هنر درباره این دوران نوشت. او در این کتاب آثار معماری، تندیس‌ها و حجاری‌های به‌جای مانده این دو تمدن را معرفی کرد. وی با طبقه‌بندی آثار و اشیای باستانی از قدیم به جدید، اصطلاح سبک و دوره‌های هنری را به کار برد. وی عقیده داشت که سبک در هر فرهنگی از نسلی به نسل دیگر تغییر و تحول پیدا می‌کند و سبک یا شیوه در هنر بستگی به نوع جهان بینی یک فرد یا یک جامعه دارد. هرگاه تولیدات هنری یک جامعه در دوره‌ای معین، دارای ویژگی‌های ظاهری و ساختاری مشخص باشد و یا در جزء و کل، یک مجموعه هماهنگ را عرضه کند از کلمه سبک درباره آن استفاده می‌شود مثل سبک کلاسیک یا رمانسک. وینکلمان درباره هنر یونان و دوره رنسانس می‌گوید: هنر یونان بیانگر باورهای مذهبی، فرهنگی و فضای زندگی اجتماعی مردم آن زمان و هنر دوره رنسانس نیز حاصل باورهای مردم عصر خویش است و تفاوت هنر آنها ناشی از باورهای متفاوت این دو جامعه در دو زمان مختلف از تاریخ است. در تاریخ هنر می‌توان دریافت که انسان برای رسیدن به حقیقت و آرمان‌هایش چه مراحل را پیموده است. تاریخ هنر، دست‌آفریده‌های انسان را از سپیده دم تاریخ تا زمان حاضر معرفی کرده و به شرح، توصیف و مقایسه آنها می‌پردازد. هنر نتیجه ذوق، حس زیبایی‌شناسی هنرمندان، تجربه‌ها و آموخته‌های آنها است. با مشاهده آثار هنری اقوام و ملل جهان بر تجربه انسان افزوده می‌شود و افق دید او گسترش می‌یابد.

آغاز هنر



هدف‌های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند :

- ۱- عوامل پیدایش هنر را توضیح دهد.
- ۲- خصوصیات نقاشی‌های دوره پارینه سنگی را شرح دهد.
- ۳- هدف از نقاشی‌های غار را بیان کند.
- ۴- تفاوت نقاشی غارها و نقاشی روی سفال دوره نوسنگی را توضیح دهد.
- ۵- بنای دوره نوسنگی اروپا را توضیح دهد.
- ۶- هنر اقوام ابتدایی را شرح دهد.
- ۷- ویژگی‌های هنر اقوام بدوی آفریقا را بیان کند.
- ۸- خصوصیات هنر بدویان استرالیا را توضیح دهد.
- ۹- ویژگی‌های هنر سرخپوستان را شرح دهد.

در این فصل با دوره سنگ (پارینه سنگی و نوسنگی) یا دوره پیش از تاریخ^۱ و هنر اقوام بدوی^۲ آشنا می‌شویم. اصطلاح دوره سنگ به دوره‌ای اطلاق می‌شود که مهمترین ماده برای ساخت ابزار، سنگ است. گنجاندن هنر اقوام بدوی در این فصل نیز به دلیل شباهت نسبی شیوه زندگی و هنر آنها با جوامع دوره سنگ است.

۱- هنر در دوره پارینه سنگی

تاریخ هنر با این سؤال‌ها شروع می‌شود، انسان از چه زمانی به آفرینش هنری دست زد؟ چه انگیزه‌ای باعث آن بود؟ نخستین دست ساخته‌ها چه بودند؟ پاسخ روشن به این سؤال‌ها آسان نیست و هر پاسخی را باید با احتیاط پذیرفت. باستان‌شناسان بنا به شواهدی حضور انسان بر روی زمین را تا چند میلیون سال پیش به عقب می‌برند (تصویر ۱).



تصویر ۱- اثر رد پای انسان حدود سه و نیم میلیون سال پیش، تانزانیا، آفریقا

شواهد زمین‌شناسی نشان می‌دهد که در اواخر دوره پارینه سنگی (حدود ۱۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ سال پیش از میلاد) آب و هوای کره زمین دچار تغییر و سردتر شده است، این تغییرات در اروپا شدیدتر بود و بر روی نحوه زندگی انسان و حیوانات اثر گذاشت و باعث شد در بعضی جاها انسان‌ها به غارها و پناهگاه‌ها روی آوردند و سعی کردند، نیازمندی‌های خود را با این تغییرات هماهنگ سازند.

گروه‌های انسان‌های غارنشین از طریق شکار و جمع‌آوری غلات زندگی می‌کردند، مردها اغلب به شکار حیوانات و زن‌ها هم به جمع‌آوری دانه‌ها و ریشه‌های گیاهان وحشی، مواظبت از کودکان و سالخوردگان، نگهداری آتش و پخت‌وپز می‌پرداختند. این جوامع برای ادامه زندگی به ابزار کار نیاز داشتند که مهمترین ابزار آنها سنگ بود. به همین خاطر این دوره را عصر سنگ نام‌گذاری کرده‌اند. مهمترین ابزار، سنگ‌های مُشته‌ای^۳ و نوک تیزی بود که از طریق شکستن سنگ‌های بزرگ‌تر به دست می‌آمد. در این دوره انسان با شناخت دقیق‌تر دنیای پیرامون، ساخت ابزار کارآمدتر را فراگرفت و برای تأمین نیازهای مادی تلاش بیشتری از خود نشان داد و سعی کرد خواسته‌ها و نیازهای خود را به شکل نقاشی، حکاکی روی سنگ و ساخت پیکره بیان کند و پیش از آنکه به مدد ذوق، هنرمند شود بر اثر نیاز، صنعتگر شد (تصویر ۲).



تصویر ۲- مراحل ساخت ابزارهای سنگی در دوره پارینه سنگی

۱- مورخان به دوره‌ای از تاریخ که هنوز انسان به مرحله نگارش نرسیده بود، دوره سنگ یا دوره پیش از تاریخ می‌گویند.

۲- Primitive

۳- نوعی ابزار سنگی مدور یا مخروطی که رأس آن تیز و بُرنده می‌شده و در مشت جا می‌گرفته است.

در حدود ۳۵۰۰۰ سال پیش از میلاد نخستین دست ساخته‌های انسان ظاهر و به تدریج کیفیت ساخت آنها بهبود می‌یابد و در فاصله ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد به بالاترین کیفیت می‌رسند (تصاویر ۳ و ۴).



تصویر ۴- تصویر فرضی شکار ماموت توسط مردم عصر پارینه سنگی



تصویر ۳- تصویر فرضی از زندگی مردم عصر پارینه سنگی

در دوره پارینه سنگی مهمترین وظیفه گروه‌های انسانی (شکارگر) شناخت خصوصیات حیوانات و چگونگی شکار آنها بود و بهترین راه بیان نیازها و انتقال فکر، تصویر بود. از این رو نخستین و جالب‌ترین آثار هنری انسان که مورخان هنر، آنها را آغاز هنر اعلام می‌کنند، تصاویر جانورانی نظیر گاو، اسب، گوزن، آهو، ماموت، گراز و غیره است که بر سطح دیوار غارها و پناهگاه‌های ناحیه آلپ در اروپا با رنگیزه‌های معدنی مانند گِلِ اُخرا و خاک سرخ یا سیاه (دوده زغال یا سوخته استخوان مخلوط با پیه جانوران) نقاشی یا کنده کاری شده‌اند. مشهورترین این تصاویر بر دیوارهای داخلی و سقف غارهای آلتامیرا^۱ و لاسکو^۲ در فاصله ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد کنده، نقاشی و یا تراشیده شده‌اند. بعضی از آنها مثل تصویر گاو وحشی زخم خورده، بسیار زنده و واقع نما است. خطوط کنارنما و سایه‌اندازی ظریف و ماهرانه و استفاده از برجستگی‌های سنگ‌ها سبب نمایش حجم و برجستگی‌های اندام جانور شده و با وجود اینکه تصویر اسب و گاو نیم رُخ هستند، برای بُعد نمایی، دو گوش اسب و دو شاخ گاو نشان داده شده است. امروز عقیده بر این است که این تصاویر جنبه تزیینی نداشته و هدف از ایجاد آنها، بخشی از آیین جادو و باروری بوده، زیرا تعدادی از این غارها مثل لاسکو و آلتامیرا، برای سکونت مناسب نبوده و از آنها برای انجام مراسم مذهبی استفاده می‌شده است. آنها برای این تصور بودند که با ترسیم شکل جانور روح آن‌را به تصاحب در می‌آورند. نقاشی‌هایی که در نقاط پنهان و دور از دسترس درون غارها انجام شده، از دقت زیادی برخوردارند و خصوصیات رفتاری حیوانات اعم از حرکات و حالات آنها بسیار طبیعت‌گرایانه نمایش داده شده‌اند. به نظر می‌رسد این نقاشی‌ها مربوط به آیین‌های باروری (دعا برای زاد و ولد) بوده و حیواناتی که در ترسیم کمتر به آنها دقت شده، مربوط به جادوی شکارند^۳ (تصاویر ۵ و ۶).

۱- Altamira

۲- Lascaux

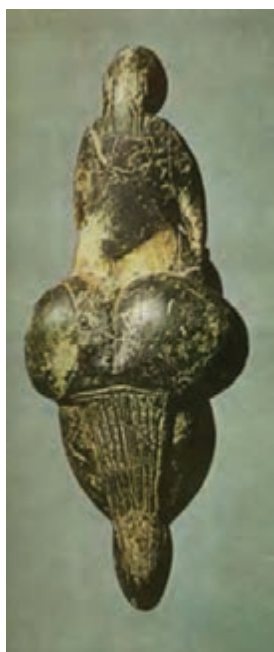
۳- آنها بر این تصور بودند که با تصویر کردن جانوران بر روح آنها مسلط شده و موفقیت آنها در روز شکار تأمین خواهد شد.



تصویر ۵- دوره پارینه سنگی راست: تالار گارها، چپ: نقش اسب، غار لاسکو، فرانسه، حدود ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد



تصویر ۶- گاو وحشی زخمی، غار آلتامیرا، اسپانیا. حدود ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد



تصویر ۷- الهه لسیپوگ، Lespugue فرانسه، عاج ماموت، حدود ۲۳۰۰۰ سال پیش از میلاد

در نقاط دیگر جهان آثاری به این قدمت و پیشرفت که از نظر کمیت و کیفیت با آثار اروپایی قابل مقایسه باشد به دست نیامده است. در آسیا و ایران هم نقاشی‌ها و نقشکندهای (حکاکی‌های روی سنگ) پناهگاهی و صخره‌ای شناسایی شده‌اند، اما نسبت به نمونه‌های اروپایی جدیدتر و متعلق به دوره نوسنگی و بعد از آن هستند.

هنر این دوره محدود به نقاشی‌ها نیست بلکه تعداد قابل توجهی پیکرک^۱ انسانی و حیوانی از جنس استخوان، سنگ و گل و حکاکی نقش حیوانات روی عاج، استخوان و ... نیز به دست آمده‌اند که بعضی از آنها واقع گرایانه‌اند (تصویر ۷).

۲- هنر دوره نوسنگی یا روستا نشینی

از حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش از میلاد مجدداً شرایط آب و هوایی در بعضی مناطق جهان تغییر کرد و هوا گرم‌تر شد. به تدریج انسان‌ها زندگی در غارها و پناه‌گاه‌ها را ترک و زندگی در دشت‌ها را

۱- پیکره کوچک

آغاز کردند و دوره پارینه سنگی به تدریج خاتمه یافت و انسان دوره تازه‌ای از زندگی خود را شروع و شیوه هنری جدیدی بنا نهاد. این دوره تازه عهد نوسنگی یا عهد دهکده‌نشینی نامیده شد. دوره نوسنگی دومین دوره از ادوار تاریخ تحول زندگی انسان است. این نامگذاری به این علت است که انسان در آغاز این دوره نه تنها در ساخت ابزارهای سنگی تحولی به وجود آورد و آنها را کارآمدتر کرد، بلکه کم‌کم زندگی مبتنی بر شکار و گردآوری غذا را ترک و زندگی کشاورزی و دامپروری را آغاز کرد.

یافته‌های باستان‌شناسی اواسط هزاره چهارم (حدود ۳۵۰۰ پیش از میلاد) نشان می‌دهد که اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دهکده‌های آسیای جنوب غربی و شمال آفریقا (مصر) بسیار بهبود یافته بود. دهکده‌ها بزرگتر شده و بر جمعیت افزوده شده بود. دست ساخته‌ها متنوع‌تر شده و کیفیت ساخت اشیاء بهبود یافته و داد و ستد گسترده‌تر شده و نخستین اشکال نگارش نیز ابداع شد. با این رخدادها بعضی از این مناطق در آستانه تمدن شهرنشینی و آغاز حکومت‌ها قرار گرفتند.

● هنر نوسنگی در آسیا

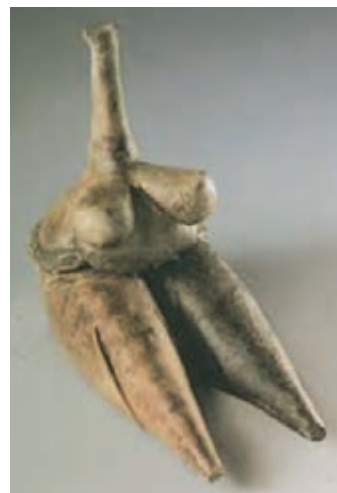
در فاصله ۱۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پیش از میلاد گروه‌های انسانی ساکن در دامنه‌های زاگرس، جنوب آناتولی (ترکیه) و فلسطین (سوریه و اردن) کاشت گندم و جو و پرورش گوسفند را فرا گرفتند و نخستین دهکده‌های عصر نوسنگی در نقاطی از ایران، عراق، ترکیه و فلسطین شکل گرفتند. در تپه سنگ چخماق (تزدیک شاهرود)، تعدادی ظروف سفالی بزرگ که برای نگهداری مواد غذایی ساخته شده‌اند، به دست آمده که بعضی از آنها به شکل خانه ساخته شده‌اند. از روی این ظرف که به شکل ماکت (الگو) ساخته شده می‌توان به شکل خانه‌ها پی برد (تصویر ۸). کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که روند روستائیشینی در اغلب مناطق قاره آسیا و شمال آفریقا (مصر) گسترش یافته است. هم‌زمان با شروع روستائیشینی، فن خانه‌سازی، نخ‌ریسی، بافندگی و سفالگری و ... ابداع شد. انسان عصر نوسنگی فاقد پیشینه هنری نبود بلکه نقاشی، کنده‌کاری، تندیس‌سازی، خراطی و فن پرداخت سنگ‌های زینتی را از دوره پارینه سنگی می‌شناخت. در این دوره انسان مانند عصر پارینه سنگی تنها به طبیعت وابسته نبود بلکه بخشی از نیازهای خود را از طریق دامداری و کشاورزی تأمین می‌کرد و فرصت اندیشیدن داشت و از این فرصت برای بهبود وضعیت زندگی خود استفاده کرد.

در طول دوره نوسنگی مردها علاوه بر کار کشاورزی به شکار نیز می‌پرداختند. زن‌ها علاوه بر زاد و ولد به بافندگی، سفالگری و کشاورزی نیز اشتغال داشتند و به همین خاطر در نزد خانواده از احترام برخوردار بودند. وجود تعداد قابل توجهی تندیس‌های زنانه در محوطه‌های دوره نوسنگی نشان از اهمیت زنان در زندگی روزمره دارد و از این تندیس‌ها به عنوان الهه مادر تعبیر می‌شود که نماد زاد و ولد و تداوم زندگی هستند (تصویر ۹).

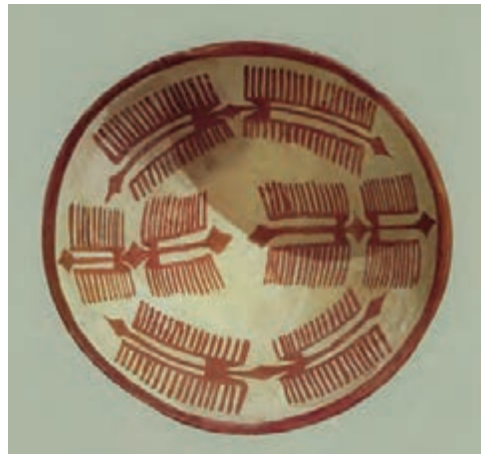
در اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد با ابداع چرخ سفالگری، سفال‌ها از تقارن منظمی برخوردار شده و نقاشی روی سفال از اهمیت برخوردار می‌شود. سفال‌ها در آغاز دارای نقوش



تصویر ۸ - ماکت سفالی خانه برای نگهداری آذوقه، تپه سنگ چخماق، شاهرود، حدود ۶۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد



تصویر ۹ - ونوس تپه سراب، کرمانشاه، حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد - موزه ملی ایران



تصویر ۱۰- کاسه سفالی، تل گپ، خوزستان، حدود ۴۰۰۰ تصویر ۱۱- گلدان سفالی، مصر، تصویر ۱۲- کاسه سفالی تل سامرا، عراق، ۵۵۰۰ پیش از میلاد
پیش از میلاد ۴۵۰۰

هندسی (خطوط موازی، عمودی، زیگزاگ، موجی و شطرنجی و ...) بودند و این نقش‌ها با رنگ‌های سیاه یا قرمز بر روی آنها رسم می‌شدند. اندکی بعد تصویر انسان، پرندگان، چهارپایان و ستارگان نیز رایج شد (تصاویر ۱۰ و ۱۱ و ۱۲). شیوه تصویر نگاری موجودات، ساده، خلاصه شده و دو بُعدی هستند^۱ و بدن موجودات به شکل هندسی و در بعضی موارد روی اجزای بدن اغراق می‌شود (مثل شاخ‌ها)، به همین خاطر تصاویر از واقع‌نمایی و طبیعت‌گرایی به دور هستند. آثار و اشیای هنری به‌جا مانده از دوره نوسنگی در نقاط مختلف دنیا هم‌زمان نیستند و از نظر نوع با هم متفاوتند. به‌طور مثال در ایران و عراق سفال و در فلسطین مجموعه‌های یادبودی و در انگلستان سنگ افراشته‌ها (سنگ‌هایی که به‌صورت عمودی روی زمین قرار گرفته است) باقی مانده‌اند (تصویر ۱۴). در اریحا (دهکده‌ای در کشور اردن) پرستش مجموعه مانند برخی جوامع بومی آفریقا رایج بود، در این محل تعدادی سردیس آدمی که سیمایی نافذ و پر حالت دارند و به‌هزاره هفتم و ششم پیش از میلاد تعلق دارند، کشف شده است. هنرمندان اریحا مجموعه را از بقیه اسکلت جدا می‌کردند و با گچ رنگی دوباره آن را به‌شکل سر آدم در می‌آوردند و در بازسازی سعی می‌کردند که شبیه چهره صاحب آن باشد (تصویر ۱۳). سازندگان این سردیس‌ها پیشگامان هنر چهره‌سازی در دوره‌های بعد هستند.



تصویر ۱۳- مجموعه گچ اندود، اریحا، اردن، حدود ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد

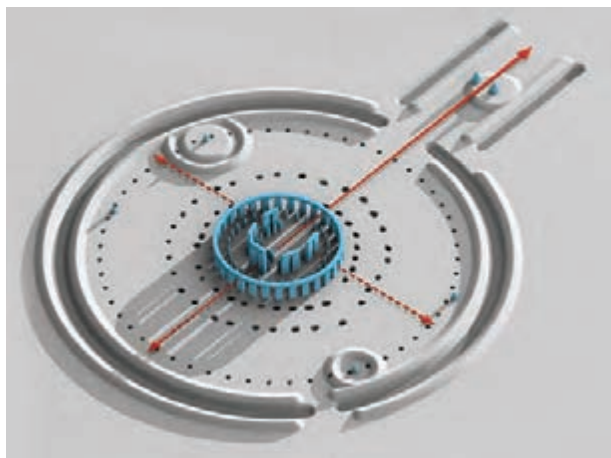
● هنر نوسنگی در اروپا

دوره نوسنگی اروپا، دیرتر از آسیا و در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد شروع شد. در اروپا دهکده‌هایی مشابه آسیای جنوب غربی به‌وجود نیامد، اما از این دوره، ساختمان‌های سنگ افراشته بزرگ و حیرت‌آوری باقی مانده است. ساختمان‌هایی که از قطعات بزرگ سنگ‌های مسطح که هیچ ملاطی ندارند، درست شده‌اند. یکی از مشهورترین آنها استون هنج^۲ در انگلستان است. این

۱- هنر این شیوه را سبک هندسی یا چکیده نگاری می‌گویند. در چکیده نگاری، تصاویر موجودات به نقش‌های ساده هندسی تبدیل و سپس قرینه‌سازی و تکرار می‌شود.

۲- Stonehenge

ساختمان، دایره‌ای وسیع از تخته سنگ‌هایی است که به فواصل مساوی از یکدیگر به‌طور عمود بر زمین نصب شده و بر روی آنها تخته سنگ‌های افقی قرار داده شده و در میان آنها دو دایره کوچک‌تر ایجاد شده و در مرکز آن یک قطعه سنگ بزرگ قرار دارد. این مجموعه درست مقابل با نقطه‌ای از آسمان است که در روز اول انقلاب صیفی^۱ (روز اول تیرماه) خورشید از آن طلوع می‌کند. این مجموعه بیانگر یک رصدخانه در ارتباط با گردش خورشید است (تصویر ۱۴ الف و ب).



تصویر ۱۴- ب- ماکت بازسازی شده استون هنج از نمای بالا



تصویر ۱۴- الف- استون هنج (سنگ افراشت) یا پرستشگاه نجومی سنگی، انگلستان، حدود ۱۸۰۰ تا ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد

● دوره نوسنگی در دیگر قاره‌ها

دوره نوسنگی در قاره‌های آمریکا، آفریقا (غیر از شمال این قاره) و استرالیا بین ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد شروع شد و تقریباً بدون تغییر باقی ماند. در این مناطق، زندگی کوچ‌نشین و روستایی تا قرون جدید به شکل بدوی ادامه یافته است. بعضی از اقوام مردم آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی از این مرحله گذشته و وارد مرحله شهرنشینی شدند.

۳- هنر بدوی یا ابتدایی

اقوام بومی^۲ آفریقای استوایی، بومیان استرالیا، ساکنان جزایر جنوب اقیانوس آرام (پولینزی و ایستر) و برخی از جوامع سرخ پوست آمریکای شمالی، مرکزی، جنوبی و اسکیموهای شمال آمریکا، اروپا و آسیا به عنوان اقوام بدوی یا ابتدایی شمرده می‌شوند. این قبایل هنوز نیز با شکار حیوانات و گردآوری ریشه‌ها و دانه‌ها و میوه‌های وحشی و اندکی کشاورزی و دامداری و به دور از تمدن شهری

۱- برابری طول شب و روز برای آغاز کشاورزی

۲- مانند اقوام بوشمن و بیگمه

زندگی می‌کنند. نظام خویشاوندی، مذهب و پرستش ارواح نیاکان مهمترین عامل وحدت میان آنها است. تولیدات هنری آنها بافندگی، سفالگری، ماسک (صورتک) و تندیس‌سازی، ساخت اشیای چوبی و استخوانی و نقاشی روی اشیاء و بدن است. شیوه هنری آنها ساده و هندسی‌گرا و از طبیعت‌گرایی به دور است. جوامع بدوی بر این باورند که می‌توانند روح اجداد خود را در ماسک و تندیس‌هایی که می‌سازند به دام اندازند و از نیروی آنها در جهت بهبود زندگی و دفع شر استفاده کنند. آنها اعتقاد دارند که تمام پدیده‌های طبیعت دارای روحند و می‌توان با انجام مراسم نمایشی و بازیگری با استفاده از ماسک و لباس‌های رنگارنگ روح آنها را به کالبد خود دعوت و از خاصیت افسونی آنها استفاده کرد. صورتک‌ها معمولاً شکلی وهم‌انگیز و ترسناک از انسان‌ها، حیوانات و یا ترکیبی از این دو با کارکردهای ویژه دارند. تندیس‌ها و صورتک‌ها از چوب، سنگ، فلز، پارچه، پوست یا ترکیبی از این مواد و در اندازه‌های مختلف ساخته می‌شد (تصویر ۱۵ و ۱۶).

در ساخت پیکره‌ها، بیشترین تأکید بر روی نگاه و حالت چهره است که بیانگر معنا و کارکرد آن می‌باشد. سایر اندام‌های بدن بسیار ساده و هندسی‌وار هستند. بعضی از تندیس‌ها رنگ آمیزی و با نقوش هندسی کنده شده، تزئین می‌شوند (تصویر ۱۷). این مردمان با وجود تاریخ طولانی همانند ملت‌های آسیا، اروپا و شمال آفریقا به مراحل تحول نرسیدند و شیوه زندگی آنها کم و بیش تا زمان حاضر، ادامه یافته، اما با ورود اروپاییان به سرزمین‌های آنها، نظام زندگی و شیوه هنری این جوامع در حال انقراض است.



تصویر ۱۷- ماسک نمایشی، جزیره بالی - اندونزی



تصویر ۱۶- بالا: ماسک دیواری، نقاشی روی چوب. پایین: ماسک مراسمی، چوب با نقاشی همراه با پوشال و دانه‌های گیاهی. گینه‌نو، شمال استرالیا



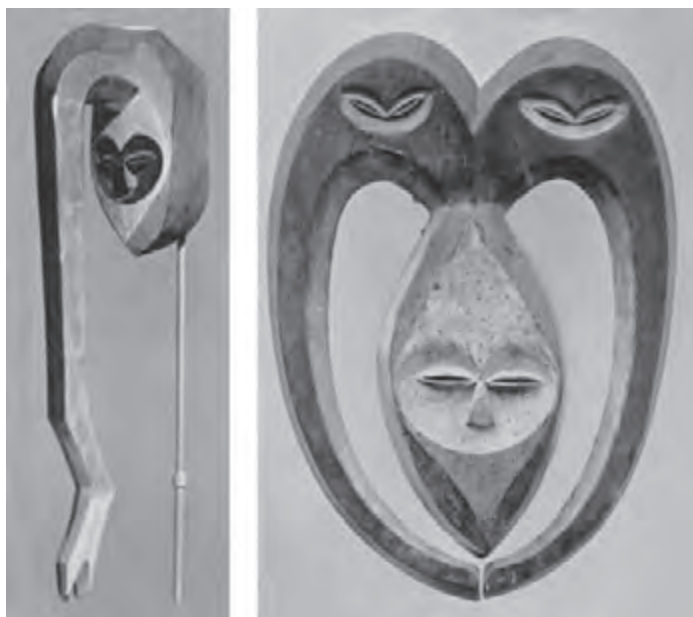
تصویر ۱۵- ماسک رقص، پارچه با تزئینات گیاهی. گینه‌نو، شمال استرالیا

● هنر آفریقایی

معمولاً به هنر ساکنان آفریقا غیر از سواحل و مناطق شمالی آن قاره، هنر آفریقایی گفته می‌شود. بومیان آفریقا صاحب هنری منضبط و سنت‌گرا، با محتوایی آئینی و زیبایی‌های صوری و انتزاعی خاص هر قوم و قبیله بوده‌اند. شکل‌های هنری معتبرترین ملاک تعیین هویت هر قبیله به‌شمار می‌آید. مهمترین قالب هنری آن قاره پیکره‌سازی و کنده‌کاری تزئینی بود. پیکره‌های چوبی همه‌جا در مراسم دینی یا آئین‌های قبیله‌ای به‌کار می‌رفت. سرپیکره‌ها غالباً بزرگ و بی‌تناسب ساخته می‌شد، زیرا در باور هنرمند، سر جایگاه نیروی زندگی و مهمترین بخش بدن بود. تندیسک‌ها تقریباً همیشه از یک تنه درخت و با فرینه‌سازی دقیق تراشیده می‌شدند و کشیدگی بدن و کوتاهی دستان شاخه‌مانندشان به همین سبب بود. نقاشی روی پوست بدن و شیاراندازی بر چهره در میان بسیاری قبایل مرسوم بوده است. نگاره‌ها و آرایش‌های رنگی به‌کار رفته در روی بدن، غالباً در پیکره‌سازی نیز اجرا می‌شده است. حرکات موزون مهمترین و گویاترین وسیله بیان هنری بومیان آفریقا است. در جریان این حرکات از تندیس‌های گوناگون استفاده می‌شد. هنرهای آفریقا در زندگی روزانه و مراحل مختلف زندگی تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ نقش مهمی دارند (تصاویر ۱۸ و ۱۹).



تصویر ۱۹- ماسک آیین بلوغ، جنوب غربی کنگو، آفریقا، قرن بیستم، بلندی ۲۴ سانتی‌متر، گالری برکت، کالیفرنیا

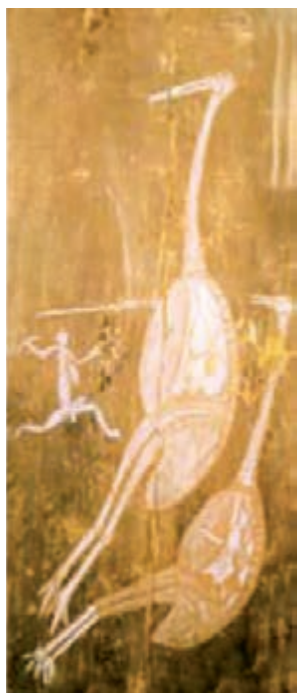


تصویر ۱۸- ماسک، چوب، کنگو آفریقا، موزه هنر بدوی نیویورک، سده بیستم

● اقیانوسیه (استرالیا)

هنر مردمان بومی استرالیا حکاکی روی سنگ، چوب و نقاشی روی بدن، موسیقی، رقص و آواز است. استفاده از ماسک در رقص و آوازهای گروهی این بومیان جنبه آئینی دارد و هدف از انجام آن ارتباط با ارواح نیاکانی و جلب حمایت از آنها است (تصویر ۲۰). موضوع نقاشی‌های روی صخره تصویر انسان و جانور در شکلی هندسی و دو بعدی است. در بعضی از نقاشی‌ها (تصویر ۲۱)

نه تنها شکل ظاهری بلکه اندام‌های داخلی مانند ستون فقرات، قلب و... نیز نقاشی می‌شوند (نقاشی اشعه ایکس) (تصویر ۲۲).



تصویر ۲۲- نقاشی روی چوب، صحنه شکار (نقاشی اشعه ایکس)، غرب استرالیا



تصویر ۲۱- نقاشی صخره‌ای (روح زندگی)



تصویر ۲۰- ماسک آیینی، الیاف گیاهی، گِل و رنگ، اوائل قرن بیستم، گینه‌نو، شمال استرالیا، بلندی حدود ۹۰ سانتی‌متر، مجموعه پاپوا (Papua)



● هنر سرخ پوستان آمریکای شمالی

هنراین جوامع نیز، مشابه هنر جوامع بدوی، افریقا و اقیانوسیه است. تولیدات هنری آنها شامل ماسک‌ها (تصویر ۲۳) و تندیس‌های آیینی، سفال، منسوجات و اشیای خانگی است. در طول یک صد



تصویر ۲۳- سمت راست، ماسک آیینی، سرخ پوستان شمال غربی آمریکا، چوب و الیاف، ۲۰۱۰ میلادی. بلندی حدود ۲۵ سانتی‌متر، گالری هنرهای زیبای بومی، سیاتل، بلندی حدود ۲۵ سانتی‌متر. وسط، ماسک به شکل سر پرنده با متقار متحرک، سرخپوستان سواحل غربی آمریکا. سمت چپ، رییس یک قبیله

سال اخیر بسیاری از دست ساخته‌های آنها به موزه‌های مختلف جهان راه یافته و مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

صنعتگران سرخپوست در عرصه تبدیل سنگ به انواع اشیای مفید در زندگی روزمره یا اشیای آیینی توانا هستند. رسم دیگر سرخپوستان ساخت محیط‌های گیرا و تماشایی برای فعالیت‌های مذهبی است. نقاشی و کنده‌کاری‌های صخره‌ای نیز در نزد آنها رواج دارد که برخی از آنها بسیار زنده و طبیعت‌گرایانه هستند. در نزد سرخ‌پوستان جنوب غربی آمریکا «نقاشی آیینی روی شن»^۱ با استفاده از گرد سنگ‌ها و خاکه‌های رنگی (نظیر خاک رُس، گچ، زغال و...) بر بستری از ماسه و یا خاک مرسوم بوده که انجام آن نیاز به مهارت داشته و نقاش به‌دستور طیب – جادوگر قبیله به‌ایجاد نقوش رمزی و سنتی با هدف شفا دادن بیماران در مراسمی همراه با دعا و افسون می‌پرداخته است (تصویر ۲۴). سرخپوستان ساکن دشت‌های بزرگ به دلیل زندگی چادرنشینی توجهشان بیشتر بر لباس و اندام خود و دیگر اشیای منقول مانند چپق، تبرزین و ظروف گوناگون معطوف بود (تصویر ۲۵).



تصویر ۲۵ – یک دختر سرخ‌پوست آمریکای شمالی. اوایل قرن بیستم



تصویر ۲۴ – نقاشی روی شن، قبیله ناواجو^۲، جنوب غربی آمریکا، ۱۹۰۷ میلادی، کتابخانه کنگره آمریکا

● اسکیموها

اسکیموها در نواحی شمال آمریکا، اروپا و آسیا (پیرامون قطب شمال) سکونت دارند و از طریق ماهیگیری و شکار حیوانات امرار معاش می‌کنند. اسکیموها در ساخت پیکره‌های جانوری، صورتک و لوازم زندگی به‌ویژه از استخوان، عاج، چوب و شاخ حیوانات توانا هستند. اسکیموها در طی سده‌های متوالی، صدها پیکره کوچک آدمی، جانوری و صورتک‌های متحرک را با استفاده از جنس عاج و استخوان و چوب ساخته و یا تصاویر ریز نقش جانور و انسان را با ظرافت تمام بر روی این مواد کنده کاری کرده و از طریق آنها افسانه‌های قومی خود را حفظ کرده‌اند (تصویر ۲۶). در بعضی از صورتک‌های اسکیموها اجزا و حالت چهره از واقع‌گرایی نیرومندی برخوردار است.



تصویر ۲۶ – نقاب رقص، اسکیموهای آلاسکا، حدود سال ۱۸۸۰ میلادی، چوب، موزه مردم‌شناسی، برلین

۱ – Sandpainting

۲ – Navajo

- ۱- چه عواملی سبب پیدایش هنر شد؟ شرح دهید.
- ۲- آثار هنری دوره پارینه سنگی چه ویژگی‌هایی داشت؟ شرح دهید.
- ۳- نقاشی در غارها برای چه هدفی انجام می‌شد؟
- ۴- تفاوت نقاشی غارها و نقاشی روی سفال دوره نوسنگی را شرح دهید.
- ۵- استون هنج برای چه هدفی و در کجا ساخته شده است؟
- ۶- هنر اقوام ابتدایی را توضیح دهید.
- ۷- مهمترین قالب هنری اقوام بدوی آفریقایان چه بود؟
- ۸- نقاشی‌های بدویان استرالیا دارای چه ویژگی خاصی است؟ شرح دهید.
- ۹- ویژگی هنر سرخپوستان را شرح دهید.
- ۱۰- هدف از ترسیم نقاشی بر دیوار غارها در دوره پارینه سنگی چیست؟
 - الف) تزئین محل سکونت
 - ب) هدف برای تمرین تیراندازی
 - ج) بخشی از آیین جادو و باروری
 - د) برای نمایش و بازیگری

هنر میانرودان (بین النهرین)



- هدف‌های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند :
- ۱- نحوه شکل‌گیری حکومت‌های میانرودان را شرح دهد.
 - ۲- شکل ساختمانی معابد سومری‌ها را شرح دهد.
 - ۳- خصوصیات تندیس‌های تل‌اسمر را شرح دهد.
 - ۴- هنر آگد را شرح دهد.
 - ۵- خصوصیات هنر حجاری آشوری را توصیف کند.
 - ۶- خصوصیات هنر بابلی را توصیف کند.
 - ۷- تفاوت هنر بابلی و آشوری را توضیح دهد.

۱- تاریخ مردم میانرودان

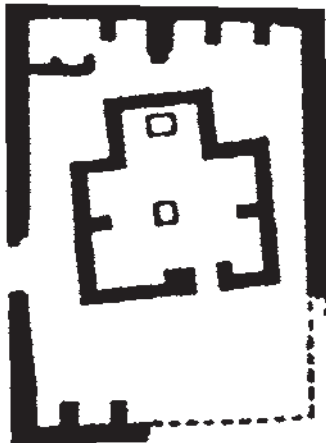
در حدود هزاره ششم پیش از میلاد، دشت‌های حاصلخیز جنوب میانرودان (بین دو رودخانه دجله و فرات) توسط مردمی کشاورز که از مناطق شرقی (ایران) آمده بودند اشغال شد و روستانشینی در این ناحیه به سرعت رشد کرد. بعدها برخی از روستاها مانند اِریدو^۱، اور^۲ و... به دلیل بهبود سیستم کانال‌های آبیاری، توسعه تجارت و افزایش جمعیت، وارد عصر شهرنشینی شدند و کم‌کم دولت شهرهایی^۳ را تشکیل دادند. در حدود ۲۹۰۰ پیش از میلاد، اتحاد نسبی تعدادی از این دولت شهرها منجر به شکل‌گیری حکومت سومری شد، اندکی بعد مردمان دیگری که سامی‌نژاد بودند بر سومری‌ها غلبه کردند و حکومت اکد^۴ را به وجود آوردند. سپس اقوام دیگری که آنها هم سامی‌نژاد بودند بر میانرودان مسلط شدند و در جنوب کشور بابل و در شمال کشور آشور را تشکیل دادند. دولت شهرهای میانرودان در آغاز دارای وحدت نژادی و زبانی نبودند. جنگ‌های داخلی و خارجی و مشکلات طبیعی (سیل ناشی از طغیان رودها) از همان آغاز بر اندیشه آنها تأثیرگذار بود و باعث شد که آنها جهان را ناپایدار و بی‌ثبات تصور کنند. این تأثیر در مذهب، ادبیات، معماری و هنر آنها منعکس است، آنها دریافتند که فقط مذهب می‌تواند عامل وحدت میان آنها باشد. با وجود این مشکلات، آنها مردمی سخت‌کوش بودند و یکی از تمدن‌های بزرگ جهان باستان را به وجود آوردند و سهم مهمی در ابداع خط و کتابت، ادبیات، قوانین اجتماعی، ریاضی، پزشکی، ستاره‌شناسی، معماری، پیکره‌سازی، نقاشی و... داشتند.

۲- هنر میانرودان

● دوره پیش از سومر یا پیش از سلسله‌ها

نخستین بنای کشف شده در میانرودان، معبدی در شهر اِریدو^۵ است. این معبد، بر روی یک سکوی طبیعی برای خدای حکمت و آب شیرین ساخته شد و در دوره‌های بعد الگویی برای ساخت معابد بعدی شد. (تصویر ۱)

از همان آغاز شکل‌گیری تمدن میانرودان، تندیس‌ها، با هدف‌های آیینی ساخته شدند. تا کنون تعداد قابل توجهی تندیس انسانی، جانوری و موجودات خیالی از مواد گوناگون (گل، گچ، سنگ، فلز و عاج) به دست آمده‌اند که از نظر ساخت، کیفیت‌های مختلفی دارند و مظهر زمینی ایزدان و الهه‌ها



تصویر ۱- نقشه معبد اِریدو، حدود ۳۵۰۰ قبل از میلاد، جنوب عراق

۱- Eridu

۲-Ur

۳- ناحیه‌ای با مرکزیت شهری که دارای استقلال سیاسی و مذهبی است (حاکم و معبد مستقل).

۴- Akkad

۵- Eridu

و حاکمان و نیایشگران در حالت‌های ایستاده و نشسته ساخته شده‌اند. نیایشگران معمولاً ایستاده و دست به سینه مجسم شده‌اند. در ساخت این تندیس‌ها کمتر به جزئیات توجه شده و بیشتر به بالا تنه و چشم‌ها تأکید شده است. یکی از هنرمندانه‌ترین آنها، سردیس زنانه‌ای از مرمر سفید است که احتمالاً به ایزد بانویی تعلق دارد و بسیار خوش ساخت است و به احتمال زیاد حفره چشم‌ها و ابروها با ماده‌ای رنگین ترصیع شده بوده‌اند. لب و چانه با ظرافت حجم پردازی شده و برجستگی نرم گونه‌ها که با نگاه خیره و بزرگ چشم‌ها همراه شده، حالتی از قدرت و حساسیت را به وجود آورده است (تصویر ۲).



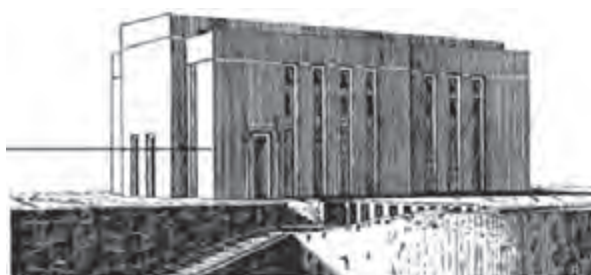
تصویر ۲- سردیس ملکه اوروک از سنگ مرمر، اوروک، حدود ۳۳۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، موزه عراق

● هنر سومر

از دوره سومر آثار قابل توجهی مانند آثار معماری، پیکره، مهر و گل نوشته باقی مانده است. معروف‌ترین معابد این دوره معبد خدای آسمان^۱ (تصویر ۳) در شهر اوروک^۲ و معبد خدای ماه^۳ (تصویر ۴) در شهر اور است. معبد اوروک بر روی یک سکوی مصنوعی بلند ساخته شده است و به دلیل داشتن اندود سفید (گچ)، به معبد سفید نیز شهرت دارد. باستان‌شناسان در موقع کشف آن را زیگورات^۴ نامیدند. زیگورات به معنی کوه بلند و سرچشمه زندگی بود، به همین خاطر سومری‌ها معابد خود را به شکل کوه می‌ساختند و بر این تصور بودند که با ساختن زیگورات‌های بلند ارتباط انسان با خدا آسان می‌شود. زیگورات به بنای بزرگ طبقه طبقه‌ای گفته می‌شود که ابعاد هر طبقه آن از طبقه پایین‌تر کمتر باشد. معبد اور برای خدای ماه ساخته شده و سالم‌ترین و بزرگ‌ترین زیگورات بجای مانده در میانرودان است. این معبد دارای سه طبقه بود که اتاق نیایش بر روی طبقه سوم ساخته شده بود و رسیدن به اتاق معبد از سه رشته پله مقدور بود.



تصویر ۴- معبد (زیگورات) اور و ماکت آن، حدود ۲۰۳۰ سال پیش از میلاد، جنوب عراق



تصویر ۳- معبد خدای آسمان، شهر اوروک، حدود ۳۵۰۰-۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، جنوب عراق

۱- Anu

۲- Uruk

۳- Sin (خدای ماه)

۴- Zigaret



از معبد ابو^۱ در تل آسمر تعدادی تندیس از جنس سنگ مرمر در اندازه‌های مختلف کشف شد. بزرگ‌ترین آنها تندیس ابو (ایزد رویش گیاه) است. به عقیده سومریان خدایان در قالب تندیس خود حضور دارند و نیایشگران نیز می‌توانستند برای خود جانشینی داشته باشند که به‌جای آنها نیایش کند. صورت و بدن تندیس‌ها بسیار ساده ساخته شده تا از اهمیت چشم‌ها به‌عنوان دریاچه روح که در ساخت آنها بسیار تأکید شده، کاسته نشود. تندیس‌سازان سومری آثار خود را به شکل مخروط و استوانه با بازوها و ساق‌های استوانه‌ای می‌ساختند (تصویر ۵). آثار به‌دست آمده از قبور سلاطین اور، ما را با ذوق و ظرافت هنر سومری بیشتر آشنا می‌کند، در این قبور آثار مختلفی به دست آمد که دیدنی‌ترین آنها چنگ منقوش است، بر روی دسته چنگ تصاویر طنز گونه‌ای از رفتار حیوانات نقش شده است (تصویر ۶). ماهر سازان نیز هنرمندان ماهری بودند و انواع نقش‌ها را بر روی مهرها حکاکی می‌کردند (تصویر ۷).

تصویر ۵- تندیس از جنس سنگ مرمر، ابو و همسرش، تل آسمر، حدود ۲۹۰۰ تا ۲۵۵۰ پیش از میلاد، موزه بغداد بلندترین تندیس ۷۵ سانتی‌متر

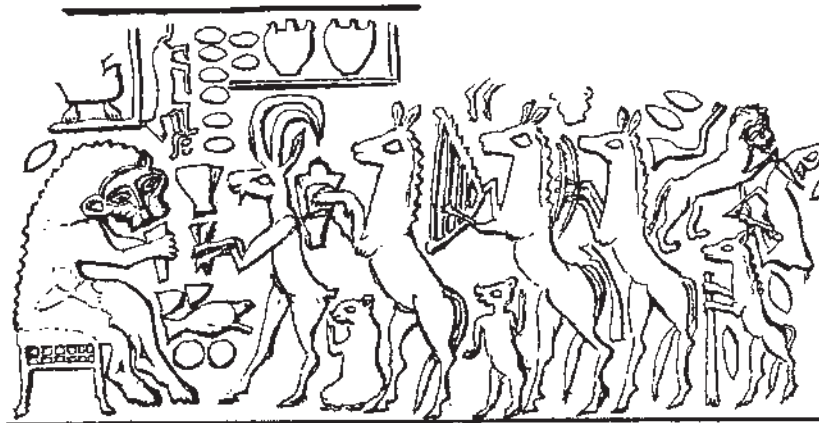


(ب)



(الف)

تصویر ۶- الف- چنگ اور، مقابر سلاطین اور، حدود ۲۶۰۰ پیش از میلاد، موزه دانشگاه فیلادلفیا
تصویر ۶- ب- بخشی از تصویر چنگ اور، سرگاو از کاسه چنگ اور طلا و سنگ لاجورد با چشمان
مرصع، بلندی ۴۵ سانتی‌متر



تصویر ۷- اثر مهر استوانه‌ای، پذیرایی از شیر، سومر، حدود ۲۶۵۰-۲۵۵۰ پیش از میلاد

● هنر اکّد

در حدود ۲۴۰۰ قبل از میلاد اقوام سامی نژاد شمال میانرودان به جنوب آمدند و به رهبری سارگون^۱ حکومت اکّد را تأسیس کردند. سارگون و جانشینانش خود را پادشاه می خواندند و ادعای فرمانروایی بر سراسر میانرودان را داشتند، در زمان اکّدی ها، هنر سومری وظیفه تجلیل از پادشاه را نیز به عهده گرفت، جالب ترین اثر دوره اکّدی یک سردیس مفرغی است که چهره پادشاهی قدرتمند را مجسم می کند که نگاهی اطمینان بخش و با ابهت دارد (تصویر ۸). از نارام سین^۲ نوه سارگون نیز یک لوح سنگی باقی مانده که در آن پیروزی نارام سین و سپاهش نقش شده است (تصویر ۹). در لوح نارام سین بزرگی اندازه شاه تأکید بر قدرتمندی و پیروزی او دارد.



تصویر ۹- لوح پیروزی نارام سین، سنگ، حدود ۲۳۰۰-۲۲۰۰ قبل از میلاد، موزه لوور پاریس



تصویر ۸- سر حاکم اکّدی (احتمالاً سارگون)، مفرغ، نینوا، حدود ۲۳۰۰ تا ۲۲۰۰ پیش از میلاد، موزه عراق

● هنر دوره سومر نو

در زمان تسلط بیگانگان بر بین النهرین یکی از دولت شهرهای سومری به نام لاگاش و به رهبری گودا^۳ استقلال خود را حفظ کرد. گودا حاکمی مردم دوست بود و در زمان او هنر و معماری سومری تجدید حیات یافت. از گودا تعدادی تندیس سنگی نشسته و ایستاده باقی مانده است که برخی از آنها با ظرافت تمام ساخته شده و در آنها به کشش های عضلانی بدن توجه شده است. یکی

۱-Sargon

۲-Naram - sin

۳-Gudea



تصویر ۱۰- سر گودا، از سنگ دیوریت، از شهر لاگاش، حدود ۲۱۵۰ پیش از میلاد، موزه بغداد

از زیباترین آنها سردیسی است که هنرمند تلاش کرده، حالت روحانی وی را نشان دهد (تصویر ۱۰). تندیس‌های گودا، مظهر نیایشگری است که با خلوص در مقابل معبود خود قرار گرفته است. تداوم هنر بین‌النهرین از سردیس ملکه اوروک تا سردیس حاکم اکدی و سردیس گودا ادامه دارد.

● هنر آشوری



تصویر ۱۱- شیر زخمی در صحنه شکار، حجاری روی سنگ، کاخ آشور بانیپال، نینوا، حدود ۶۵۰ پیش از میلاد، موزه بریتانیا

هنر آشوری پس از مدت‌ها اقتباس و تجربه از هنر بابلی و اقوام دیگر^۱ آسیای صغیر (ترکیه امروزی) که در نقش برجسته‌سازی توانا بودند، سبکی را بنیان گذاشت که منشأ موفقیت‌های حجاران گردید^۲ و در زمان آشور نصیر پال دوم تبدیل به هماهنگی بین معماری و هنر تصویری شد. هنر آشوری در زمان آشور نصیر پال و آشور بانیپال در معماری کاخ‌ها و نقش برجسته‌های دیواری تجلی یافت. نقش برجسته‌ها اغلب به صحنه‌های جنگ، شکار، محاصره شهرها و قلعه‌ها و مراسم مذهبی اختصاص داشت و شاه همچون قهرمان در همه جا حضور داشت. هنرمندان

آشوری در نمایش حیوانات به خصوص صحنه‌های شکار بسیار توانا بودند و حالت‌های گریز و ستیز و مرگ حیوانات را طبیعی و دقیق مجسم می‌کردند (تصویر ۱۱). ولی تندیس‌های انسانی در نقش برجسته‌ها و نقاشی‌های دیواری خشک و رسمی هستند و غالباً سر و پا از دید جانبی و بدن از دید

۱- میثانی‌ها از اقوام شمال بین‌النهرین (آسیای صغیر) و در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد از قدرت برخوردار بودند، آنها در معماری و حجاری توانا بودند و با آشوری‌ها ارتباط داشتند.

۲- دوره آشوری به سه دوره کهن، میانه و جدید تقسیم می‌گردد ولی از دوره‌های کهن و میانه اثری به جای نمانده و آناری که ذکر شده است همگی از دوره جدید است.



تصویر ۱۴- انسان - گاو (گاو مرد بالدار) سنگ مرمر، دروازه کاخ سارگون دوم آشوری در نینوا، ۷۲۱ - ۷۰۵ پیش از میلاد



تصویر ۱۳- دو بزرگ زاده آشوری، بخشی از یک نقاشی دیواری، کاخی در سوریه، حدود ۸۵۰ تا ۸۰۰ پیش از میلاد موزه حلب، سوریه



تصویر ۱۲- یکی از هدیه آورندگان، حجاری روی سنگ مرمر، کاخ سارگون دوم، شهر آشور (خورس آباد کنونی)، حدود ۷۲۰ پیش از میلاد، موزه لوور، پاریس

روبرو نشان داده شده است^۱ (تصاویر ۱۲ و ۱۳). در میان مجسمه‌های آشوری، شیران و گاو بالدار با سر انسان، از همه جالب‌تر هستند. این تندیس‌ها اغلب در دو سوی ورودی کاخ‌ها قرار می‌گرفتند. وظیفه این موجودات حمایت از کاخ‌های سلطنتی و دفع نیروهای شر بود. حجاران انسان - گاو‌ها را با پنج پا بازنمایی کرده‌اند که قصدشان القای حرکت از دید جانبی بوده است (تصویر ۱۴).

● هنر بابلی

بابلی‌ها بر جنوب میانرودان مسلط بودند و پایتخت آنها شهر بابل بود. بابلی‌ها دو بار به اوج قدرت رسیدند^۲. نخستین جلوه هنر آنها قبل از دوره آشوری به نام دوره بابل قدیم و در زمان حمورابی است که قانون نامه وی که بر روی سنگی مخروطی شکل (لوح سنگی) نقش شده، بسیار مشهور است (تصویر ۱۵ الف و ب). بر روی این لوح، حمورابی در حال دریافت قوانین از خدای خورشید (شمس) است. دومین اوج هنر آنها در دوره بابل جدید و در حدود ۶۰۰ پیش از میلاد است. در این دوره معبد ایشتار و دروازه مشهور آن و برج افسانه‌ای شهر بابل توسط نبوه کد نصر^۳ (بخت النصر) ساخته شد. بابلی‌ها وارث هنر و تمدن سومری‌ها و اکدی‌ها بودند. بابلی‌ها نیز مانند همه ملل قدیم میان هنر و صنعت تفاوتی قائل نبودند. اما هنرمندان از احترام زیادی برخوردار بودند و دولت‌های

۱- اصل تقابل

۲- بابل در دو دوره به حکومت رسید. بابل قدیم قبل از دوره آشوری شکل گرفت. همچنین پس از آشوریان دوباره بابل جدید حکومت را به دست گرفت.

۳- Nebuchadnezzar

همسایه همواره خواستار حجاران، نجاران، بنایان و آهنگران بابلی بودند و از آنها در کارهای ساختمانی استفاده می‌کردند. برخلاف آشوریان، هنر بابلی همچون هنر سومری - آکدی در خدمت مذهب و حکومت بود و هنرمندان به ساخت و تزیین معابد، تجسم خدایان و بازنمایی حکام و کارگزاران حکومت می‌پرداختند. بابلی‌ها در ساخت آجرهای لعاب‌دار بسیار توانا بودند و نمونه کار برجسته آنها آجرهای لعاب‌دار منقوش دروازه ایشتار است که از جمله شاهکارهای هنری جهان باستان محسوب می‌شود (تصویر ۱۶ و ۱۷).



تصویر ۱۵ - الف - قانون نامه حمورابی، لوح سنگی، ارتفاع ۲۱۵ سانتی‌متر، حدود ۲۷۵۰ پیش از میلاد، موزه لوور، پاریس



تصویر ۱۵ - ب - بخشی از خط نوشته لوح سنگی حمورابی



تصویر ۱۷ - آجر لعاب‌دار، کاخ نبوه‌کدنصر، بابل، حدود ۵۷۵ پیش از میلاد. موزه باستان‌شناسی استانبول



تصویر ۱۶ - بازسازی دروازه ایشتار، بابل، حدود ۵۷۵ پیش از میلاد، موزه دولتی برلین

جدول گاهنگاری دوره‌ها و سلسله‌های میانرودان (بین‌النهرین)

آثار	زمان (پیش از میلاد)	جنوب	شمال	دوره یا سلسله
	۷۰۰-۵۳۹	×		بابل جدید
	۹۱۲-۶۱۲		×	آشور جدید
	۱۲۰۰-۹۱۲		×	آشور میانی
	۲۰۰۰-۱۲۰۰		×	آشور قدیم
	۱۲۰۰-۷۰۰	×		ایسین ۲ و سلسله‌های دیگر
	۱۶۰۰-۱۲۰۰	×		کاسی
	۱۸۰۰-۱۶۰۰	×		بابل قدیم
	۲۰۰۴-۱۸۰۰	×		ایسین - لارسا
	۲۱۱۱-۲۰۰۴	×		سومرنو (اور سوم)
	۲۳۳۴-۲۲۰۰	×	×	آگد
	۲۹۰۰-۲۴۰۰	×		سومر (سلسله‌های قدیم)
	۳۵۰۰-۲۷۰۰	×		پیش از سومر: عبید، اوروک، جمدت نصر

- ۱- چه عواملی باعث شکل‌گیری شهرها در میانرودان شد؟
- ۲- مردم میانرودان با چه مشکلاتی روبرو بودند؟
- ۳- چرا مردم میانرودان جهان را بی‌ثبات تصور می‌کردند؟
- ۴- زیگورات به معنی و سرچشمه زندگی بود.
- ۵- معابد سومری به چه شکل ساخته شده‌اند؟
- ۶- تندیس‌های تل‌اسمر دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۷- هنر اکدی دارای چه ویژگی خاصی است؟
- ۸- صورت‌گودا و سارگون دارای چه خصوصیتی هستند؟
- ۹- نقوش حیوانی و انسانی در حجاری‌های آشوری چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟
- ۱۰- از دوره بابل قدیم چه اثر مشهوری باقی مانده است؟
- ۱۱- جدول زیر را کامل کنید.

نمونه معماری	نمونه آثار هنری مهم	دوره
.....	۱- ۲- آجر لعاب‌دار
کاخ	۱- نقش برجسته ۲-	آشوری

هنر مصر



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که

بتواند:

- ۱- عوامل زیست محیطی مؤثر بر هنر مصر را نام ببرد.
- ۲- خصوصیات هنر مصر را شرح دهد.
- ۳- لوح نارمر را شرح دهد.
- ۴- روش ساخت مقبره‌ها را در دوره سلسله‌های اولیه شرح دهد.
- ۵- اهرام سه گانه را توضیح دهد.
- ۶- اصول بیکره سازی مصری را بیان کند.
- ۷- هدف از ساخت تندیس برای مردگان را بیان کند.
- ۸- موضوع کتاب مردگان را بیان کند.

۱- طبیعت و تاریخ

یک مورخ یونانی^۱ مصر را هدیه‌ای از رود نیل نامیده، زیرا سرزمین مصر تقریباً بدون باران است. سطح آب رود نیل که همچون شریان حیاتی مصر است، در فصول مختلف سال به‌طور منظم بالا و پائین می‌رود و این تغییرات تأثیر زیادی در فرهنگ، مذهب و هنر مصری‌ها داشته است. یکی از دلایل ثبات تمدن و هنر مصر در طی ادوار مختلف همین تغییرات فصلی سطح آب است. تاریخ مصر باستان از زمانی آغاز می‌شود که آنها خط را حدود ۳۱۰۰ پیش از میلاد ابداع کردند. مورخان تاریخ مصر را به‌سلسله‌های اولیه، قدیم، میانه و جدید تقسیم می‌کنند.

۲- میراث هنر مصر

مصریان باستان میراث هنری ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشتند که با هنرهای دیگر تمدن‌های جهان تفاوت دارد، آنها همیشه جلوه‌های خوب زندگی را در آثارشان منعکس می‌کردند و برای زنده‌نمایی پیکره‌ها از رنگ استفاده می‌کردند. نقاشی‌ها و نقوش برجسته آنها دو بعدی و توصیفی است. طبق سنت آنها، پیکره باید از بهترین زاویه نمایش داده شود. از این رو در نقاشی‌های افراد مهم، سر با نمای نیم رخ، اما چشم‌ها و شانه‌ها از روبرو، سینه‌ها از نیم رخ، کمر و کفل در نمای سه رخ، و پاها از نیم رخ و در حالتی آرام و با وقار نشان داده شده‌اند، ولی افراد فرودست پرتحرک و زنده هستند. هنر مصری هنر محافظه کار، ایستا و با دوامی است که در طول تاریخ خود یکسان مانده است. هنر مصری به خاطر استفاده آگاهانه از هندسه در معماری، شیوه تندیس سازی، خوشنویسی (خط هیروگلیف، تصویر ۱)، ساخت تالارهای ستون‌دار بر تمدن‌های یونان و روم و دیگر تمدن‌های خاورمیانه تأثیر گذار بوده است.



تصویر ۱- خط تصویری هیروگلیف، مقبره رامسس اول، ۱۲۹۰ پیش از میلاد، مصر

۳- تاریخ هنر سلسله‌های مصر

● سلسله‌های اولیه

با شروع سلسله‌های اولیه، هنر حجاری، تندیس‌سازی و نقاشی شکوفا شده و در ساخت مصنوعات هنری، قواعدی پایه‌گذاری شد، بطور مثال در حجاری و تندیس‌سازی همیشه پای چپ جلوتر است. مهمترین اثر هنری این دوره که برای شناخت خصوصیات هنر مصر مناسب است یک لوح سنگی است که به شاه نارمر^۱ نسبت داده می‌شود. نقش‌کنده کاری شده در دو سوی این لوح به یک رویداد سیاسی اشاره دارد و گویای اتحاد مصر علیا و سفلی توسط نارمر است (تصویر ۲). در این دوره ساخت مقبره اهمیت یافت. مقبره‌ها را به صورت حفره‌های مستطیل شکل می‌ساختند و متوفی را داخل آن قرار داده و روی آن را با سقف چوبی پوشانده و درون آن هدایا و لوازم زندگی برای جهان بعد از مرگ قرار داده و سطوح داخلی آن را با نقاشی و حجاری تزیین می‌کردند.



تصویر ۲- لوح سنگی (پشت و رو) منسوب به نارمر، حدود ۳۱۰۰ پیش از میلاد، بلندی ۶۲ سانتی متر، موزه مصر، قاهره

● سلسله‌های قدیم

هنر سلسله‌های قدیم با پادشاهی زوسر آغاز می‌شود و جانشینان او بزرگ‌ترین مقبره‌ها را که به اهرام سه‌گانه^۲ شهرت دارند، در منطقه جیزه ساختند (تصویر ۳). تندیس مشهور ابوالهول^۳ (پدرترس) نگهبان هرم‌ها با سر انسان و بدن شیر، در نزدیکی آن قرار دارد (تصویر ۴). بدنه این هرم‌ها با سنگ‌های صاف ساخته شده و اتاق تدفین در داخل آن قرار دارد.

۱- Narmer

۲- اهرام سه‌گانه شامل ختویس (خونو)، جفرن (خفرع) و میکرنوس (منکورع) می‌باشد.

۳- ابوالهول موجود ترکیبی به عنوان نگهبان و بزرگ‌ترین بیکره محسوب می‌شود.



تصویر ۵- تندیس چوبی، حدود ۱۹۵۰ پیش از میلاد، سلسله‌های قدیم



تصویر ۴- تندیس انسان - شیر (ابوالهول) و نمای هرم خنویس در پشت، جیزه، مصر، حدود ۲۵۳۰ پیش از میلاد



تصویر ۳- اهرام ثلاثه، جیزه، بین ۲۵۷۰ تا ۲۵۰۰ پیش از میلاد

هنر این دوره حالتی حماسی و شاعرانه دارد و در کلیه زمینه‌ها به اوج می‌رسد. آثار هنری بر اساس یک طرح از پیش تعیین شده ساخته شده و قواعد هندسی به دقت در آن رعایت می‌شد.

تندیس‌های این دوره در نگاه اول خشک و بی‌روح جلوه می‌کنند اما باید توجه داشت که در نظر مصریان زیبایی امری باطنی است. آنها برخلاف یونانی‌ها به زیبایی ظاهری توجه نداشتند و هدف آنها ایجاد نظم، استقامت و روح ابدی در مواد جامد و بی‌روح بود. در مصر، هنر تندیس‌سازی مانند دیگر هنرها جنبه مذهبی داشت. مصریان به زندگی ابدی در جهان بعد از مرگ باور داشتند و معتقد بودند که روح در موقع مرگ، بدن را ترک و در جهان دیگر مجدداً در جسم متوفی حلول می‌کند و

چون جسم انسان فانی است، مصریان برای متوفی پیکره‌ای بدلی از جسمی سخت (معمولاً سنگ خارا) می‌ساختند تا روح که در نزد مصریان «کا» نام داشت در جسم بدلی حلول کند و در جهان دیگر به حیات خود ادامه دهد. هنرمندان مصری در ساخت تندیس‌ها شبیه‌سازی نمی‌کردند اما برای شناخت صاحب تندیس نام وی را می‌نوشتند. شکل کلی تندیس‌ها اکثراً مکعبی و استوانه‌ای است. تندیس‌های ایستاده در حالت خبردار و پای چپ مردان همیشه در جلو پای راست قرار دارد (تصویر ۵) اما پاهای زنان به هم چسبیده و یا کمی از هم فاصله دارند و معمولاً بالاتنه دقیق‌تر ساخته می‌شد.

در این زمان، تندیس‌سازی به اوج خود می‌رسد. پیکره کاتب نشسته از آثار برجسته این زمان است، که سیمایی بسیار زنده و جاندار دارد و آماده شنیدن مطالب برای نوشتن است (تصویر ۶).

نقش برجسته‌ها و نقاشی‌های مصری به صورت ترکیب نیم رخ و تمام رخ اجرا می‌شدند (تصویر ۷). هنرمندان مصری مانند میانرودانی‌ها در جانورنگاری از طبیعت‌گرایی پیروی می‌کردند که نمونه برجسته آن غازهای میدم^۱ است (تصویر ۸).



تصویر ۶- کاتب نشسته، سنگ آهک، بلندی ۵۳ سانتیمتر، دوره پادشاهی قدیم، حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد، موزه لوور، پاریس

۱- Meidum



تصویر ۸- غازهای مدم ، سلسله چهارم، حدود ۲۵۵۰ پیش از میلاد. ، نقاشی دیواری داخل مقبره، بلندی تقریباً ۴۵ سانتی متر، موزه مصر، قاهره

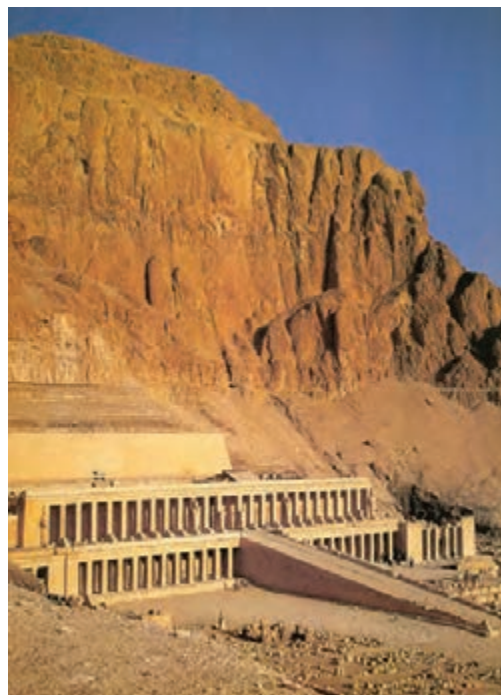


تصویر ۷- بزرگ زاده مصری، حدود ۲۷۵۰ پیش از میلاد، نقش برجسته روی چوب، بلندی ۱۱۴ سانتی متر، موزه مصر، قاهره

● سلسله‌های میانی و جدید

در دوره سلسله‌های میانه آثاری چون گذشته به وجود نیامدند اما با شروع سلسله‌های جدید شکوه تازه‌ای در هنر به وجود می‌آید و باید این عصر را دوره طلایی معبدسازی تلقی کرد یکی از یادمان‌های برجسته این دوره معبد «خت شپ سوت»^۱ در دیرالبحری است (تصویر ۹).

دو تن از حاکمان این دوره، اخناتون^۲ و توت عنخ آمون^۳ بسیار مشهور هستند. اخناتون تلاش می‌کرد از محدودیت‌های سنتی بکاهد و در پی این تلاش، هنرمندان نیز از آزادی محدودی برخوردار شدند و آثاری را خلق کردند که در آنها واقع‌گرایی و طبیعت‌گرایی به چشم می‌خورد که نمونه آن سر اخناتون است (تصویر ۱۰). اما شهرت توت عنخ آمون به دلیل مقبره اوست که دست نخورده کشف شد. در ماسک طلایی روی صورت او آزادی حرکت و حالت به چشم می‌خورد (تصویر ۱۱). از دیگر آثار سلسله‌های جدید، نقاشی‌های دیواری درون مقبره‌هاست. نقاشی‌های دیواری، نقوش و نوشته‌های روی کاغذ پاپیروس^۴ و بدنه تابوت، مراحل زندگی بعد از مرگ را



تصویر ۹- معبد حت شپ سوت در دیرالبحری، حدود ۱۴۸۰ پیش از میلاد

۱- Hatshepsut

۲- Akhenaten

۳- Tutankhamun

۴- پاپیروس (Papyrus) نوعی گیاه و از انواع گیاه نی به شمار می‌رود که مصری‌ها از آن کاغذ می‌ساختند.



تصویر ۱۲- بخشی از کتاب مردگان، نقاشی دیواری داخل مقبره، ۱۳۹۰ پیش از میلاد، سلسله‌های جدید



تصویر ۱۱- ماسک زرین تابوت توت عنخ آمون، ارتفاع ۵۴ سانتی متر، ۱۳۲۵ پ.م، موزه قاهره، مصر

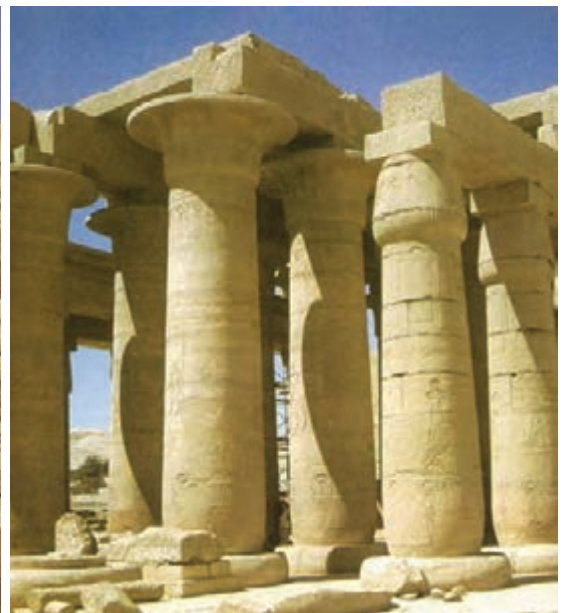


تصویر ۱۰- سر اخناتون، سلسله‌های جدید، ارتفاع ۲۶ سانتی متر، ۱۳۴۰ پ.م، برلین

نشان می‌دهند که مجموعه آن به نام کتاب مردگان شهرت یافته است (تصویر ۱۲).
 آخرین فرمانروایان قدرتمند مصر، رامسس دوم و سوم هستند که بار دیگر مصر را به اوج قدرت رساندند. یادگار برجسته معماری عهد آنها کاخ‌ها و معبد آمون در الاقصر است که دارای سردر، تالارهای ستوندار و حیاط است (تصویر ۱۳ و ۱۴).



تصویر ۱۴- تزئینات معماری، معبد آمون، کارناک، حدود ۱۴۵۰ پیش از میلاد



تصویر ۱۳- ستون‌های معبد رامسس دوم، حدود ۱۲۶۰ پ.م

مصری‌ها در زیورسازی و هنرهای تزئینی هم توانا بودند و موضوع اغلب آثار تزئینی آنها برگرفته از گیاهان کنار رود نیل به‌ویژه نیلوفر و پاپیروس بود (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵- گوشواره طلا و سنگ‌های قیمتی، مقبره توت عنخ آمون

جدول تاریخ سلسله‌های مصر

دوره سوم، سلسله ۲۴ تا ۲۱	سلسله‌های جدید، سلسله ۱۸ تا ۲۰	دوره فترت دوم، سلسله ۱۳ تا ۱۷	سلسله‌های میانه، سلسله ۱۱ تا ۱۲	دوره فترت اول، سلسله ۹ تا ۱۰	سلسله‌های قدیم، سلسله ۳ تا ۸	سلسله‌های عتیق، سلسله ۱ و ۲	دوره پیش از سلسله‌ها
							
۱۰۶۹-۷۱۴ پ.م	۱۵۵۰-۱۰۶۹ پ.م	۱۷۹۳-۱۵۵۰ پ.م	۲۱۱۹-۱۷۹۳ پ.م	۲۰۲۰-۲۱۷۰ پ.م	۲۱۷۰-۲۷۰۷ پ.م	۳۱۰۰-۲۷۰۷ پ.م	۵۵۰۰-۳۱۰۰ پ.م

ارزشیابی

- ۱- تغییرات فصلی رود نیل چه تأثیری بر هنر مصر داشت؟
- ۲- مصری‌ها در چه مواردی بر تمدن‌های دیگر تأثیرگذار بودند؟
- ۳- لوح نارمر بیانگر چه موضوعی است؟
- ۴- خصوصیات تندیس‌های مصر چه بود؟
- ۵- مصری‌ها برای چه منظوری برای افراد متوفی تندیس می‌ساختند؟
- ۶- تندیس کاتب نشسته دارای چه خصوصیتی است؟
- ۷- اخناتون چه تأثیری بر هنر مصر داشت؟
- ۸- موضوع نقاشی‌های کتاب مردگان چیست؟
- ۹- معبد حت شپ سموت در کدام سلسله ساخته شده است؟
الف) پیش از تاریخ
ب) دوره اولیه
ج) دوره قدیم
د) دوره میانی و جدید
- ۱۰- یادگار برجسته دوره رامسس دوم و سوم چه بود؟



هنر اژه و یونان



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند:

- ۱- نقش هنر اژه‌ای را در هنر یونان بیان کند.
- ۲- ویژگی‌های هنر اژه‌ای را توضیح دهد.
- ۳- علت رشد هنر یونان را شرح دهد.

- ۴- ویژگی شیوه هندسی را شرح دهد.
- ۵- ویژگی های هنر شیوه باستانی را توضیح دهد.
- ۶- خصوصیات هنر پیکره سازی کلاسیک را شرح دهد.
- ۷- ویژگی هنر دوره هلنی را شرح دهد.

۱- هنر اژه ای

تمدن اژه ای به دست مردمانی به نام مینوسی ها و میسنی ها شکل گرفت. مردم اژه بعد از گذر از دوره نوسنگی، وارد عصر شهرنشینی شدند و به سرعت به مدارج شهرنشینی پیشرفته ای رسیدند. مینوسی ها به دلیل نزدیکی و روابط تجاری با میانرودان و مصر، در جذب و انتقال تجارب این دو تمدن به سرزمین خود و انتقال آن به یونان نقش مهمی داشتند. در حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد زندگی شهرنشینی در جزیره کرت به اوج خود رسید.

اندکی بعد میسنی ها، ساکنان جنوب یونان، ابتکار عمل را به دست گرفتند و جانشین مینوسی ها شدند. این اقوام همزمان با شکل گیری تمدن یونان به خاموشی گراییدند. اژه ای ها در شکل گیری تمدن یونان نقش مهمی را ایفا کردند. امروزه بخشی از میراث هنری آنها چون آثار معماری، قبور سنگی، تندیس سازی، نقاشی دیواری و سفال های منقوش آشکار شده اند (تصویر ۱). تندیس های انسانی ساده و از شکلی هندسی و زاویه دار برخوردارند و نقاشی دیواری آنها نیز تنوعی از شکل های ساده هندسی تا طبیعت گرایی را نشان می دهند، در برخی از آثار هنری آنها شادی، شوخ طبعی و حرکات موزون دیده می شود (تصویر ۲). هنر اژه ای با وجود تأثیرات شرقی از شخصیتی مستقل و نوظهور برخوردار است.



تصویر ۱- سفال با نقش جانور دریایی، دوره میسنی، حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد، موزه برگامون



تصویر ۲- هنر مینوسی، نقاشی دیواری، صحنه گاو بازی، حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۶۰ سانتی متر، موزه هراکلیون، کرت

- ۱- minoan/minoans. مینوسی ها ساکنان جزیره کرت (Cret) و جزایر سیکلاد (Cyclades) در دریای اژه بودند. این دریا بین یونان و ترکیه (آسیای صغیر) قرار دارد.
- ۲- Mycenaean، ساکنان جنوب یونان

۲- هنر یونان

● سرزمین و مردم یونان

یونان نام سرزمین و کشوری به شکل شبه جزیره‌ای نامنظم و با جزایر بزرگ و کوچک در جنوب شرقی اروپا است. نخستین مردم شناخته شده‌ای که وارد خاک یونان شدند، میسنی‌ها بودند. اندکی بعد مردم دیگری که به زبان یونانی سخن می‌گفتند و از شمال یونان وارد این سرزمین شدند، با میسنی‌ها در آمیختند و کم کم بر جزایر و سواحل دریای اژه و آسیای صغیر مسلط و به تدریج تمدن یونان را بنا کردند. در میان اقوام یونانی، دوریسی^۱ها و ایونی^۲ها مشهور هستند. دوریسی‌ها در خاک اصلی یونان و ایونی‌ها در جزایر و سواحل آسیای صغیر ساکن شدند و با تمدن‌های خاورمیانه ارتباط داشتند.

یونان در زمانی کوتاه به یکی از تمدن‌های بزرگ جهان تبدیل شد. آب و هوای مساعد، فراوانی منابع طبیعی، راه‌های امن دریایی، نزدیکی به تمدن‌های مصر و میانرودان، روح آزادی خواهی، نداشتن حاکمان مستبد و داشتن روحیه بازرگانی از عوامل مؤثر در رشد سریع تمدن یونان در مقایسه با دیگر تمدن‌های کهن بود.

● شیوه یا دوره‌های هنر یونان

هنر یونان از آغاز تا انجام به چهار شیوه^۳ یا دوره، هندسی، باستانی، کلاسیک و هلنی تقسیم می‌شود و اوج آن در شیوه کلاسیک متجلی می‌شود.

● دوره هندسی: شیوه هندسی که به آن مرحله شکل‌گیری تمدن یونان نیز می‌گویند، از ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ سال پیش از میلاد به طول انجامید. یونانی‌ها از حدود ۸۰۰ پیش از میلاد با سرعتی شگرف در تاریخ ظاهر و در ۷۷۶ پیش از میلاد، نخستین بازی‌های المپیک^۴ را برگزار کردند و این زمان، آغاز تاریخ مستند یونان است.

هنر این دوره، شامل سفالینه‌هایی با نقوش هندسی، جانوری و انسانی است. تصاویر انسانی و جانوری ساده و به شکل هندسی روی سفال‌ها نقاشی می‌شد (تصویر ۳).



تصویر ۳- شیوه هندسی، مراسم سوگواری، نقاشی روی ظرف سفالی، سده هشتم پیش از میلاد، موزه متروپولیتن

۱- Doric

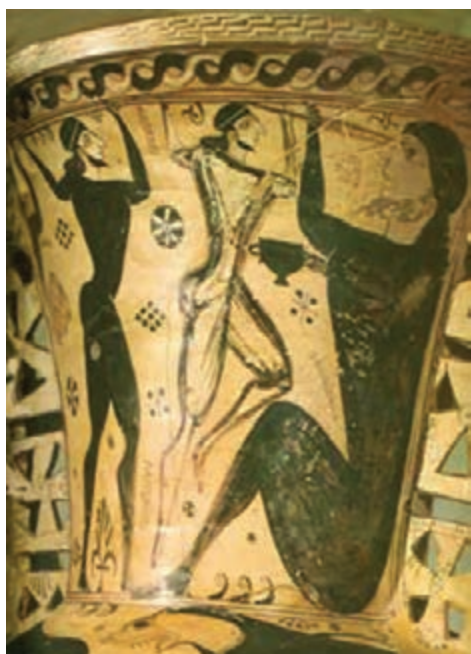
۲- Ionic

۳- به شیوه هندسی، دوره شکل‌گیری و به شیوه باستانی، دوره خاور مایی نیز گفته می‌شود.

۴- المپیک برگرفته از نام دشت المپیا است که یونانی‌ها در این محل هر چهار سال یکبار جشن و مسابقه برگزار می‌کردند.

مهمترین اتفاق در این دوره، نگارش دو حماسه ایلیاد^۱ و اُدیسه^۲ توسط هومیر^۳ بود که داستان‌های این دو حماسه، موضوع نقاشی‌های روی سفال‌ها بود.

● **دوره باستانی** : دومین شیوه هنری یونان، شیوه باستانی^۴ یا خاورمآبی نام دارد. در آغاز این شیوه، یونانی‌ها از طریق رفت و آمدهای تجاری با تمدن و هنر سرزمین‌های میانرودان و مصر آشنا شدند و در فاصله ۷۲۵ تا ۶۵۰ پیش از میلاد بخش بزرگی از هنرها و افکار تمدن‌های خاورمیانه را جذب و آنها را با شیوه هنری خود هماهنگ و شیوه باستانی را به وجود آوردند. این شیوه یکی از مراحل مهم تکامل هنر یونان است. نقاشی‌ها و تندیس‌های شیوه باستانی جاندار، باحالت، پر جنبش و از تازگی و سرزندگی برخوردارند. در این دوره، سفالینه‌ها از نظر ساخت ظریف‌تر شدند و صحنه‌های زیبایی از تاریخ افسانه‌ای و زندگی روزمره مردم بر روی سفال‌ها با رنگ سیاه بر روی زمینه سرخ (نقاشی سیاه‌گون) نقاشی می‌شد. سفالگران این دوره به اندازه نقاشان به کار خود افتخار می‌کردند و نام خود را روی سفال‌ها می‌نوشتند (تصاویر ۴ و ۵). در تندیس‌سازی از سنگ برای آفرینش پایدار استفاده شد، یونانی‌ها در آغاز نه تنها روش کنده کاری روی سنگ را از مصری‌ها یاد گرفتند بلکه، از سنت تندیس‌سازی آنها یعنی حالت ایستادن با پای چپ به جلو و یک پارچگی و مکعب‌نمایی قالب بدن نیز متأثر شدند، با این تفاوت که تندیس‌ساز یونانی تلاش می‌کرد تمام جزییات بدن را نشان دهد و از



تصویر ۵- نقاشی سیاه‌گون بر روی سفال (گردن کوزه)، کور کردن پولوفموس، ۶۷۵ تا ۶۵۰ پیش از میلاد، موزه التوسیسی



تصویر ۴- نقاشی سیاه‌گون بر روی سفال، صحنه پیشکش قربانی، حدود ۵۵۰ پیش از میلاد

۱- Iliade

۲- Odise

۳- Homer

۴- Archaic



تصویر ۶ - تندیس هرا، سنگ مرمر، حدود ۵۷۰ - ۵۶۰ پیش از میلاد، موزه لوور

سنگ، نقشی جاندار و تأثیرگذار به وجود آورد. تندیس‌های یونانی هوشیار و هیجان‌زده و سرشار از جنبش و با نگاه مستقیم هستند. یکی از این نمونه‌ها، تندیس زنانه الهه هرا^۱ است که ضمن شباهت به تندیس‌های مصری، دارای شکوه و وقار و روح است و جامه‌اش، تندیس را جاندارتر و زنده‌تر کرده است (تصویر ۶).

در دوره باستانی معماری معابد سنگی نیز به سرعت رشد کرد. معابد یونانی اغلب به طرح مربع مستطیل با سقف شیروانی مانند و دورستونی هستند و نمای بالای ورودی ساختمان، شکلی مثلث مانند دارند که به آن سنتوری می‌گویند. یونانی‌ها از حجاری، نقاشی و تزئینات معماری بناهای مصری و میازردانی آگاه بودند. اما آنها تنها در نمای سنتوری‌ها اقدام به حجاری و ایجاد نقوش برجسته می‌کردند (تصویر ۷).



تصویر ۷ - طرح خطی معبد دلفی، شیوه دور یک، ۵۲۰ سال پیش از میلاد

● **دوره کلاسیک**: سومین شیوه یا دوره هنر یونان، کلاسیک^۲ نام دارد که اوج هنر یونان است و به خاطر تأثیر آن در معماری، تندیس‌سازی و نقاشی اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اساس هنر یونان در این دوره، نظم، تناسب و هماهنگی در جزء و کل، سادگی و استحکام، قرینه‌سازی ماهرانه، تعادل و توازن، غلبه عقل بدون فنا کردن احساس است. نماها و شکل ستون‌ها و سر ستون‌های این دوره حتی تا امروز هم در معماری جهان مورد توجه‌اند و تندیس‌های عهد کلاسیک، هنوز جزء عالی‌ترین نمونه‌های هنر تندیس‌سازی در جهان هستند.

هنر عهد یونان زمانی به کمال دست یافت که آزادی آرمانی در جامعه یونانی تحقق یافت و هنرمند یونانی توانست احساس، عقل و طبیعت را در آثار خود مجسم سازد. شیوه کلاسیک بزرگترین ارمغان هنر یونان به هنر غرب است.

۱- در اساطیر یونان نام الهه ازدواج است Hera - ۱

۲- واژه کلاسیک (Classic) برای هنر یونان و روم به معنی کامل است.

در طول دوره کلاسیک، هنر معماری، نقش برجسته‌سازی، تندیس‌سازی و نقاشی نیز پیشرفت زیادی کرد. سمبل معماری کلاسیک معبد پارتنون^۱ است که به شیوه دوریک^۲ یا دوریسی ساخته شده و تناسب و هماهنگی در جز و کل، ظرافت، دقت و استحکام به زیباترین شکل ممکن در آن جلوه‌گر شده است (تصاویر ۸ و ۹). شیوه هنری دوریک جدی، سنگین و نیرومند است و شیوه ایونی، نرم و دلپذیرتر است.



تصویر ۹- معبد پارتنون، نمای غربی، ۴۴۸-۴۳۲ پیش از میلاد، آتن



تصویر ۸- نقاشی، چگونگی ساختن معبد پارتنون

در این دوره ساخت تئاتر یا تماشاخانه سرگشاده در اغلب شهرها رایج بود. این نوع ساختمان به شکل نیم-دایره در شیب تپه‌ها با ردیف‌هایی از نیمکت‌های سنگی و محل نمایش به شکل دایره یا نیم دایره در مقابل نیمکت‌ها ساخته می‌شد (تصویر ۱۰).

از دیگر زیبایی‌های معماری یونانی تنوع ستون‌ها است. یونانی‌ها در ساختمان‌ها از سه نوع سرستون به نام‌های دوریک (برخاسته در خاک اصلی یونان) و ایونی (برخاسته در سواحل اژه و آسیای صغیر) و کرتی^۴ یا کرتی (ترکیبی از این دو نوع) استفاده می‌کردند (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰- نمای یک تئاتر، میلتوس^۳، نزدیک از میر، ترکیه

۱- Parthenon.

۲- دوریک (Doric) یا دوریسی نام مردم سرزمین مرکزی یونان بود و آثار هنری آنها به این نام خوانده می‌شود تا از آثار هنری یونانی‌های ساکن سواحل آسیای صغیر و دریای اژه (ایونی‌ها) باز شناخته شود.

۳- Miletos

۴- Corinthian



تصویر ۱۱- ستون‌های یونانی

تندیس سازان این دوره با شناخت اندام انسان، با سنگ و فلز به ساخت تندیس پرداختند و تا مراحل تکمیل جزییات و حرکات بدن پیش رفتند و به نمای روبرو اهمیت دادند.

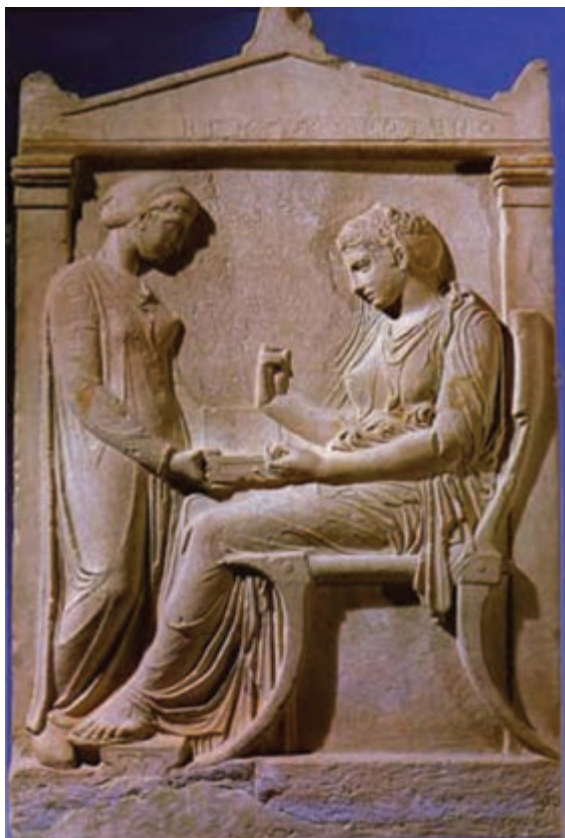
در تندیس مشهور دیسک‌پران، هدف مجسمه‌ساز این است که حالت خاصی از آرامش را در بدن انسان نشان دهد و چهره نیز بیان‌کننده وقار و تفکر و خویشتنداری باشد (تصویر ۱۲). از دیگر آثار برجسته، تندیس مفرغی زئوس^۱ در حال پرتاب نیزه است، در این تندیس، بدن حالتی پهلوانی دارد و حالت پرتاب به خوبی نشان داده شده است. تندیس‌سازان یونانی تلاش می‌کردند که تصویری آرمانی از انسان ارائه دهند (تصویر ۱۳). در این دوره، ساخت سنگ مزار نیز مورد توجه بود. از نمونه‌های برجسته سنگ مزار هِگِسُو^۲ است، نقش متوفی و خدمتکارش بسیار هماهنگ و حالت اندوه در نگاه خدمتکارش به خوبی منعکس است (تصویر ۱۴). در نقوش برجسته، ژرف‌نمایی در تندیس‌ها و نمایش حالت‌های بدن، مورد توجه قرار گرفت و از پارچه و لباس برای نمایش عمق و پرکردن فضا استفاده شد. در این دوره کمابیش نقاشی دیواری نیز مورد توجه بود که از ویژگی آنها توجه به عمق‌نمایی بود.



تصویر ۱۲- دیسک‌پران، کپی مرمرین رومی از روی تصویر ۱۳- (دو تصویر سمت چپ) تندیس مفرغی زئوس، حدود ۴۶۰ پیش از میلاد، موزه آتن اصل مفرغی، حدود ۴۵۰ پیش از میلاد، موزه روم

۱- زئوس (Zeus)، خدای آسمان

۲- هِگِسُو (Hegeso)



تصویر ۱۴- سنگ قبر هِگسو، حدود ۴۱۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۱۵۰ سانتی متر، موزه آتن

● **دوره هلنی^۱** : حمله اسکندر به آسیا و تصرف بخش‌هایی از خاورمیانه، سبب گسترش تمدن و هنر یونان از راه آسیای صغیر (ترکیه) به سوی شرق (سوریه، مصر، ایران تا مرزهای هندوستان) شد. در این دوره، هنر یونانی در سرزمین‌های تصرف شده با هنرهای محلی آمیخت و آثاری متأثر از هنر یونانی و سبک‌های محلی به وجود آمد که به سبک هلنی شهرت یافت. در ساخت کاخ‌ها، معابد و مقابر، از شکوه و جلال معماری شرقی استفاده می‌شد. در تندیس‌ها، شبیه‌سازی مورد توجه قرار گرفت. تندیس‌سازان به واقعیت‌های زندگی انسان‌های عادی توجه کرده و احساس انسان‌ها را به شکل هیجان، حسرت، نگرانی، رنج، خودخواهی و پیروزی در تندیس‌ها مجسم می‌کردند. تندیس و آرامگاه ماوسولوس^۳ در غرب آسیای صغیر^۴ و یک سر مفرغی بیان‌گر شیوه هلنی است (تصاویر ۱۵ و ۱۶). در دوره هلنی، سبک کلاسیک در سرزمین اصلی یونان متوقف نشد و ادامه یافت. تندیس الهه پیروزی نمونه‌ای از آثار با ارزش کلاسیک در دوره هلنی است. این تندیس با بال‌های گشوده

۱- واژه هلن یا هلنی (Hellen) نام دیگر کشور یونان است.

۲- دوره هلنی از زمان حمله اسکندر به آسیا تا زمان تسلط روم بر یونان گفته می‌شود.

۳- Mausolus

۴- Halicarnassus

در حال فرود بر دماغه کشتی است و حالت فرود بسیار زنده، هیجان‌انگیز و متعادل است و شکل برخوردار نسیم دریا در موقع فرود در چین‌های لباس نشان داده شده است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷- الهه پیروزی، سنگ مرمر، حدود ۱۹۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۲۴۰ سانتی‌متر، موزه لوور



تصویر ۱۶- سردیس مفرغی، از دلوس، حدود ۸۰ پیش از میلاد، موزه ملی آتن



تصویر ۱۵- پیکره ماوسولوس، سنگ مرمر، حدود ۳۵۱ پیش از میلاد، موزه بریتانیا

جدول گاهنگاری یونان			
آثار	زمان (پیش از میلاد)	دوره	
	۲۶۰۰-۱۱۰۰	سیکلاد	هزاره‌ای
	۲۰۰۰-۱۵۰۰	مینوسی	
	۱۶۰۰-۱۱۰۰	میسنی	
	۱۱۰۰-۷۰۰	شیوه هندسی	
	۷۰۰-۴۸۰	خاور مآبی و شیوه باستانی	
	۴۸۰-۴۰۰	کلاسیک	
	۴۰۰-۰	هلنی	

- ۱- تمدن اژه در چه مناطقی شکل گرفت؟
- ۲- هنر اژه‌ای دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۳- چه عواملی در رشد سریع تمدن یونان مؤثر بود؟
- ۴- هنر یونان دارای چه شیوه‌هایی بود؟
- ۵- شیوه هندسی هنر یونان دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۶- چرا به دومین دوره هنر یونان خاورمآبی می‌گویند؟
- ۷- شیوه خاورمآبی یا باستانی دارای چه خصوصیتی است؟
- ۸- ساختمان معابد یونانی دارای چه ساختاری است؟
- ۹- تندیس‌سازی دوره کلاسیک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۱۰- شیوه هلنی از آمیزش چه هنرهایی به وجود آمد؟
- ۱۱- درستی یا نادرستی جملات زیر را مشخص کنید.
الف) هنر کلاسیک هم‌زمان با آغاز تاریخ مستند یونان است.
ب) تماشاخانه‌های یونان به شکل نیم دایره در شیب تپه‌ها ساخته می‌شد.
ج) تندیس الهه پیروزی نمونه‌ای از آثار با ارزش کلاسیک در دوره هلنی است.

اتروسک و روم باستان



هدف‌های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که بتواند :

- ۱- نقش تمدن یونان را در شکل‌گیری تمدن اتروسک بیان کند.
- ۲- ویژگی‌های معماری اتروسک را توصیف کند.
- ۳- تندیس‌های تدفینی اتروسک‌ها را شرح دهد.
- ۴- زمینه‌های پیدایش هنر روم را شرح دهد.
- ۵- ارتباط هنر روم و یونان را بیان کند.
- ۶- انواع بناهای رومی را نام ببرد.
- ۷- ابتکارات رومی‌ها را در معماری ذکر کند.
- ۸- ویژگی اصلی تندیس‌ها و نقوش برجسته رومی را شرح دهد.
- ۹- هنر نقاشی و موزائیک‌سازی رومی را شرح دهد.

۱- اتروسک

اتروسک‌ها از اقوام ساکن در ناحیه مرکزی ایتالیا (توسکانی امروز) بودند که در اواسط هزاره اول پیش از میلاد دولت شهرهایی را تشکیل داده بودند، بنا به گفته هرودت^۲ مورخ یونانی آنها از لیدی واقع در آناتولی به سرزمین ایتالیا مهاجرت کرده بودند. اتروسک‌ها با شهرک‌هایی که یونانی‌ها و فینیقی‌ها^۳ در سواحل جنوبی ایتالیا برپا کرده بودند، داد و ستد داشتند و با برخورداری از هنر و فرهنگ این دو ملت، فرهنگ شکوفایی را در سده‌های ششم و پنجم پیش از میلاد پدید آوردند. در پایان سده ششم پیش از میلاد مردمان ساکن منطقه‌ای که شهر روم مرکز آن بود، بر علیه اتروسک‌ها شوریدند و اعلام استقلال کردند و به تدریج بر قلمرو ایشان مسلط شدند و در سده سوم پیش از میلاد قلمرو اتروسک‌ها به جزئی از قلمرو کشور نوظهور تبدیل و هنر و فرهنگ اتروسک‌ها در فرهنگ روم ادغام شد.

هنر اتروسک: اتروسک‌ها در هنر فقط از سرمشق‌های یونانی استفاده نکرده، بلکه هنر خاص خود را نیز خلق کردند. هنر و معماری آنها ساده و روستایی مآب است، اما برخی از آثار آنها بسیار هنرمندانه ساخته شده‌اند. نقشه معابد آنها به شکل مربع ساده‌ای با ایوانی ستون‌دار و سقفی شیروانی مانند بود که بر روی سکویی نسبتاً بلند ساخته می‌شد و بر لبه بام تندیس‌های از جنس گِل پُخته قرار می‌دادند (تصویر ۱).

از دیگر ویژگی معماری آنها استفاده از تاق‌های گهواره‌ای در ورودی شهرها بود که روش ساخت آن را از یونانی‌ها فراگرفته بودند. این نوع تاق بعداً الگویی برای معماری رومی‌ها شد (تصویر ۲). از ابتکارات دیگر آنها، ایجاد خیابان‌های عمود بر هم بود.



تصویر ۲- دروازه شهر ولتررا^۴، حدود سده سوم پیش از میلاد



تصویر ۱- ماکت یک معبد اتروسکی

۱- Etruscan

۲- Herodotus

۳- Phoenician (لبنان امروزی)

۴- Volterra

در تدفین از هنر تندیس‌سازی استفاده می‌کردند و تابوت‌ها را به شکل نیمکت و از گل پخته می‌ساختند و تندیس متوفی را روی آنها قرار می‌دادند و سپس آنها را رنگ آمیزی می‌کردند. یکی از آنها تندیس دلنشین زن و شوهری است که نگاهی شاد، سر زنده و امیدوارانه از زندگی در دنیای پس از مرگ دارند (تصویر ۳). مقابر آنها به شکل اتاق و دارای تاقچه‌هایی در پیرامون بود، سطوح بین تاقچه‌ها را با نقاشی‌هایی بسیار طبیعت‌گرایانه‌ترین و شور و نشاط زندگی روزمره را در آنها منعکس می‌کردند.

تندیس سفالی رنگ آمیزی شده آپولون از آثار برجسته تندیس‌سازی اتروسک‌ها است که شکوه این خدای قهرمان را به خوبی نشان می‌دهد (تصویر ۴). اتروسک‌ها در ساخت تندیس و اشیای مفرغی نیز توانا بودند که نمونه مشهور آن، تندیس مفرغی ماده گرگی است که به عنوان نماد شهر روم شناخته شده است، هنرمند به خوبی خشم و سرکشی را در چهره این گرگ نشان داده است (تصویر ۵).

تا پیش از سده پنجم پیش از میلاد، تندیس‌سازی اتروسک‌ها نشان‌دهنده شخصیت‌های واقعی نبود اما تحت تأثیر دوره کلاسیک یونان، این ویژگی را به دست آورد.



تصویر ۳- بخشی از یک تابوت از گل پخته، تندیس زن و شوهر متوفی، حدود ۵۲۰ پیش از میلاد، موزه ملی ویلا جولیا، شهر رم



تصویر ۵- ماده گرگ، مفرغ، حدود ۵۸۰-۵۰۰ پیش از میلاد، موزه کاپیتالینو، شهر رم



تصویر ۴- تندیس آپولون، گل پخته، حدود ۵۱۵-۴۹۰ پیش از میلاد، موزه ملی ویلا جولیا، شهر رم

۲- روم باستان

● تاریخ و سرزمین روم

رومی‌ها^۱ از اقوام لاتین بودند که در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد از اروپای شرقی به بخش مرکزی ایتالیا کوچ کرده بودند. آنها در آغاز به صورت دولت شهری تابع اتروسک بودند، اما در حدود سده ششم پیش از میلاد، ابتدا بر اتروسک‌ها و سپس بر بخش‌هایی از اروپا، آسیای صغیر (ترکیه) و شمال آفریقا مسلط شدند و کم‌کم تمام این نواحی به نام امپراطوری روم شناخته شد و حکومت آنها تا سده پنجم میلادی دوام داشت.

رومی‌ها از اتروسک‌ها و یونانی‌ها تمدن شهری را آموختند و هنر معماری، شهرسازی و تندیس‌سازی و نقاشی این دو قوم نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری هنر آنها داشت. رومی‌ها هم در سواحل ایتالیا شهرک‌هایی ساخته بودند و از طریق این شهرک‌ها با فرهنگ و هنر یونان آشنا و به آن ارج نهاده و از آن ستایش می‌کردند.

رومی‌ها نه تنها هنرمندان و آثار هنری یونان را به کشور خود منتقل می‌کردند، بلکه از آثار آنها کپی‌های فراوان تولید می‌کردند. با وجود شباهت ظاهری هنر رومی با هنر یونانی، اما از آن متمایز است. رومی‌ها مردمی واقع‌گرا، خردپیشه، عمل‌گرا و آینده‌نگر بودند و در جذب هنر دیگر ملل نیز تعصب نداشتند. آنها فرهنگ و هنر اتروسک و ملت‌های مختلفی چون ایران، میانرودان، سوریه و مصر را نیز جذب کردند که نمونه آن پذیرش آئین ایرانی ایزد مهر^۲ و ساخت معابد مهری در نقاط مختلف اروپا بود (تصویر ۶).

بدین ترتیب رومی‌ها هنر ملل مختلف را به خوبی با هم هماهنگ کرده و هنر خاص خود را پدید آوردند.



تصویر ۶- بازسازی معبد مهری، محراب، سده اول میلادی، ماینز، آلمان

۱- نام روم یا رُم (Rom) از شهر رم گرفته شده و بنا به افسانه‌ای این شهر توسط رُمُوس ساخته شده است. رُمُوس و رِمُوس دو برادر بودند که توسط ماده گرگی بزرگ شدند.

۲- ایزد مهر: ایزد آئین مهر است که در این آئین بر پیمان و درستی رفتار انسان‌ها تأکید فراوانی دارد.

● هنر روم

● معماری: عالی‌ترین هنر رومیان معماری است که در شکلی با شکوه و عظیم ظاهر شد. معماری آنها براساس راه و رسم زندگی آنها بود. آنها در ساخت معابد، بناهای عمومی، حمام‌های پرتجمل (تصویر ۷)، استادیوم، میدان، بازار، کاخ، طاق نصرت، آمفی تئاتر، خانه‌های شخصی (ویلا)، جاده، پل و آبراه توانا بودند. قدیمی‌ترین بنای آنها معبد فور تونا^۱ در شهر رم است که ستون‌های آن یونانی، سکوی بلند آن اتروسک و فضای داخلی آن وسیع است (تصویر ۸). فضای داخلی این معابد شامل هشتی ورودی، تالار مرکزی و گنج‌خانه است. در این معابد تندیس خدایان نگهداری می‌شد.

نوع دیگری از معابد آنها معبد سبیل^۲ است که طرح مدور آن از کلبه‌های گرد روستایی روم و پلکان و نمای زیبای آن از معماری یونان الهام گرفته است. این بنا کم‌کم سرمشقی برای ساخت معابد گرد شد (تصویر ۹). معبد پانتئون^۳ (معبد همه خدایان) یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین بناهایی است که بنای اصلی آن به صورت مدور و گنبد دار ساخته شده و ورودی آن دارای رواقی ستون‌دار است (تصویر ۱۰).



تصویر ۷- بازسازی یک حمام رومی



تصویر ۱۰- معبد پانتئون شهر رم، ۱۲۵-۱۱۸ میلادی



تصویر ۹- معبد سبیل، تیولی، سده اول پیش از میلاد، شهر رم



تصویر ۸- معبد فور تونا، سده دوم پیش از میلاد، شهر رم

رومی‌ها روش ایجاد دیوار با بتن و نماسازی با آجر، گچ و سنگ‌های نازک را از شرقی‌ها فرا گرفتند و قادر شدند بناهای عظیم خود را با سرعت و ارزانی به انجام برسانند. از دیگر ابتکارهای آنها استفاده از تاق‌های گهواره‌ای یا قوسی در ورودی‌ها، پنجره‌ها و پنجره نماها و پل‌ها و آبراه‌ها بود که آن هم ریشه شرقی داشت (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱- آبراه و پل، ۱۶ تا ۲۰ پیش از میلاد، شهر نیم در جنوب فرانسه

۱- Fortuna

۲- Sibyl

۳- Pantheon.

۴- nimes

یکی از شاهکارهای مهندسی و معماری رومی، ساختمان کولوسئوم^۱ (آمی تئاتر یا تماشاخانه) سرگشاده شهر روم است (تصویر ۱۲). از ابتکارات دیگر معماری، ساخت تالارهای دراز برای افزایش گنجایش جمعیت در معابد است. از دیگر مشخصه‌های معماری رومی ساخت تاق نصرت‌های یک یا سه دهانه بود که معمولاً آنها را برای تجلیل از امپراتوران پیروز در جنگ‌ها می‌ساختند (تصویر ۱۳).

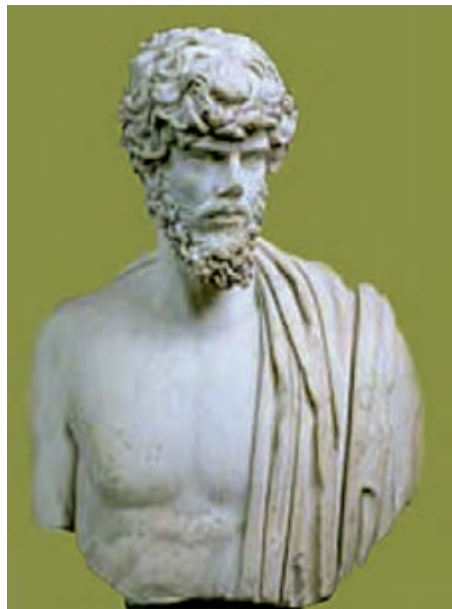


تصویر ۱۳- تاق نصرت کنستانتین، سده ۴ میلادی، شهر رم

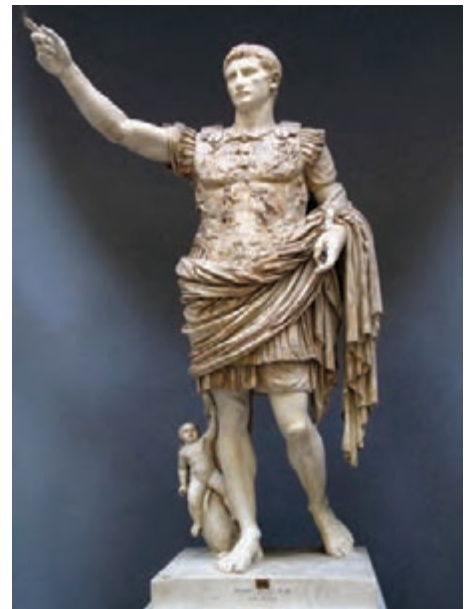


تصویر ۱۲- کولوسئوم (استادیوم - تماشاخانه)، شهر رم، ۸۲-۷۰ پیش از میلاد

● **تندیس‌سازی:** تندیس‌سازان بیشتر در زمینه نقش برجسته و تک چهره فعال بودند و برای ساخت تندیس‌های تمام قد اغلب مدل‌های یونانی را کپی می‌کردند. مهمترین دستاورد آنها



تصویر ۱۵- تندیس مرد جوان، سده دوم میلادی، سنگ مرمر، موزه کپنهاک



تصویر ۱۴- امپراتور اکتاوین، اهل پریماپورتا^۲، حدود ۲۰ پیش از میلاد، مرمر، بلندی حدود ۲۰۰ سانتی‌متر، موزه واتیکان، رم

۱- Colosseum

۲- Prima Porta

واقع‌نمایی در تک‌چهره‌ها بود، از این‌رو آنها کمتر به صورت‌نگری آرمانی یونانی‌ها توجه نشان می‌دادند. در تندیس‌سازی واقع‌گرایانه رومی، بازنمایی بدن نسبت به چهره، اهمیت کمتری داشت و غالباً تابع نمونه‌های ثابت و یکسان بود. البته این شیوه همواره مطلوب همه دولتمردان نبود، به‌طور مثال در زمان یکی از امپراتورهای روم اکتاوین، سبکی ترکیبی شکل گرفت که هدف آن ارائه تمثالی خیال‌انگیز و آرمانی از فرد معین بود (تصویر ۱۴). به عبارتی هر امپراتور سلیقه خود را اعمال می‌کرد، بعضی طالب آرمان‌گرایی (کلاسیک) یونانی و برخی طالب واقع‌گرایی دقیق بودند (تصویر ۱۵).

● **نقوش برجسته**: نقوش برجسته روی سنگ به دو گروه گزارشی (روایتی) و تدفینی تقسیم می‌شوند. یونانی‌ها در ثبت وقایع از اساطیر سود می‌بردند، اما رومی‌ها برخلاف یونانی‌ها علاقه زیادی به مستندسازی و ثبت رویدادهای واقعی داشتند. البته رومی‌ها نیز در بعضی مواقع بی‌میل نبودند که عناصر تمثیلی و واقعی را با هم درآمیزند (تصویر ۱۶). رومی‌ها مانند آشوری‌ها (ن.ک. به: میانرودان)، در نقوش برجسته گزارشی یا روایتی، رویدادهای مختلف را در صحنه‌های دنبال هم قرار می‌دادند. آنها بر روی لوحه‌های سنگی روی قبرها و تابوت‌های بزرگ سنگی مکعب‌شکل، اقدام به حجاری می‌کردند. در این حجاری‌ها، صحنه‌های زندگی روزمره و اساطیری، نوشته، علائم، نشانه‌ها و نقوش گیاهی و جانوری نقر می‌شد.



تصویر ۱۶- نقش برجسته، گفتگوی امپراتور با افسران رومی، سده اول میلادی، سنگ مرمر، ارتفاع ۲۰۶ سانتی‌متر، موزه پروفانو^۱

● **نقاشی**: رومی‌ها در نقاشی نیز مانند تندیس‌سازی به تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی پرداختند. آنها حتی گاه مضمون‌های اساطیری را با برداشتی واقع‌گرایانه به تصویر می‌کشیدند. آنان قواعد پرسپکتیو علمی را نمی‌دانستند ولی بدون به کار بردن آن، مسائلی چون کوچک‌نمایی نقش افراد و اشیاء و جَونمایی در فضا را با مهارت کامل حل می‌کردند. آنها مضامینی چون صحنه‌های اساطیری (داستانی)، زندگی روزمره، طبیعت بی‌جان (تصویر ۱۷)، صحنه‌های بازی، مناظر معماری، باغ‌های پُرگل و گیاه (تصویر ۱۸) و صحنه‌های طنز و درام را به تصویر می‌کشیدند. به‌طور کلی، اگر چه نقاشی رومی در زمره بهترین

تجلیات هنری جهان به‌شمار نمی‌آید، اما به لحاظ حفظ و تکمیل سنت‌های باستانی و انتقال آن به دنیای مسیحیت از اهمیتی خاص در تاریخ هنر غرب برخوردار است. بیشترین آثار نقاشی آن‌ها از شهرهای پُمپی^۱ و هرکولانیوم^۲ در کاوش‌های باستان‌شناسی سده هیجدهم میلادی کشف شده است.

● **موزاییک**: هنر موزاییک نوعی هنر معرّق با سنگ‌های الوان کوچک برای تزئین سطوح معماری است که ریشه آن به خاورمیانه می‌رسد. یونانی‌ها و سپس رومی‌ها از موزاییک برای زیباسازی کف بناها استفاده می‌کردند اما به تدریج انواع مضامین با کارکردی نقاشی گونه در دیگر بخش‌های ساختمان نیز به کار گرفته شد و اعتباری در حد نقاشی کسب کرد (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۸- منظره باغ، نقاشی دیواری (فرسکو^۳) از خانه‌ای در حومه شهر روم، ۵۹۰ در ۳۰۰ سانتی‌متر، ۲۰ پیش از میلاد، موزه ملی شهر رم



تصویر ۱۷- طبیعت بی‌جان، هرکولانیوم، حدود سال ۵۰ میلادی



تصویر ۱۹- نقاشی موزاییک، حدود ۳۰۰ میلادی، پیازا (Piazza)

۱- Pompey

۲- Herculaneum

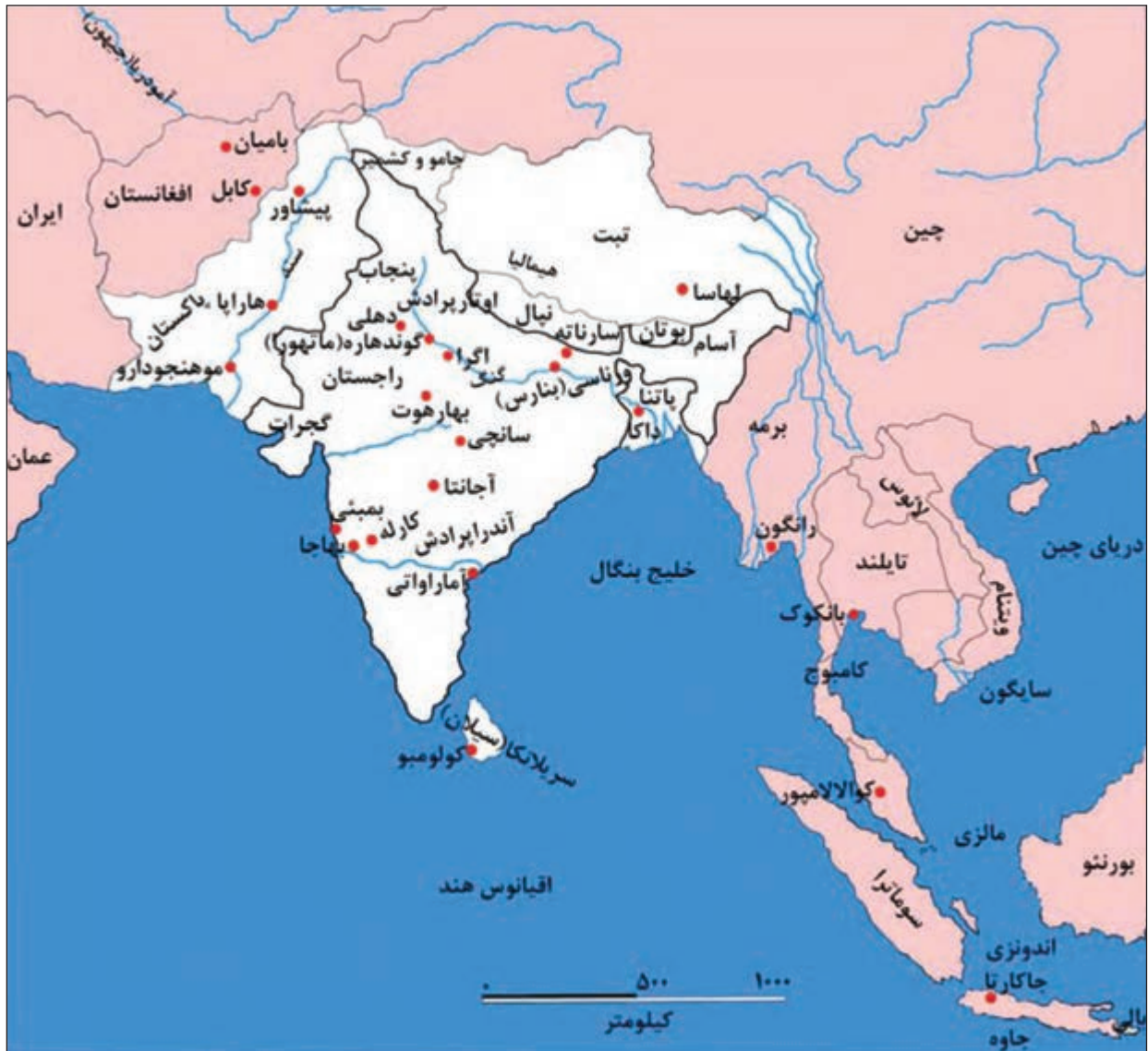
۳- (feresco) شیوه نقاشی بر روی دیوار گچی یا آهکی نمدار یا خشک است.

جدول گاهنگاری روم باستان		
	۲۷ پیش از میلاد تا ۳۵۹ میلادی	دوره امپراتوری
	۲۷ - ۵۱۰ پیش از میلاد	دوره جمهوری
	۳۰۰ - ۷۵۰ پیش از میلاد	اتروسک

ارزشیابی

- ۱- اتروسک‌ها تحت تأثیر چه تمدنی بودند؟
- ۲- معماری اتروسک دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۳- کدام گزینه از ابتکارات اقدام اتروسک در معماری است؟
 الف) طاق گهواره‌ای ب) سقف شیروانی
 ج) سرستون د) نقشه دایره
- ۴- تندیس‌های اتروسک‌ها با چه موادی ساخته می‌شدند و چه خصوصیتی داشتند؟
- ۵- رومی‌ها با هنر یونان چه برخوردی داشتند؟
- ۶- معماری رومی دارای چه ویژگی‌هایی بود؟
- ۷- نقوش برجسته رومی دارای چه موضوع‌هایی بودند؟
- ۸- معبد سبیل دارای چه ساختاری بود؟
- ۹- کدام نوع سازه از ابتکارهای مهم رومی‌ها در زمینه معماری بود؟
- ۱۰- مهمترین ویژگی تندیس‌سازی رومی‌ها چه بود؟
- ۱۱- نقاشی‌های رومی دارای چه خصوصیتی بودند؟
- ۱۲- هنر موزاییک را شرح دهید.

هنر هند



هدف‌های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که

بتواند :

- ۱- خصوصیات هنر هند را شرح دهد.
- ۲- ویژگی‌های پیکرک‌های دره سند را توضیح دهد.

- ۳- معماری استوپا را شرح دهد.
- ۴- معابد دوره شونگا و آندرا را توضیح دهد.
- ۵- تفاوت تندیس‌های بودا در دوره کوشان را توضیح دهد.
- ۶- نقاشی‌های غارهای آجاتتا را شرح دهد.
- ۷- هنر هند را در دوره‌های متأخر توضیح دهد.

۱- سرزمین هند

شبه قاره هند، سرزمینی پهناور و مثلثی شکلی در جنوب قاره آسیا است که اقوام و نژادها با زبان‌ها و مذاهب مختلفی در آن زندگی می‌کنند. شمال آن را کوه‌های یُ برف هیمالیا فراگرفته و جنوب آن که مجاور اقیانوس هند است آب‌وهوایی گرم و مرطوب دارد. هند تنها در قرن بیستم دارای حکومتی یک پارچه شد و تا پیش از این تاریخ، سلسله‌های متعددی که گاه همزمان بودند، در مناطق شمال و جنوب هند حکومت کردند. در حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد مهاجمان هند و اروپایی از سمت شمال غرب وارد این سرزمین شدند و بر ساکنان بومی غلبه کردند. دین اسلام با ورود اعراب و مغولان در هند رواج یافت. هند با وجود تنوع قومی، نژادی و مذهبی از تمدنی یک دست و کهن برخوردار است که مشابه آن کمتر وجود دارد. آنچه بیش از همه سبب اتحاد آنها است، اعتقاد به مذهب برهمنی (هندو) و حفظ سنن آن است. تمدن هند، تمدنی تأثیرگذار بوده و کشورهای شرق دور: چین، ژاپن، کره، اندونزی و... تحت تأثیر آن بوده‌اند.

۲- خصوصیات هنر هند

هنر هند، هنری مذهبی و بر اساس نیازها و دستورالعمل‌های مذهب بودایی و برهمنی است و نمادهای مذهبی را در قالب تندیس، نقاشی و ساخت معابد متجلی می‌کند. هدف هنرمند هندی ساخت یک اثر زیبا نیست، بلکه تجسم حقایق مذهبی و معنوی برای مؤمنان است. اغلب تندیس‌ها، شخصیت‌های مذهبی را در شکلی انسان گونه نشان می‌دهند، تا برای نیایشگر قابل فهم باشند. حجم قابل توجهی از تندیس‌های بودا درحالت‌های مختلف ایستاده و نشسته و تندیس‌های ایزدان مرد و زن و رقص‌های مذهبی، چشمگیرترین جلوه هنر هند است که در طول تاریخ هند، شیوه بیان هنری آنها تقریباً ثابت بوده است.

۳- تمدن دره سند

حدود هزاره سوم پیش از میلاد و همزمان با تمدن‌های میانرودان، ایلام و مصر، جوامع عصر نوسنگی دره سند وارد عصر شهرنشینی شدند. محوطه‌های: موهنجو- دارو و هاراپا^۱ در کنار رود سند، مراحل شکل‌گیری تمدن هند را نشان می‌دهند. کاوش‌های باستان‌شناسی نشان داده که ساکنان دره سند در زمینه شهرسازی با خیابان‌های منظم، ساخت حمام‌های بزرگ، ساخت تندیس‌های سفالی، سنگی و فلزی و مهرسازی توانا بوده‌اند.

کهن‌ترین نقش‌مایه‌های هنر هندی چون گاو کوهاندار، فیل، تمساح، کرگدن و ایزدان انسان ریخت، بر روی مهرهایی از جنس سنگ صابون، دیده می‌شوند (تصویر ۱).

برخی از نقوش این مهرها متأثر از هنر فلات ایران و میانرودان می‌باشد و نشان‌دهنده ارتباط مردم دره سند با این سرزمین‌ها است. بیکرک‌های مکشوفه دره سند دارای شکل‌های نرم و خم‌دار و اندام گرد و برجسته هستند و این شیوه باز نمایی در تندیس‌سازی‌های آینده هند استمرار یافت. یکی از قابل توجه‌ترین آنها نیم تنه مردی است که از موهنجودارو کشف شده است (تصویر ۲).



تصویر ۲- نیم تنه مرد روحانی، سنگ صابون، موهنجودارو، ۲۰۰۰ تا ۱۷۵۰ پیش از میلاد، ارتفاع ۱۷/۵ سانتی‌متر، موزه ملی پاکستان، کراچی

تصویر ۱- اثر مهر روی گچ با نقش گاو میش، حدود ۲۳۵۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد، موهنجو- دارو، پاکستان

۱- موهنجودارو (Mohenjo - daro) و هاراپا (Harappa) در پاکستان امروزی واقع شده است.

۴- هنر هند در دوره بودایی

اقوام آریایی پس از غلبه بر ساکنان دره سند، آنها را به سمت جنوب هند راندند. به تدریج مذهب آریایی‌ها، جایگزین آیین‌های بومی هند شد و با نام کیش برهمنی، حیات خود را آغاز کرد. مذهب و فرهنگ بومیان هندی نیز با فرهنگ این تازه واردان ادغام شد. هسته مرکزی اغلب مذاهب هندی اعتقاد به تناسخ و چرخه حیات بود که روح می‌توانست بنا به اعمال گذشته خود به مدارج بالاتر، صعود یا پست‌تر، نزول کند. با ظهور بودا در سده ششم پیش از میلاد، دگرگونی‌های گسترده‌ای در مذاهب هند رخ داد. بودا برای رستگاری انسان دستورالعمل‌هایی صادر و راه رسیدن به آن را چشم‌پوشی از خواسته‌های نفسانی دانست. آیین بودا به سرعت در سراسر شبه قاره هند گسترش یافت و سبب شکل‌گیری هنر بودایی در قالب پیکره تراشی، نقاشی و معماری معابد شد. هنر هند به تناسب سلسله‌هایی که در این زمان بر هند حکومت کرده‌اند، به دوره‌هایی تقسیم‌بندی می‌شوند.

● دوره مئوریا^۱ (۱۸۵-۳۲۲ پیش از میلاد)

دوره مئوریا یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ هند است که در این دوره هنر هند در زمینه‌های مختلف شکوفا شد. ابتدا از هنر هخامنشی و سپس به دلیل حضور یونانی‌ها در افغانستان (در جوار هند) از هنر یونانی‌ها متأثر شد.

آثار به‌جای مانده از این دوره^۲ نشان می‌دهد که معماری این زمان به‌ویژه ساخت تالارهای ستون‌دار متأثر از بناهای تخت جمشید بوده است. افزون بر آن در این عصر فرامین حکومتی بر ستون‌سنگی، مسی و سنگ لوح‌ها نوشته می‌شد. یکی از این سرستون‌ها، متشکل از سر و سینه چهار شیر غزان است و بر استوانه‌ای مدور و گل نیلوفر آبی وارونه‌ای ایستاده‌اند. ظرافت کنده‌کاری به‌ویژه تزئینات یال شیرها و طرح نیلوفر آن گواه ارتباط میان پیکرتراشان هندی و ایرانی است (تصویر ۳).

آشوکا فرمانروای هنر پرور این دوره دین بودایی را پذیرفت و آن‌را رواج داد و در زمان او هنر بودایی هند شکل گرفت. او در شهرهای مختلف هند پرستش‌گاه‌هایی بنا نهاد که الگوی معماری هند شد. این پرستش‌گاه که استوپا^۳ (یادگار بودا) نام داشت، شامل یک گنبد توپر بر پایه‌ای گرد یا چهارگوش بود. در این پرستش‌گاه‌ها تصاویر ایزدان مختلف همراه با نقاشی گیاهی و جانوری که بر روی سنگ حجاری می‌شدند قرار داشت.



تصویر ۳ - سر ستون، پاتنا (Patna)، هند، ماسه سنگ صیقل خورده، حدود ۲۶۱ تا ۲۳۲ پیش از میلاد

۱- Maurya

۲- Patna

۳- Stup

● دوره‌های شونگا^۱ و آندرا^۲ (۱۸۵ پیش از میلاد تا ۳۲۰ میلادی)

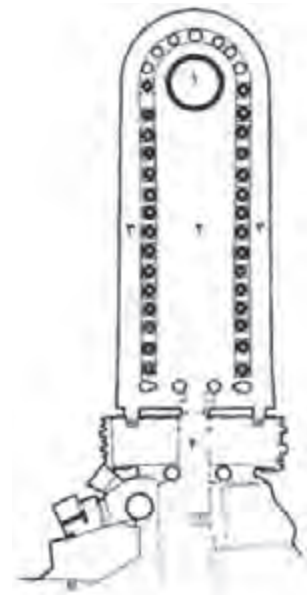
سلسله شونگا در شمال مرکزی هند و سلسله آندرا در مرکز و جنوب هند حکومت می‌کردند. در دوره آنها غار- معبد ساخته می‌شد (تصویر ۴، ۵ و ۶). ورودی غار- معبدها دارای تاق گهواره‌ای و پیرامون آن دارای تاقچه‌های تزئینی، پنجره‌های نورگیر و تعدادی بالکن است. فضای داخلی این غار- معبدها تالار طولی با دو ردیف ستون با سقف گهواره‌ای است و انتهای تالار که به مهرباب (استوپایی کوچک) ختم می‌شود به شکل نیم دایره است. استوپای عظیم سانچی یکی از بزرگترین معابد بودایی هند در دوره شونگا است و از ماسه سنگ زرین محلی ساخته شده است. این استوپا نیم گنبدی است که بر روی صُفّه‌ای مدور بوده و دارای حصار و دروازه است. نمای دروازه‌ها صحنه‌هایی از رخداد‌های زندگی بودا، زنان رقصنده، سواران بر روی اسب و فیل و غیره را که بر سنگ نقش شده‌اند، نشان می‌دهند.



تصویر ۴- تالار معبد چایتیا در بهاجا، سده اول پیش از میلاد



تصویر ۶- دروازه و استوپای بزرگ بودا، دهکده سانچی، سده اول پیش از میلاد تا سده اول میلادی



تصویر ۵- بلان معبد چایتیا در کارله، اوایل سده دوم میلادی :
۱- استوپا، ۲- تالار، ۳- راهرو جانبی، ۴- هشتی

۱- Shunga

۲- Andhra

● دوره کوشان^۱ (۳۲۰-۵۰ میلادی)

هم‌زمان با آغاز مسیحیت، اقوام کوشانی در هند قدرت را به دست گرفتند و عصر درخشان دیگری در هنر شکل گرفت. در این دوره تندیس‌های بودا با استفاده از سنت‌های بومی هند ساخته می‌شدند.^۲ این تندیس‌ها دارای شانه‌های پهن، کمر باریک، چهره لطیف و ردایی نازک بود. (تصویر ۷) از طرفی با نفوذ هنر یونان، سبک دیگری با تلفیق از سنت‌های هلنی یونان و هندی به وجود آمد که بر ویژگی‌های عاطفی و طبیعت‌گرایانه تأکید بیشتری داشت.^۳ (تصویر ۸)



تصویر ۷- تندیس بودای ایستاده، دوره کوشان، سده پنجم میلادی، سنگ ماسه قرمز، ارتفاع ۲۲۱ سانتی‌متر، سبک ماتهورا، موزه هند، کلکته



تصویر ۸- بودای نشسته گاندهارا، سده سوم میلادی، بودای روزه‌گیر، سبک گاندهارا، پاکستان

● دوره گوپتا^۴ (۳۲۰-۶۴۷ میلادی)

با فروپاشی دوره کوشان، عصر درخشان دیگری در هنر با پادشاهی گوپتا از اوایل سده چهارم میلادی، شروع می‌شود که از آن به عنوان دوره کلاسیک هنر هند نام برده می‌شود. در این دوره، نقاشی، مجسمه‌سازی، رقص و موسیقی به اوج کمال رسیدند. مهم‌ترین نمونه‌های هنری این دوره، دیوارنگاره‌های غارهای آجانتا^۵ است (تصویر ۹). موضوع این نقاشی‌ها داستان زندگی بودا و صحنه‌های زندگی روزمره است. در یکی از نقاشی‌های^۶ ارزشمند این غار، اعضای صورت بودا

۱- Kushan

۲- سبک ماتهورا (Mathura) منطقه‌ای نزدیک دهلی

۳- سبک گاندهارا (Gandhara) منطقه‌ای در دره کابل و پشاور پاکستان (همانند قندهار) است.

۴- Gupta

۵- Ajanta

۶- بودیساتوا (Bodhisattva) بودای موعود، وجودی که پس از تولدهای بی‌شمار به بودا تبدیل خواهد شد، اما درنگ می‌کند

که به دیگران برای رسیدن به رستگاری، باری کند.

بسیار ظریف نقاشی شده و نرمی حرکات و برجستگی جسمانی تندیس‌های دوره‌های گذشته را در خود دارد.

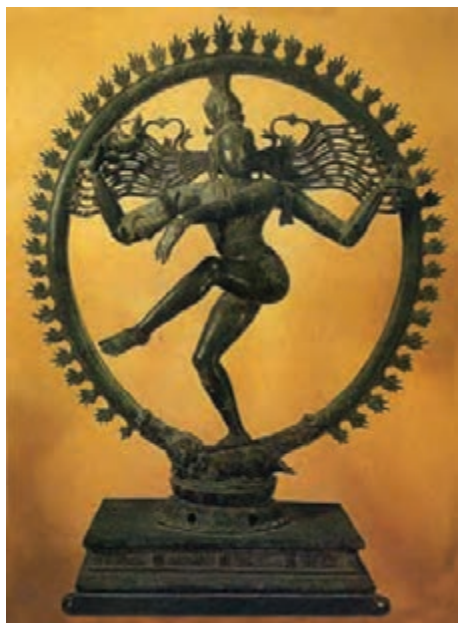


تصویر ۹- دیوارنگاره بودیساتوا، غار شماره یک آجانتا، حدود ۶۰۰ تا ۶۴۲ میلادی

۵- هنر هند در دوره‌های متأخر (دوره هندو)

با سقوط سلسله گوپتا در سده هفتم میلادی، سرزمین هند نه تنها به قلمروی از حکومت‌های محلی تبدیل شد بلکه مذهب هندو که ریشه کهنسالی داشت رونق و رواج تازه‌ای گرفت و دین بودا را در خود مستهلک و جایگزین آن شد. اساس مذهب هندو بر پایه ستایش از خدایان سه گانه، برهما (خدای خالق و آفریننده جهان)، ویشنو (نگهدارنده جهان) و شیوا (نابود کننده و بازسازی کننده جهان) و شماری از خدایان دیگر است. در فاصله سده هفتم تا سیزدهم میلادی هنر هند در خدمت مذهب هندو بود و در طی این دوره، معابد باشکوهی همراه با تمثال‌هایی از مظاهر این خدایان به‌ویژه شیوا ساخته شدند. معابد آیین هندو اغلب دارای گنبدی عظیم و هرمی شکل هستند و نمای آنها دارای تزیینات فراوانی است (تصویر ۱۰).

مهمترین دستاورد هنر هندو در این دوره در قالب تندیس‌های فلزی شیوا و قدیسان مربوط به او نمایان شد. تندیس شیوا در مقام رقصنده کیهانی به‌گونه‌ای تجسم یافت که نابود کردن و بازسازی عالم را همزمان القا کند. شیوا بیشتر به حال رقص در میان حلقه آتش مجسم می‌شد و از شور و پویایی بسیار برخوردار بود (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱- تندیس شیوا، مفرغی، سده ۱۱ و ۱۲ میلادی، ارتفاع ۸۲ سانتی‌متر، موزه زوریخ



تصویر ۱۰- معبد بریهادیس وارا در تانجور جنوب هند، حدود ۱۰۰۰ میلادی

در سده پانزدهم میلادی، هنر این سرزمین در مسیر تازه‌ای قرار گرفت. مجسمه‌سازی و معماری شمال هند از تحول باز ماند و در عوض، هنر نقاشی جانی تازه گرفت.

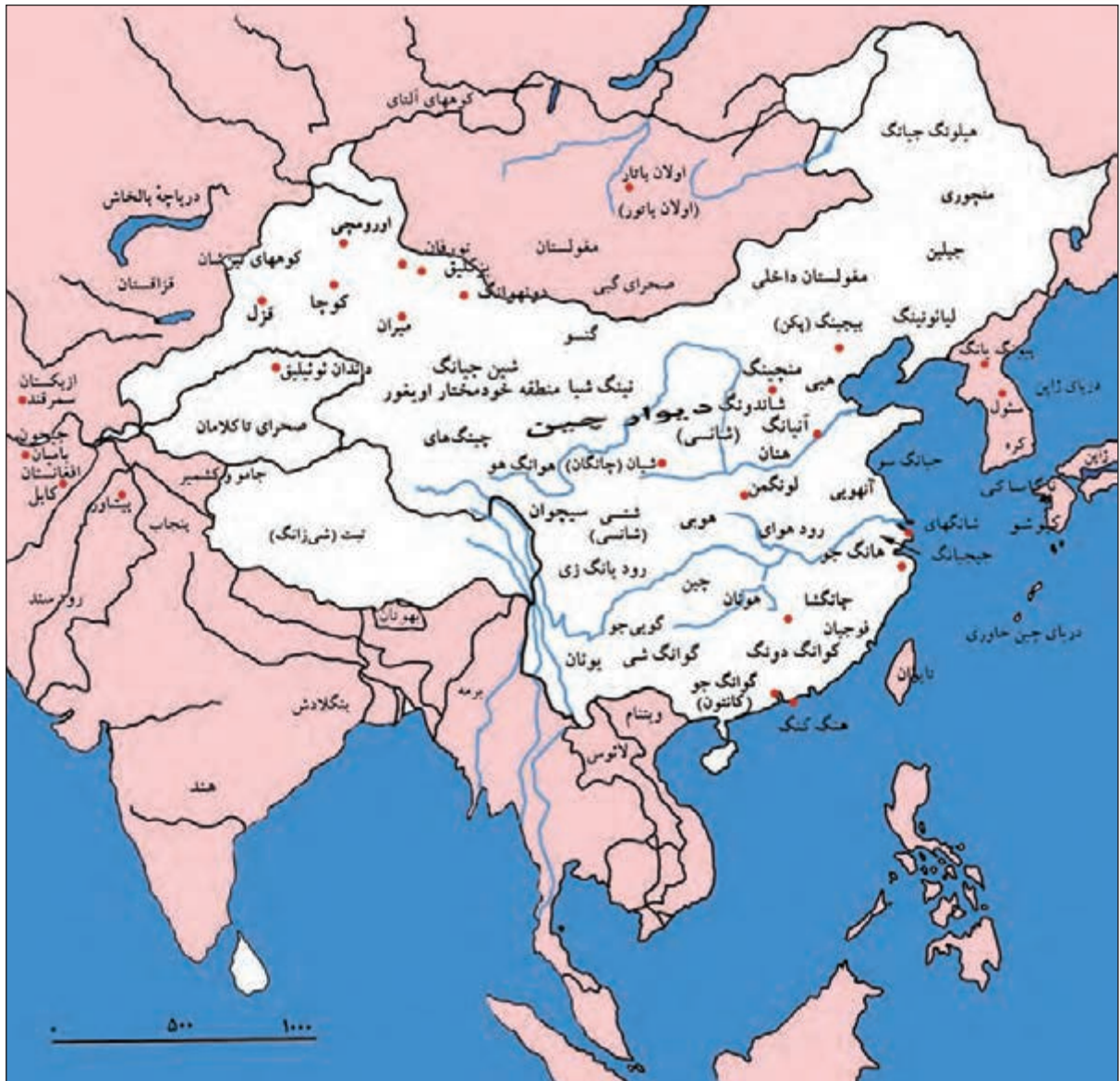
جدول دوره‌های هنر هند

دوره بعد از گوپتا - هنر هندو	دوره کوشان	دوره‌های شونگا (۷۳-۱۸۵) و آندرا (۳۲۰ م - ۳۲۰ پ)	دوره منوریا	دوره ودایی - ورود آریایی‌ها به هند	دوره سند، موهنجودار و هاراپا	پیش از تاریخ دوره نوسنگی
۱۵۲۶ - ۶۴۷ م	۳۲۰ - ۵۰ م	۳۲۰ م - ۱۸۵ پ.م	۱۸۵ - ۳۲۲ م.پ	۹۰۰ - ۱۵۰۰ م.پ	۱۹۰۰ - ۲۵۰۰ م.پ	۲۵۰۰ - ۵۰۰۰ م.پ
						

ارزشیابی

- ۱- تندیس‌های تمدن دره سند دارای چه خصوصیتی است؟
- ۲- تمدن هند در کدام محوطه‌های دره سند شکل گرفته است؟
- ۳- کهن‌ترین نقش مایه‌های دره سند را نام ببرید؟
- ۴- هنر هند دارای چه خصوصیتی است؟
- ۵- هنر بودایی هند در چه دوره‌ای شکل گرفت؟
- ۶- استوپا چه گونه ساختمانی است؟
- ۷- چه هنری سبب تندیس‌سازی برای بودا شد؟
- ۸- در دوره کوشان هند، هنر یونان چه تأثیری بر تندیس‌های بودا گذاشت؟
- ۹- اساس هنر هندو بر چه پایه‌ای استوار است؟
- ۱۰- موضوع نقاشی‌های غار آجاتا چیست؟
- ۱۱- دیوارنگاره‌های غار آجاتا مربوط به کدام دوره است؟
الف) دوره مئوریا
ب) دوره کوشان
ج) دوره گوپتا
د) دوره‌های متأخر
- ۱۲- مهمترین دست آورد هنر هند در دوره‌های متأخر چه بود؟

هنر چین



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند:

- ۱- دوره‌های مهم هنر چین را توضیح دهد.
- ۲- رابطه خوشنویسی و نقاشی را در هنر چین بیان کند.

- ۳- اصول نقاشی را در دوره شش پادشاهی توضیح دهد.
- ۴- خصوصیات معماری چین را توضیح دهد.
- ۵- خصوصیات تندیس‌های مقبره امپراتور چین را توضیح دهد.
- ۶- تأثیر هنر بودایی را در پیکره‌سازی چین شرح دهد.
- ۷- هنر سفالگری و فلزکاری چین را شرح دهد.

۱- تاریخ و سیر هنر چین

چین در میان کشورهای شرق آسیا به دلیل قدمت تمدن، وسعت، تعداد جمعیت و تأثیر تمدنی بر کشورهای پیرامون خود (کره، ژاپن و ...)، دارای اهمیت است. نخستین دهکده‌های عصر نوسنگی در حدود هزاره هفتم پیش از میلاد در کنار رود زرد به وجود آمدند. چینی‌ها در حدود ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد وارد مرحله شهرنشینی شدند و نخستین سلسله خود را به نام شانگ^۱ تأسیس کردند. در میان سلسله‌های متعدد چین، سلسله‌های شانگ، چو^۲، جین^۳، هان^۴، سلسله موسوم به شش پادشاهی، تانگ^۵، سونگ^۶، یوان^۷ (سلسله مغولی چین)، مینگ^۸ و چینگ^۹ در تعالی هنرهای چین سهم مهمتری دارند.

در دوره‌های شانگ و چو ساخت اشیای مفرغی شکوفا شد. در دوره سلسله چین، که نام خود را به این سرزمین داده است، وحدت سیاسی و فرهنگی پدید آمد. در دوره هان، ارتباط چین با جهان غرب (ایران و روم)، گسترش یافت و جاده ابریشم گشوده شد (تصویر ۱).

در دوره تانگ، بافت پارچه‌های ابریشمی و ساخت ظروف چینی به اوج خود رسید و ارتباط مسلمانان با چین شروع و ظروف چینی وارد بازارهای اسلامی شدند. در دوره سونگ نقاشی به اوج خود رسید. در قرن هشتم هجری ایرانی‌ها به واسطه مغول‌ها، با شیوه نقاشی چینی آشنا شدند و نکاتی را آموختند. در دوره مینگ معماری چویی^{۱۰}، به وجود آمد. خوشنویسی و نقاشی همواره هنر درجه اول مردم چین بود، اما چینی‌ها در معماری، ساخت ظروف چینی و مفرغی، پارچه‌های ابریشمی، ساخت اشیایی از سنگ یشم و آثار لاک‌ی هم بسیار توانا بودند. تاریخ، فرهنگ و هنر چین همواره از تداوم برخوردار بوده و حتی در زمان تسلط اقوام بیگانه نیز دچار گسست نشده است.



تصویر ۱- نقاشی خیالی، از مراسم معرفی در کاخ امپراتور در دوره هان، سده ۱۷ میلادی

۱- Shang

۳- Qin (China)

۵- Tang

۷- Yuan

۹- Qing

۲- Zhou

۴- Han

۶- Sung

۸- Ming

۱۰- Peking (Beijing)

۲- هنرهای چین

● خوشنویسی و نقاشی



تصویر ۲- نمونه ای از خوشنویسی دوره تانگ

مردم چین دارای شیوه نوشتار اندیشه نگار هستند که در طول تاریخ ثابت مانده و از این رو برای همه مردم چین و با وجود گویش‌های مختلف قابل فهم بوده است. خط چینی به جای الفبا، دارای هزاران شکل مستقل است و هر شکل، نقش یک واژه را ایفا می‌کند. این شیوه نوشتار، نقش مهمی در تداوم سنت‌های فرهنگی و هنری چین داشته است. چینی‌ها نقاشی و خوشنویسی را هنری فقط در خور توجه بزرگان و دیگر مصنوعات را نوعی صنعت‌گری می‌دانستند. این دو هنر از بسیاری جنبه‌ها با یکدیگر پیوند داشتند. ابزار خوشنویسی (قلم مو، ابریشم یا کاغذ) به چیره دستی زیادی نیاز داشت. خوشنویسی اندیشه نگار چینی، از کیفیت تصویری برخوردار و بیان اندیشه و احساس را ممکن می‌سازد و با نقاشی پیوند دارد (تصویر ۲).

نقاشی سنتی چین، به لحاظ سرزندگی و ریتم خط و ضرباهنگ قلم مو، تأثیر زیادی از خوشنویسی گرفته و در اغلب نقاشی‌های چینی از خط نوشته به شکل امضاء، شعر یا اظهار نظر هنرمند استفاده شده است. چینی‌ها عقیده داشتند که تمامی رنگ‌ها در مرکب، وجود دارد. نقاش چینی با مهارت بسیار، تنوعی از رنگ‌سایه‌ها را در ذهن خود به دست می‌آورد و پیش از نقاشی کردن، ساعت‌ها به تفکر می‌نشست و تصویر مورد نظر را در ذهن خویش کامل می‌کرد و در مرحله اجرا آن را بسیار سریع به انجام می‌رساند. پس از آن، هیچ‌گونه تصحیح یا تغییری در تصویر ممکن نبود. نقاش باید دستی خطا ناپذیر و تسلطی بی‌چون و چرا بر قلم موی خود می‌داشت. منظره نگاری همواره در نقاشی چینی اهمیت داشته است. منظره طبیعی از زمان‌های کهن مورد توجه بوده است. نقاشان چین علاقه‌ای به قواعد پرسپکتیو نداشتند. منظره سازی‌های توماری، از ابتکارات چینی‌ها است. علاقه پیروان برخی آیین‌های چین به طبیعت، شرایط لازم برای پیدایش هنر منظره‌سازی را فراهم نمود. در دوره هان، کاغذ و ابریشم زمینه مناسبی را برای رشد نقاشی فراهم کرد و تصویر کوه و آب به‌عنوان عناصر اصلی در منظره سازی مورد تأکید قرار گرفت. در دوره «شش پادشاهی» اصولی برای نقاشی وضع شد که در آن سرزندگی، یک دستی قلم مو، وضوح اشیاء و مناسبت رنگ با نقش مورد تأکید قرار می‌گرفت. در دوره تانگ و تحت تأثیر نقاشی‌های بوداییان هند، نقاشی دیواری به‌ویژه در غارهای بودایی شمال غربی چین شکوفا و حالات و زندگی بودا بر بدنه غارها نقاشی شد (تصویر ۳).



تصویر ۳- بودیساتوا^۱، نقاشی داخل غارهای دون هوانگ^۲ در شمال غربی چین، دوره تانگ

منظره‌سازی در دوره سونگ، به اوج خود رسید و هنرمندان سونگ فضای

۱- اندیشه نگار: نوعی خط نوشته است که در آن اشکال تصویری طبیعی به اشکال قراردادی تبدیل شده است.

۲- (tonalite) درجات تیرگی و روشنی رنگ را رنگ سایه یا تَن می‌نامند.

تصویری خاصی به وجود آوردند که به عنوان سر مشقی تا سده بیستم ادامه یافت. نقاشان مکتب سونگ از تمام امکانات قلم و مرکب بهره می گرفتند و با حداقل وسایل، جوهره طبیعت را در آثار خود منعکس می کردند. آنها طبیعت را چون جهانی بی انتها، پرشکوه تصویر نموده و برای فضاهای پُر و خالی ارزشی برابر قائل بودند (تصاویر ۴ تا ۶). در نقاشی چینی انواع مضمون های دینی و دنیوی مورد توجه بود. آیین بودایی نیز موضوع های جدیدی را در اختیار هنرمندان قرار داد و سبب رواج نقاشی دیواری گردید. در سال ۱۲۶۰ میلادی، سلسله سونگ توسط مغولان فرو پاشید و مغول ها سلسله یوان را تأسیس کردند. در این دوره نیز نقاشی دارای اهمیت ویژه بود و نقاشان آثار ارزشمندی خلق کردند.



تصویر ۶— دانشور غرقه ماه، اثر مایوان، طومار آویختنی، مرکب و رنگ روی ابریشم، دوره سونگ، موزه هنر موآ، آتامی^۳



تصویر ۵— مسافران در میان کوه و آبراه ها، اثر فان کوان^۲، حدود ۹۹۰—۱۰۳۰ میلادی مرکب بر روی ابریشم، دوره سونگ، کاخ—موزه ملی تای بی



تصویر ۴— منظره در مهتاب اثر مایوان^۱، دوره سونگ، حدود ۱۲۰۰ میلادی، طومار آویختنی، جوهر و رنگ روی ابریشم، ۷/۱۴۹ در ۲/۷۸ سانتی متر، موزه کاخ ملی، تایوان

در دوره مینگ، گرایش به رنگ آمیزی متنوع به ویژه رنگ های سبز و آبی در منظره نگاری ها، ظرافت کاری و تزئین و کپی برداری از سبک های گذشته رخ نمود (تصویر ۷). در دوره چینگ سبک دوره مینگ رو به شکوفایی نهاد و تا سده نوزدهم از نوآوری باز نماند.

۱—Ma – Yuan

۲—fan— Kuan

۳— Moa, Atami



تصویر ۷- بخشی از یک منظره به سبک آبی و سبز، اثر چین ینگ (Qin Ying)، دوره مینگ، گالری هنر فریر در واشنگتن آمریکا

● معماری



تصویر ۸- دیوار چین، بر روی کوههای شمالی چین برای جلوگیری از تهاجم بیگانگان، تاریخ ساخت از حدود ۲۵۰ پیش از میلاد تا سده ۱۵ میلادی



تصویر ۹- پاگودای، کای فنگ، ۱۰۴۹ میلادی، چین

در چین به دلیل شرایط آب و هوایی مرطوب، ساخت بناها با مواد و مصالحی چون سنگ و آجر مورد توجه نبود و چوب مهمترین مصالح معماری به شمار می آمد. اما این بدان معنا نیست که چینی‌ها در ساخت بناهای یادمانی ناتوان بودند، چنانچه دیوار چین که اکنون جزء عجایب هفتگانه است، نمونه‌ای از توانایی چینی‌ها در خلق آثار معماری است (تصویر ۸).

چینی‌ها معابد بودایی، کاخ‌ها و خانه‌ها را به صورت یک تا چند طبقه و اغلب با چوب می ساختند که شکل کلی آنها تقریباً مشابه هستند (تصویر ۹). در این معماری سقف شیروانی مانند ساختمان، با سفال پوشیده می شد و رُخ بام^۱ پیرامون آن به شکل

ایوانی که دارای لبه خمیده به سمت بالا است، ساخته می شد و عملکرد آن کنترل باران و ایجاد سایه بود. در ساختمان‌های چند طبقه، طبقات بر روی ستون‌های چوبی قرار می گرفت و نمای بنا شکل چترهای مطبق به خود می گرفت. غیر از معابد یاد شده، چینی‌ها بناهای رفیعی به نام پاگودا (بنای یادبود بودا) دارند که گاه ارتفاع آنها به ۱۳ طبقه هم می رسند.

در معماری کاخ و خانه‌های اعیانی، باغ سازی، ایجاد آبراهه و ساخت پل‌های زیبا مورد توجه بود و نمونه برجسته معماری چوبی چین، مجموعه کاخ‌های شهر پکن (شهر ممنوعه) است که در دوره مینگ ساخته شده اند (تصویر ۱۰).

۱- رُخ بام به معنی لبه بام یا آبیچکان می باشد.



تصویر ۱۰- نمایی از بناهای شهر ممنوعه در پکن، دوره مینگ

● تندیس سازی

ساخت تندیس‌های جانوری و انسانی از جنس گل پخته، چوب، سنگ و فلز همواره مورد توجه هنرمندان بود. اغلب این تندیس‌ها بیان‌گر شغل آنها در خانه فرد متوفی بود که به همراه او در درون قبور قرار داده می‌شدند (تصویر ۱۱).

تندیس‌های سفالی کشف شده از مقبره امپراتور چین، توانایی چینی‌ها را در ساخت تندیس‌های بزرگ سفالی نشان می‌دهد. در این مقبره تندیس سربازان و اسب‌هایشان که نماینده سپاهیان امپراتور بودند، کشف شد (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۱- تندیس زن خدمتکار از گل پخته، دوره هان، موزه هانیان گلینگ (Hanyan Gling)



تصویر ۱۲- بخشی از سربازان محافظ مقبره امپراتور چین شی هوانگدی (Qin Shi Huangdi) و تندیس سرباز و اسب، سال ۲۱۰ پیش از میلاد، مکشوف در خیابان یان، از جنس گل پخته، اندازه طبیعی

این تندیس‌ها بسیار واقع‌گرا ساخته شده‌اند و در بازنمایی جزئیات و تجهیزات سربازان بسیار دقت شده است. ورود آیین بودا به چین، تندیس‌سازی را تحت تأثیر قرار داد. در دوره تانگ موج تازه‌ای از هنر هندی (عصر گوپتای هند) به چین رسید و سبب نوعی شکل‌سازی کامل و پراحساس در تندیس‌ها شد. در دوره سونگ ساخت تندیس‌های سفالی و چوبی خدایان بودایی

مورد توجه قرار گرفت. فضای متفکرانه عصر سونگ بر روی تندیس‌سازی مؤثر بود و سبب شد پیکره‌ها ظریف‌تر، متفکرت‌تر و آرام‌تر ساخته می‌شوند (تصویر ۱۳).

● سفال‌گری

چینی‌ها در ساخت سفال به‌ویژه سفال‌های لعاب‌دار بسیار توانا بودند. نخستین ظروف سفالی منقوش که دارای نقش‌های هندسی هستند در هزاره پنجم پیش از میلاد (دوره نوسنگی) ظاهر می‌شوند. عالی‌ترین ظروف سفالی چین ظروف موسوم به تانگ، سونگ و مینگ به اوج خود رسید. در میان آنها چینی‌های موسوم به آبی و سفید (تصویر ۱۴) مشهور هستند. این گونه ظروف، از دوره تانگ به این سو به بسیاری از نقاط جهان از جمله به ایران صادر می‌شد و سبب تحرک سفال‌گری دوره اسلامی ایران شد.



تصویر ۱۳- بودای نشست، سفال لعاب‌دار، دوره سونگ، موزه بریتانیا

● فلزکاری

ساخت اشیای فلزی به‌خصوص اشیای مفرغی در چین بسیار پررونق بود. هنرمندان بر روی ظروف منظره، نوشته، اژدها، انواع جانوران و موجودات خیالی را نقش می‌کردند و از آنها در مراسم عروسی و عزا استفاده می‌کردند (تصاویر ۱۵ و ۱۶).



تصویر ۱۴- چینی‌های چند رنگ با نقوش گیاهی، سده ۱۵ و ۱۶ میلادی، موزه بیجینگ، چین



تصویر ۱۵- بخور سوز، با در پوشی به شکل کوه، دوره هان، حدود ۱۱۳ پیش از میلاد، موزه ایالتی هبی (Habi)



تصویر ۱۶- ظروف مراسمی حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد، دوره چو، موزه‌های چین

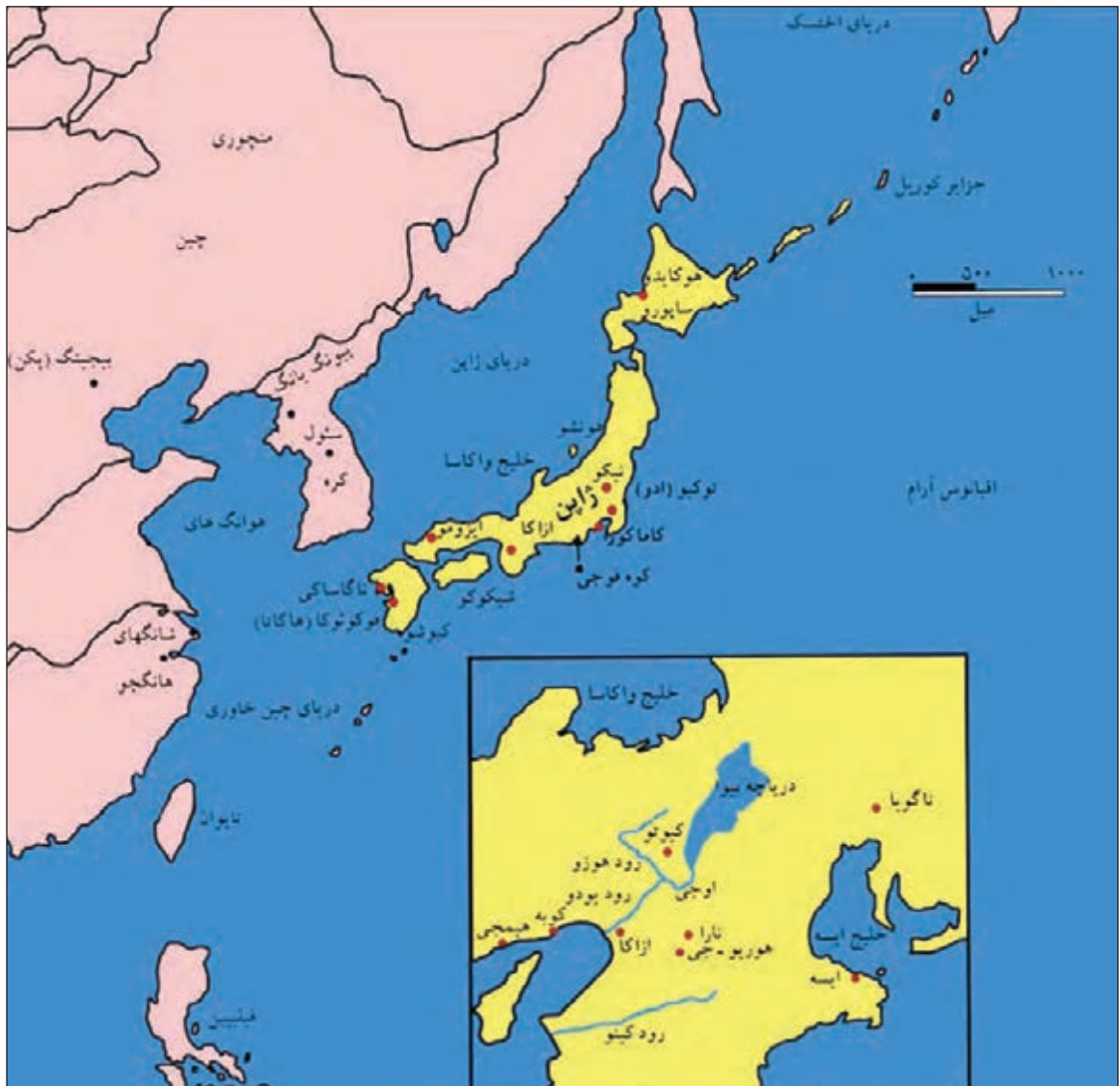
جدول سلسله‌های مهم چین

۱۰۴۵- م.پ ۱۷۶۶	۲۵۶- م.پ ۱۰۴۵	۲۰۶- م.پ ۲۲۱	۲۲۰ م- م.پ ۲۰۶	۶۱۸-۲۲۰ م	۹۰۷-۶۱۸ م	۱۲۷۹- م ۹۰۷	۱۳۶۸- م ۱۲۷۹	۱۶۴۴- م ۱۳۶۸	۱۹۱۲- م ۱۶۴۴
شانگ	چو	چین	هان	شش پادشاهی	تانگ	سونگ	یوان (مغول)	مینگ	چینگ

ارزشیابی

- ۱- چه عاملی سبب وحدت و تداوم هنر چین است؟
- ۲- چه سلسله‌هایی در هنر چین دارای اهمیت هستند؟
- ۳- چه ارتباطی بین خوشنویسی و نقاشی چینی وجود دارد؟
- ۴- در منظره نگاری چین چه عناصری اهمیت دارند؟
- ۵- چگونه نقاش چینی در هنر خود از ذهن و تفکر بهره می‌گیرد؟
- ۶- در دوره شش پادشاهی چه اصولی در نقاشی در نظر گرفته شد؟
- ۷- هنر بودایی چه تأثیری در تندیس‌سازی و نقاشی چین داشت؟
- ۸- توضیحات زیر هر کدام مربوط به کدام مکتب هنری چین است؟
الف) اوج منظره‌سازی، جهان بی‌انتهای و فضاهاى پر و خالی
ب) گرایش به رنگ آمیزی متنوع در منظره‌سازی
- ۹- معماری چین دارای چه خصوصیتاتی است؟
- ۱۰- تندیس سربازان سفالی مقبره امپراتور سلسله چین دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۱۱- هنر سفال‌گری و فلز کاری چین دارای چه خصوصیتاتی است؟

هنر ژاپن



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که

بتواند:

- ۱- ویژگی‌های هنر ژاپن را بیان کند.
- ۲- خصوصیات تندیس‌های ژاپنی را توضیح دهد.

- ۳- ساختار معابد ژاپنی را شرح دهد.
- ۴- ویژگی‌های نقاشی ژاپنی را توضیح دهد.
- ۵- خصوصیات نقاشی ژاپنی را در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی شرح دهد.
- ۶- هنر باسمه‌سازی ژاپن را شرح دهد.

۱- تاریخ و ویژگی هنرهای ژاپن

ژاپن کشوری کوچک، مرکب از چهار جزیره بزرگ و تعدادی جزیره کوچک است که در شرق چین و کره قرار دارد. ساکنان ژاپن از حدود هزاره هفتم پیش از میلاد، وارد دوره نوسنگی (عهد کشاورزی) شدند. از این دوره ظروف سفالی و زیورهای از سنگ بلور به دست آمده است. ژاپنی‌ها در حدود ۴۰۰ سال پیش از میلاد وارد دوره شهرنشینی شدند. با وجود آن که ژاپن در مقابل ورود بیگانه به کشور سخت‌گیر بود، اما تمدن‌های چین، کره و دین بودا در شکل‌گیری و تکامل فرهنگ و هنر ژاپن نقش اساسی داشتند. مواد و شیوه‌های مورد استفاده هنرمندان، حتی مضمون‌ها نیز ریشه چینی داشتند. ژاپنی‌ها در سده‌های ۵ تا ۷ میلادی از طریق جاده ابریشم با مصنوعات هنری آسیای غربی (آسیای مرکزی، شمال هندوستان و ایران) نیز آشنا شدند. برای مثال از نقوش دوره ساسانی در پارچه‌های ژاپنی نیز تقلید می‌شد. هنوز هم در یکی از خزانه‌های سلطنتی تعداد قابل توجهی از اشیای دوره ساسانی نگهداری می‌شود. هنرمندان ژاپنی در کنار باورهای مذهب باستانی خویش، شینتو^۱، از آیین بودا و تائو چینی نیز بهره می‌گرفتند. خصوصیات هنر ژاپن نشان می‌دهد که اغلب این تقلیدها آگاهانه بوده و هنرمندان ژاپن دست آوردهای بیگانه را به خوبی با سنت‌های خود سازگار کرده و عناصری را به آن افزوده‌اند.

ژاپنی‌ها مانند چینی‌ها شیفته طبیعت‌اند، ولی نگاه آنها به طبیعت با احساساتی‌گری آمیخته است. به طور کلی، در هنر ژاپنی حساسیت به بافت، تأکید بر نکات فنی، علاقه به رنگ‌های درخشان، ترکیب‌بندی گیرا و کوشش برای جلوه‌ترتینی، بیشتر دیده می‌شود.

هنر اصلی ژاپنی‌ها نیز مانند چینی‌ها، نقاشی و خوشنویسی است، اما آنها در ساخت سفالینه‌های لعاب‌دار، اشیای چوبی، باسمه‌کاری، بافندگی و ساخت اشیاء و تندیس‌های فلزی و چوبی و تزئینات درون و بیرون بناها نیز توانا هستند.

۱- Shinto آیین باستانی پرستش خورشید در زاین که بعدها با مذهب بودایی و ذن آمیخته شد.

۲- تندیس سازی



تصویر ۱- هانیوا به شکل جنگاور جوشن پوش، گل مجسمه سازی، سده ۳ تا ۶ میلادی، مجموعه نگیشی، سایناما

جزایر ژاپن به دلیل آتشفشانی بودن آنها، سنگ مناسب برای حجاری و کنده کاری ندارند، لذا برای تندیس سازی، از گِل رُس و چوب و فلز استفاده می کردند. نخستین تندیس های سفالی مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد، مربوط به دوران نوسنگی، غالباً طرحی حصیرگونه و درهم بافته دارند. فن مفرغ کاری در سده اول میلادی از چین به ژاپن رسید. بر روی زنگوله های مفرغین مربوط به این دوره خطوط و تصاویر ساده حک شده و یا نقوش کم برجسته دیده می شود. سپس در سده های ۴ تا ۷ میلادی، پیرامون مقبره ها استوانه های گلینی بود که در بالای آنها تندیس های هانیوا^۱ به شکل انسان، جانور و یا پرند قرار می گرفت (تصویر ۱).

تا پیش از ورود آئین بودایی از طریق کره در سال ۵۵۲ میلادی، تندیس سازی در ژاپن به طور جدی مطرح نبود. صنعتگران کره ای همراه با راهبان بودایی به ژاپن رفتند و طرز ساختن تندیس های بودایی را به ژاپنی ها یاد دادند. اولین تندیس های بودا که در سده های ۶ و ۷ میلادی ساخته شدند، برگرفته از هنر یونانی - بودایی سده های ۱ تا ۳ میلادی گندهارا (قندهار) هستند و سبکی واقع گرایانه دارند. برخی از آثار این دوره، در زمره نفیس ترین و اثرگذارترین تندیس های مذهبی جهان به شمار می آیند (تصاویر ۲ و ۳).



تصویر ۳- تندیس بزرگ بودای نشسته، معبد تودای - جی در نارا، مفرغ، ارتفاع حدود ۱۵ متر، ۷۵۲ میلادی



تصویر ۲- تندیس بودا، معبد تودای - جی در نارا، چوب، ارتفاع ۹۸/۷ سانتی متر، سده ۸ میلادی

۱- Haniva

۲- Todai-ji

۳- معماری

با توجه به منشأ آتشفشانی جزایر ژاپن و عدم وجود سنگ‌های مناسب، مردم این سرزمین، بناهای خود را از چوب‌های مناسب و مقاوم در برابر زلزله می‌ساختند. ژاپنی‌ها در معماری هم از الگوهای چینی پیروی می‌کردند، بناهای آنها از یک تا چند طبقه متغیر و اغلب دارای شکل‌های مربع مستطیل با سقف‌های شیب‌دار سفالی هستند و رخ بام‌ها بر ستون‌های چوبی تکیه دارند و شکل ایوان را در نمای ساختمان به خود می‌گیرند و لبه آنها نیز مانند بناهای چینی به سمت بالا خمیده هستند. یکی از معابد مهم ژاپن در شهر اوجی دارای تالار مشهوری به نام ققنوس است (تصاویر ۴ و ۵).

معابد چند طبقه آنها نیز به تقلید معابد چینی ساخته شده‌اند (تصویر ۶).



تصویر ۴- معبد بیودو دارای تالار هو-نو-دو (ققنوس)- این، سده ۱۱ میلادی در شهر اوجی، کیوتو^۱



تصویر ۶- معبد هوریوجی^۲، سده ۸ میلادی، نارا



تصویر ۵- ققنوس مفرغی، سده ۱۱ میلادی، نماد معبد بیودو- این

۱- Kyoto

۲- Horyu.ji

۴ - نقاشی

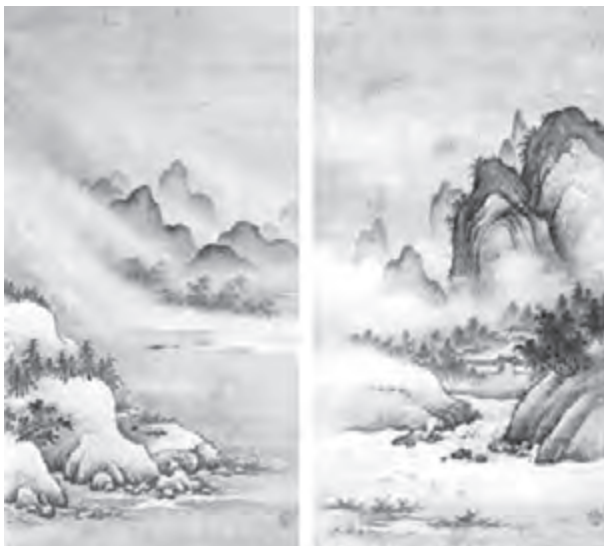


تصویر ۷- بخشی از پرده نگاره شش لته، سده ۱۸ میلادی

هنر نقاشی در ژاپن از زمانی متداول شد که راهبان بودایی و صنعتگران کره‌ای و چینی در آنجا اقامت کردند. نقاشی دیواری و طوماری با مضمون‌های بودایی که ریشه در هنر هند داشت، رواج یافت.

قطع رابطه ژاپن با چین در اواخر سده نهم میلادی، زمینه‌ای برای رشد نقاشی بومی فراهم ساخت. در سده ۱۲ میلادی، نوعی نقاشی طوماری با سبک خالص ژاپنی به نام یاماتو-ئه^۱ شکل گرفت که به لحاظ شیوه و موضوع با نقاشی‌های مشابه چینی تفاوت دارد. اگر چینی‌ها نقاشی طوماری را عمدتاً برای منظره نگاری به کار می‌بردند، ژاپنی‌ها آن را به خدمت رویدادهای زندگی گرفتند. قلم‌گیری‌های سریع و نازک، رنگ‌های تخت و غالباً درخشان و تجسم فضا از زاویه دید بالا از ویژگی‌های این سبک است (تصویر ۷).

برتری یافتن آئین ذن^۲ بر آیین‌های شینتو و بودایی در قرن چهاردهم میلادی بر نقاشی ژاپنی اثر گذار بود و راهبان ذن نمونه‌های منظره نگاری آب‌مرکبی دوره سونگ را از چین به ژاپن آوردند و منظره نگاری چینی مورد توجه قرار گرفت (تصویر ۸).



تصویر ۸- منظره اثر کانو - موتو نوپوآدر سده شانزدهم میلادی، مجموعه توکای - ان^۴، کیوتو

۱- Yamato - e

۲- آیین ذن، التقاتی از آیین بودا و آیین تائو است که از اصول آن هماهنگی با طبیعت همراه با تفکر است.

۳- Kano - Motonobu

۴- Tokai - an

در سده‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی نقاشان ژاپن به پیروی از نقاشان چینی بر خط‌های شکل‌ساز تأکید می‌کردند، ولی از مضمون‌ها و نقش‌های بومی سرزمین خود نیز بهره می‌گرفتند و منظره‌ها، گل‌ها و پرندگان سرزمین خود را نقاشی می‌کردند (تصاویر ۹ و ۱۰).



تصویر ۱۰ - گل و پرنده، نقاشی آبرنگ روی کاغذ، سده ۱۹ میلادی



تصویر ۹ - گل داودی در کوهستان، اثر نوگوچی یوکویو، ۱۸۸۶ میلادی

از اواخر سده هفدهم میلادی، هنر باسمة‌سازی^۱ در ژاپن رونق گرفت این هنر معرف زنده‌ترین هنر بومی و مردمی است، زیرا برخلاف هنر اشرافی، بر اساس موضوعات زندگی روزمره مردم شکل گرفت. باسمة‌های رنگی تأثیری عمیق بر هنر اروپایی اواخر سده ۱۹ میلادی گذاشتند. هکوسای^۲ و اوتامارو^۳ با باسمة‌ها و طراحی‌هایشان از چشم‌اندازهای ژاپنی، به عنوان استادان بزرگ تاریخ هنر شناخته شده‌اند (تصاویر ۱۱ و ۱۲). ژاپن در این سده دروازه‌های خود را بر روی جهان غرب باز کرد و آماده پذیرش فرهنگ غرب شد و به تدریج از شیوه‌های سنتی دور شد و مکاتب



تصویر ۱۱ - هنر باسمة، کوه فوجی یاما، اثر هکوسای

۱- باسمة نوعی چاپ دستی ساده است که ابتدا تصویر روی چوب و یا ماده دیگری کنده می‌شود، سپس مانند مهر به جوهر آغشته شده و به روی سطح دیگری منتقل می‌شود.

۲- Hokusai

۳- Utamaro

نقاشی غرب مورد توجه قرار گرفت. بعد از جنگ جهانی دوم، برخی از نقاشان با بهره‌گیری از سنت‌های گذشته و تلفیق آن با شیوه‌های هنر غرب به نتایج تازه دست یافتند. از نیمه دوم سده بیستم نقاشان و تصویرگران ژاپنی با نوآوری‌های فنی و سادگی صوری و ظرافت بیان و حفظ هویت فرهنگی، جایگاه مهمی را در هنرهای بصری جهان به دست آورده‌اند (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳- پوستر برای مدرسه هنرهای نمایشی آسیایی، سال ۱۹۸۱



تصویر ۱۲- نیم تنه بانوی زیبا، اثر اوتامارو، باسمه رنگی، سده نوزدهم، موزه هنر کلیولند

دوره‌های هنر ژاپن

دوره پیش از تاریخ	دوره باستان						دوره فئودالی			دوره نوین		دوره مدرن
	یاهیمی	کوفون	آسوکا	نارا	هی‌آن	کاماکورا	موروماچی	آزوچی - مومویاما	ادو	میجی		
۱۴۰۰۰-۵۰۰۰ م.پ	۲۰۰ م.پ - ۲۰۰ م.	۲۰۰-۲ م	۵۵۲-۶۴۵ م	۷۱۰-۷۹۴ م	۷۹۴-۱۱۸۵ م	۱۱۸۵-۱۳۳۳ م	۱۳۳۳-۱۵۷۳ م	۱۵۷۳-۱۶۰۳ م	۱۶۰۳-۱۸۶۸ م	۱۸۶۸-۱۹۱۲ م		

- ۱- ژاپنی‌ها چگونه به طبیعت نگاه می‌کردند؟
- ۲- پیرامون مقبره‌ها، استوانه‌های گلینی بود که در بالای آنها تندیس‌های
به شکل انسان، جانور و یا پرنده قرار می‌گرفت.
- ۳- اولین تندیس‌های بودا دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۴- معابد ژاپنی دارای چگونه ساختاری بود؟
- ۵- سبک یاماتو - نه دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۶- هنر باسمه‌سازی معرف چه ویژگی‌هایی است؟
- ۷- دو هنرمند معروف از هنر باسمه‌سازی را نام ببرید.
- ۸- عبارت‌های مرتبط را با یک خط به یکدیگر متصل کنید :

قنوس	هانپوا
هنر چاپ پارچه	باسمه‌سازی
تندیس بر پایه استوانه‌ای گلی	هنرمند باسمه‌ساز
هکوسای	تالار معبد

هنر قاره آمریکا، از آغاز تا سده ۱۶ میلادی



قلمرو تمدن های آمریکای
مرکزی و جنوبی

هدف های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می رود که بتواند :

- ۱- اقوام بومی قاره آمریکا را نام ببرد.
- ۲- خصوصیات هنر اقوام بومی آمریکا را شرح دهد.

ساکنان بومی قاره آمریکا (آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی) مردمانی سرخ پوست بودند که از گذشته‌های دور از شرق قاره آسیا به این قاره مهاجرت کردند. آنها کم کم در مناطق مختلف آن قاره مستقر شدند و فرهنگ و تمدن ویژه‌ای را در آمریکای مرکزی (مکزیک، جزایر کارائیب، پرو و ...) به وجود آوردند. اقوام بدوی آمریکا همانند جوامع آسیا مراحل تکامل تمدن را از دوره پارینه سنگی تا دوره شهرنشینی سپری کردند. اما در سده پانزدهم میلادی با هجوم سپاهیان اسپانیایی که سلاح گرم داشتند، جریان طبیعی رشد فرهنگ و تمدن آنها از حرکت بازماند. سپس فرهنگ اروپایی بر بومیان تحمیل و سبب نابودی فرهنگ‌های اقوام بومی قاره آمریکا شد. در طول یک صد سال اخیر، به دلیل مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی آثار ارزشمندی از سفالگری، تندیس‌سازی و معماری و دیگر هنرهای آنها آشکار شد و روز به روز بر اهمیت هنر آنها افزوده می‌شود.

اینک به شکل خلاصه چند تمدن مهم پیشاکلمبی آمریکا که از حدود ۱۲۰۰ پیش از میلاد تا سده ۱۶ میلادی در این قاره به شکوفایی رسیده و از آنها بناهای شهری، معابد هرمی شکل، پیکره‌ها و حجاری‌های وابسته به معابد باقی مانده است، معرفی می‌شوند:

۱- اولمک^۱



تصویر ۱- چهره انسان، اولمک

اولمک‌ها در جنوب شرق مکزیک زندگی می‌کردند و نخستین اقوامی بودند که در حدود ۱۲۰۰ پیش از میلاد وارد تمدن شهری شدند. آنها از پایه‌گذاران تمدن‌های آمریکای مرکزی محسوب می‌شوند. اولمک‌ها در ساخت بناهای مذهبی و پیکره‌های بزرگ یادمانی به ویژه سردیس‌ها توانا بودند (تصویر ۱). از آثار مکشوف چنین استنباط می‌شود که اولمک‌ها در دانش نجوم بسیار پیشرفته و تقویم‌های دقیقی داشته‌اند.

۲- مایا^۲



تصویر ۲- ظرف سفالی به شکل ماهی، اولمک، مکزیک

مایاها در شرق آمریکای مرکزی می‌زیستند و در حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد وارد مرحله شهرنشینی شدند و کم کم به اوج زندگی شهرنشینی خود رسیدند. آنها در ساخت بناهای شگفت‌انگیز، یادمان‌های سنگی، سفالگری، فلزکاری و نساجی توانا بودند. آنان در همه جا بر دیواره بناها نقش برجسته‌های نمادین می‌ساختند. خصوصیات بارز این نقش برجسته‌ها انبوهی و فشردگی صورت‌های شبه انسان و حیوان و شکل مکعب گونه آنها است. معمولاً پیکره‌ها با لباس مذهبی یا آئینی در میان علائم یا حروف رمزی نمایش داده می‌شوند (تصویر ۲). در حدود ۹۰۰ میلادی بسیاری از شهرهای مایا متروک شد و

۱- Olmeca

۲- Maya



تصویر ۳- سرخدای مرگ، بخشی از سنگ محراب، کوبان، هندوراس، حدود سال‌های ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلادی، ۳۷ در ۱۰۴ سانتی‌متر، موزه مردم‌شناسی، لندن

آنها به همراه قوم تولتک پایتخت خود را به یوکاتان^۱ (شرق مکزیک) انتقال دادند و در این محل سنت‌های هنری آنها درهم آمیخت و در حدود سده ۱۱ میلادی، معبد بزرگ هرمی شکلی را در چیچن ایتسا برپا کردند که امروزه جزء یکی از عجایب هفتگانه جهان است (تصویر ۳ و ۴).



تصویر ۴- معبد چیچن ایتسا (Chichen-Itza)، یوکاتان، سده ۱۱ میلادی

۳- تئوتیواکان^۲

همزمان با تمدن مایا، در شمال شهر مکزیکو، تمدن دیگری به نام تئوتیواکان شکل گرفت. هنر این قوم بیشتر جنبه مذهبی داشت. سازندگان معابد مردمی کشاورز بودند که سبک هنری مشخصی در نخستین سده‌های عصر مسیحیت آفریدند. اینان خدایانی که مظاهر طبیعت ماه و خورشید و ... بودند، را می‌پرستیدند و پیکره‌های زیادی با چهره انسانی می‌ساختند (تصویر ۵ و ۶).



تصویر ۵- ظرف سفالی به شکل مرد تک چشم، پرو، حدود سال‌های ۲۵۰ تا ۵۵۰ میلادی، ارتفاع ۲۹ سانتی‌متر، موزه هنر شیکاگو

۱- Yucatan

۲- Teotihuacan



تصویر ۶- بخشی از شهر بزرگ تئوتیواکان

۴- تولتک^۱

در پایان سده هشتم میلادی تمدن تئوتیواکان نابود شد و جای خود را در دره مکزیک به قوم مهاجم قبایل تولتک داد. هنر تولتک هندسی و خشک است (تصویر ۷).

۵- آزتک^۲

آزتکها، آخرین قومی بودند که پیش از تسلط یافتن اسپانیا، مکزیک را مقر فرمانروایی خویش قرار دادند. طبیعت سخت (طوفانها و زلزلهها) آزتکها را به قومی سرسخت و جنگجو تبدیل کرده بود. این سرسختی طبیعت در سیمای خدایان آنها که طالب قربانیهای خونین بودند انعکاس یافت. از این رو انجام قربانی در مکانهای مذهبی، از ویژگیهای قوم آزتک است. روحیه خشن آنها در تندیسهای عظیم و رعب آور انعکاس یافته است (تصویر ۸).

۶- اینکا^۳

اینکاها از اقوام آمریکای جنوبی بودند که در سدههای ۱۵ و ۱۶ میلادی حکومت قدرتمندی در پرو و اکوادور به وجود آوردند که توسط اسپانیاییها به نابودی کشیده شد. آنها به لحاظ مهارت در



تصویر ۷- تندیس ایستاده، تولتک، مکزیکوسیتی

۱- Toltec

۲- Aztec

۳- Inca

مهندسی ساختمان و شیوه معماری خشک (بدون ملات) شهرت دارند. معماری شکوهمند اینکا در مراکز عمده‌ای چون کوزکو^۱ و ماچوپیککو^۲ مشهور است. معابد هرمی شکل و مرتفع آنها از پاره‌ای جهات به اهرام مصر و زیگورات‌های بین‌النهرین شباهت دارند. در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی، آشنایی هنرمندان معاصر با هنر و تمدن گذشته اینکاها سبب گردید که هنر این قوم مورد توجه قرار گیرد (تصویر ۹).



تصویر ۹- شهر ماچوپیککو، تمدن اینکارو، حدود ۱۵۰۰ میلادی



تصویر ۸- هنر آزتک، تندیس سنگی تالوک، خدای باران آزتک، سده‌های ۱۴-۱۵ میلادی، ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر، موزه مردم‌شناسی، برلین.

اولمک	مایا	توتیو آکان	اینکا
۱۲۰۰-۴۰۰ پیش از میلاد	۱۰۰ پ.م تا ۹۰۰ م	۷۵۰-۵۰ میلادی	۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی
			

ارزشیابی

- ۱- خصوصیات هنر قوم مایا چیست؟
- ۲- ویژگی‌های هنر قوم تولتک را بیان کنید.
- ۳- تندیس سازی قوم آزتک دارای چه خصوصیتی است؟
- ۴- معماری اینکاها به چه دلیل شهرت دارد؟ توضیح دهید.

۱- Cuzco

۲- Machu picchu

هنر اسلامی



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که

بتواند:

- ۱- ویژگی‌های هنر اسلامی را شرح دهد.
- ۲- الگوی اولیه معماری اسلامی را شرح دهد.
- ۳- بناهای دوران اسلامی را نام ببرد.
- ۴- اهمیت و کاربرد خوشنویسی در دوره اسلامی را بیان کند.
- ۵- علل مصورسازی کتب را بیان کند.
- ۶- ویژگی‌های نگارگری ایرانی در دوره اسلامی را شرح دهد.

- ۷- علل شکوفایی سفالگری دوره اسلامی را توضیح دهد.
- ۸- تزیینات فلزکاری را شرح دهد.
- ۹- شیشه‌گری دوره اسلامی را بیان کند.
- ۱۰- پارچه‌بافی دوره اسلامی را توضیح دهد.
- ۱۱- مراکز هنر قالی بافی جهان اسلام را نام ببرد.

شکل‌گیری هنر اسلامی

با هجرت رسول اکرم (ص) در سال اول هجری برابر با سال ۶۲۲ میلادی به شهر مدینه و تأسیس حکومت اسلامی در آن شهر، اساس هنر و تمدن اسلامی شکل گرفت. آنچه بیش از همه در شکل‌گیری هنر اسلامی نقش داشت، قرآن بود. انتشار قرآن به زبان عربی و رواج آن در تمام سرزمین‌هایی که دیانت اسلام را پذیرفتند، سبب پیوند و اتحاد بین ملل مختلف ساکن در این سرزمین‌ها شد و قرآن عامل خلق آثار هنری گردید (تصویر ۱).



تصویر ۱- یک صفحه قرآن به خط کوفی تحریری، ایران، سده سوم هجری (۹ میلادی)، موزه ملی ایران

دیانت اسلام در مقایسه با سایر ادیان جهان (مانند مسیحیت و بودایی) تأثیری بسیار قاطع بر کلیه فعالیت‌های ملت‌هایی که اسلام را پذیرفته بودند، داشت. اسلام از میان اعرابی بدوی برخاسته بود که شیوه زندگی ساده‌ای داشتند و هنرهای بصری آنها در مقایسه با دیگر ملل هم عصر آنها ابتدایی بود. اعراب پس از پذیرش اسلام با سرعت غیرقابل باوری بر تمامی خاورمیانه^۱ و شمال آفریقا و بخشی از اسپانیا حاکم شدند. در آناتولی با مقاومت امپراتوری بیزانس (روم شرقی) روبرو شدند، اما سرانجام ترکان عثمانی با فتح قسطنطنیه به حکومت بیزانس نیز خاتمه دادند.

مسلمانان در اندک زمانی پس از گذشت یک قرن هنر و تمدنی را سبب شدند که جهان هرگز مشابه آن‌را به خود ندیده بود. ملت‌های تازه مسلمان در تجارب هنری، خود را با اهداف جامعه جدید هماهنگ کردند. دوره آمیختگی و تلفیق شیوه‌های هنری و هنر اسلامی در تمامی زمینه‌ها با زبان واحدی درخشش خود را آغاز کرد.

در میان سرزمین‌های اسلامی، برخی ملت‌ها به دلیل داشتن سنت‌های هنری کهن، سهم بیشتری در تعالی و شکوه هنر اسلامی به عهده داشتند. ایرانی‌ها نقش اول را در شکوفایی هنر اسلامی به عهده گرفتند و انواع هنرهای ایرانی در مصر، ترکیه و خاورمیانه، هند و آسیای مرکزی مورد اقتباس قرار گرفت. هنر شمال آفریقا (مراکش) و مصر نیز بر هنر اسلامی تأثیر چشمگیری داشت.

۱- ایران، عراق، سوریه، آسیای مرکزی

• ویژگی‌های هنر اسلامی



هنر اسلامی پدیده‌ای است که از بطن اسلام متولد شده و تنها با درک دیانت اسلام قابل شناخت است. هنر اسلامی هنری مذهبی و در خدمت نیازهای جامعه و چشم‌گیرترین جلوه آن هماهنگی اجزای سازنده آن در جزء و کل است. هنر اسلامی با تمام قلمرو وسیع خود پیوسته با روح اسلام سازگاری داشته و بیش از همه در معماری مکان‌های مقدس جلوه‌گر شده است (تصاویر ۲-۳).

در نظام فکری مسلمانان، همه دست ساخته‌ها و مشاغل، شکلی از هنر هستند و به‌ساخته‌ای خاص و یا به‌کار مشخصی هنر گفته نمی‌شود. در نگاه اسلام زیبایی تجلی حقیقت کلی و جهانی است و هر دست ساخته‌ای به‌میزانی که صفتی از صفات الهی را آشکار سازد، از کمال و زیبایی برخوردار می‌شود. از دیگر ویژگی‌های هنر اسلامی توجه به نیازهای انسان و بهره‌گیری از مصالح بومی است. تقارن، همچنین استفاده گسترده از نقوش هندسی و

گیاهی در تزیینات، پرهیز از طبیعت پردازی و واقع‌گرایی دیده می‌شود (تصویر ۴). تصویر ۲- خانه خدا (کعبه)، قبله‌گاه مسلمین جهان، مکه معظمه



تصویر ۴- مسجد امام، دوره صفوی، اصفهان

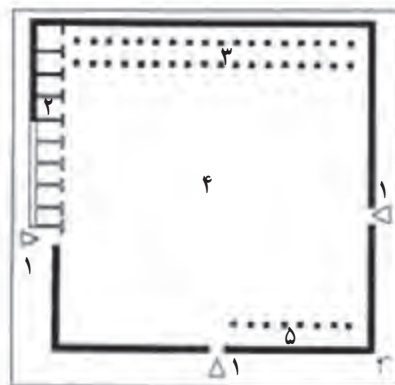


تصویر ۳- قبة الصخره، سال ۷۱ هجری، تزیینات سده ۱۱ هجری، (۱۷ میلادی) فلسطین

هنر اسلامی تنها به معماری و نقاشی محدود نمی‌شود بلکه هنرهای دیگر مانند خوشنویسی، کتاب‌آرایی، نگارگری، سفالگری، فلزکاری، پارچه‌بافی، شیشه‌گری، قالی‌بافی، درودگری (نجاری) و ... را نیز در بر می‌گیرد.

۱- معماری اسلامی

بناهای اسلامی در سرزمین‌های مختلف با توجه به شرایط آب و هوایی - گرمسیر یا سردسیر - دارای تفاوت‌های ساختاری و ظاهری هستند اما از نظر کارکرد، مشابه‌اند. معماری مساجد در شهرهای اسلامی نقش اول را دارند و نماد این شهرها تلقی می‌شوند. الگوی اولیه مساجد اسلامی، مسجد النبی در شهر مدینه است که توسط رسول اکرم (ص) بنا شد. این مسجد دارای طرحی مستطیل شکل شامل حیاط بزرگ و یک سقف سرپوشیده (شبستان) در جهت قبله و تعدادی اتاق در پیرامون حیاط بود. این طرح که به مساجد شبستانی (یا مساجد اولیه اسلامی) شهرت دارد، در تمام سرزمین‌های اسلامی مورد اقتباس قرار گرفت (تصویر ۵). در سده‌های اول تا چهارم هجری در اغلب شهرهای جهان اسلام مساجد اغلب به طرح شبستانی ساخته می‌شدند ولی از سده پنجم هجری به بعد به تدریج اشکال متنوع تری از مساجد در سرزمین‌های اسلامی ساخته شدند که ساختار آنها بیشتر تابع شرایط اقلیمی و سنت‌های محلی بودند (تصاویر ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰).



تصویر ۵- نقشه مسجد حضرت رسول در مدینه، اول هجری
 ۱- ورودی‌ها، ۲- اتاق‌های بخش مسکونی، ۳- فضای سرپوشیده رو به قبله، ۴- حیاط یا میانسر، ۵- صفا جهت اقامت یاران و مستمندان



تصویر ۷- تاج محل، آرامگاه ممتاز محل همسر شاه جهان، آگرا، هند، اواسط سده ۱۱ هجری (سده ۱۸ میلادی)



تصویر ۶- کاخ الحرام، گرانا، اسپانیا، سده ۸ هجری (۱۴ میلادی)



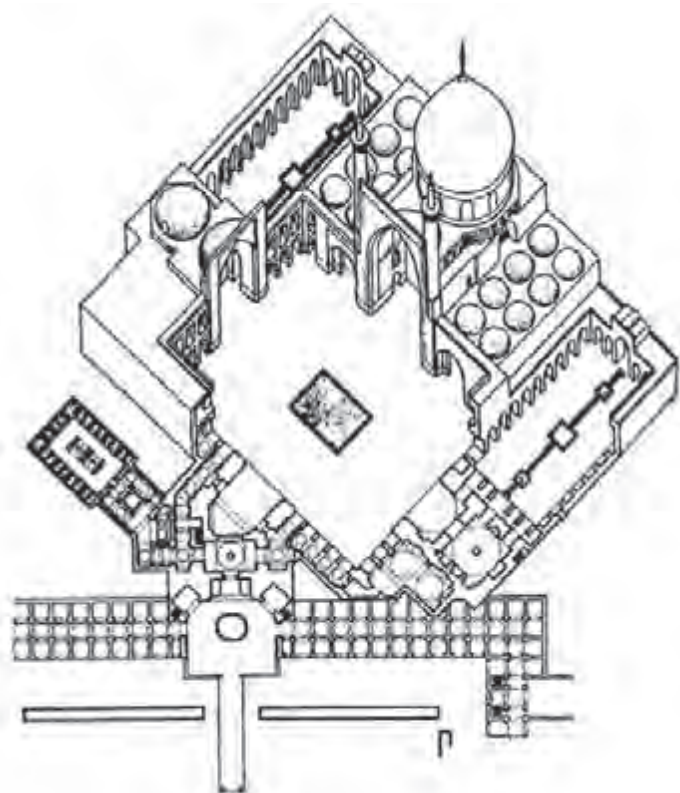
تصویر ۱۰- ماکت، سبک معماری مساجد عثمانی



تصویر ۹- مسجد ابن طولون در قاهره ساخته شده در ۲۵۹ هجری



تصویر ۸- منار مسجد سامرا، سده سوم هجری، عراق



تصویر ۱۱- نمایش سه بعدی مسجد چهار ایوانی (مسجد امام اصفهان)

در ایران به دلیل سنت‌های معماری پیش از اسلام و شرایط اقلیمی، شبستان‌ها گنبددار شدند و چهار ایوان بزرگ نیز در چهار سمت حیاط ایجاد شد. اینگونه مساجد به مساجد چهار ایوانی شهرت دارند. زیبایی مساجد اغلب در تزیینات آن جلوه گر شده است. خوشنویسی، کاشیکاری، آجرکاری و گجبری با نقش مایه‌های گیاهی و هندسی از مهمترین آرایه‌های مساجد هستند. دومین گروه از بناهای اسلامی مقابر هستند که برای بزرگان دین، علم و سیاست ساخته شده‌اند که اغلب گنبددار و از نظر تزیینات بسیار غنی هستند. طرح مدارس همانند مساجد هستند، اما اغلب آنها فاقد گنبد و شبستان هستند. سایر بناها تابع شرایط اقلیمی، سنت‌های قومی و محلی هستند (تصویر ۱۱).

۲- خوشنویسی

خوشنویسی ممتازترین و شریف‌ترین هنر اسلامی است. قرآن کریم نقش اول را در تعالی این هنر به عهده داشت، زیرا قرآن باید با خطی نوشته می‌شد که شایسته آن باشد، کاتبان وحی با سعی و تلاش خوشنویسی را به هنر درجه اول تبدیل کردند (تصویر ۱۲).

یکی از ویژگی هنرهای اسلامی استفاده از خط در همه دست ساخته‌ها است. هنرمندان عبارات مذهبی و غیر مذهبی را با زیبایی هرچه تمامتر روی آثار مختلف می‌نوشتند. یکی از جذابیت‌های خوشنویسی مسلمانان تنوع خطوط آنها است. خط‌های کوفی، نسخ، ثلث و نستعلیق بیشترین رواج را داشت و خوشنویسان ایرانی در طراحی و تنوع خطوط سهم بیشتری داشتند (تصاویر ۱۳ تا ۱۴).



تصویر ۱۴- یک قطعه خط نستعلیق، خط مالک دیلمی، دوره صفوی



تصویر ۱۳- یک صفحه قرآن به خط ثلث، خط احمد بن سهروردی، اوایل سده هشتم هجری (دوره ایلخانی)، موزه ملی ایران



تصویر ۱۲- یک صفحه قرآن به خط کوفی مغربی (مراکشی)، روی پوست، سوره بقره، آیه ۷۴، خط علی بن وزّاق سده پنجم هجری، موزه قیروان، تونس

۳- کتاب آرایی

تأکید قرآن بر خواندن و نوشتن سبب توجه مردم به کتاب و کتاب آرایی شد. در نزد مسلمانان، کتاب تنها وسیله انتقال اندیشه نبود، بلکه نشر کتاب سبب شکل‌گیری هنر جلد سازی، کاغذسازی، تذهیب، خوشنویسی، نگارگری و آرایش صفحات شد (تصویر ۱۵). بسیاری از کتاب‌ها دارای سرلوح، جدول، نقش‌های رنگین و زرین، و تزیینات گوناگون بودند. جلدسازان نیز برای کتاب‌ها جلد‌های نفیسی چون ضربی (تصویر ۱۶)، سوخت و روغنی (لاکی) می‌ساختند. در سده نهم هجری

(پانزدهم میلادی) جلدهای ایرانی به اروپا رسید و جلد سازی اروپا را تحت تأثیر قرار داد و جلد‌هایی با نقش‌های ایرانی ساخته شد.



تصویر ۱۶- جلد ضربی. ایران، جلد کتاب مهر و مشتری، سده نهم هجری. موزه توپ‌کاپی، استانبول

تصویر ۱۵- صفحه آرای کتاب، یزد، سده نهم هجری

۴- نگارگری (نقاشی)



تصویر ۱۷- صورت فلکی قنطورس، کتاب عجایب المخلوقات قزوینی، مکتب بغداد، سده هشتم هجری

در اواخر سده دوم هجری نهضت ترجمه با مرکزیت بغداد شکل گرفت و کتاب‌های زیادی از پهلوی ساسانی، یونانی، مصری و هندی به عربی ترجمه شد. در میان آنها کتاب‌های مصور علمی چون گیاه‌شناسی، جانورشناسی، ستاره‌شناسی که مصور بودند نیز وجود داشت. این کتاب‌های مصور عامل توجه مسلمانان به تصویرسازی کتاب شد متأسفانه تا سده ششم هجری غیر از قرآن به ندرت کتابی باقی مانده است. اما کتاب‌های باقی مانده از اوایل سده هفتم هجری به بعد نشانگر توجه به مصورسازی کتاب‌های علمی در پایتخت‌های جهان اسلام (قاهره، بغداد، دمشق، تبریز، شیراز، هرات و ...) است (تصویر ۱۷).

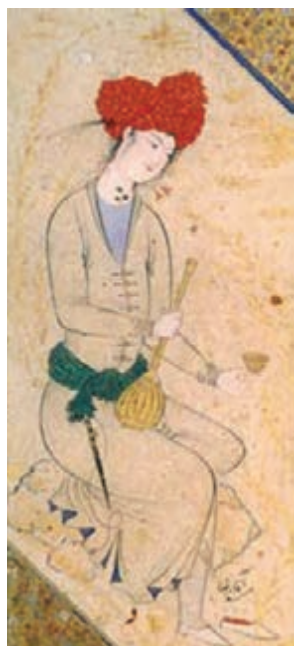
از اواخر دوره سلجوقی به بعد، تصویرسازی کتاب (نگارگری) در ایران مورد اقبال بیشتری قرار گرفت. ادبیات ایران به دلیل جذابیت‌های داستانی، نقش مهمی در رواج نگارگری داشت و کم‌کم مصورسازی کتاب‌های ادبی مورد توجه قرار گرفت. کتاب‌های شاهنامه فردوسی، پنج‌گنج نظامی، بوستان و گلستان سعدی، کلیله و دمنه و بعضی از کتاب‌های تاریخی، علمی و مذهبی به زمینه

هنرنمایی نگارگران تبدیل شد و در پی این علاقمندی مکاتب نگارگری سلجوقی، ایلخانی (مکتب اول تبریز و شیراز)، تیموری (هرات، شیراز)، صفوی (مکتب دوم تبریز، قزوین، اصفهان) و زند و قاجار به وجود آمد. نگاره‌های عهد سلجوقی کوچک اندازه و تزئینی بودند و در وسط صفحه‌ها نقش می‌شدند (تصویر ۱۸).

در دوره‌های پس از سلجوقی کم‌کم در نگارگری ایرانی مضامین اجتماعی و زندگی روزمره مردم وارد شد. نمایش جزئیات، تقارن عناصر، هماهنگی خط و نقاشی و استفاده علمی از رنگ مانند به‌کارگیری رنگ آبی برای آسمان، قرمز و نارنجی برای زمینه رواج یافت. همچنین تنوع در طراحی پیکرها به طبیعت‌گرایی در طراحی حیوانات، درختان، گل و بوته‌ها اوج گرفت. در دوره صفوی نیز شاهد رواج تک چهره‌سازی توسط هنرمندانی همچون رضا عباسی هستیم (تصویر ۱۹ تا ۲۱).



تصویر ۱۸- منظومه ورقه و گلشاه، مکتب سلجوقی، اوایل سده هفتم هجری، موزه توپ‌کاپی، استانبول



تصویر ۲۱- مکتب اصفهان، یک قطعه نقاشی، جوان نشسته، اثر آقارضا



تصویر ۲۰- بازی گوی و چوگان، مکتب تبریز، کتاب گوی و چوگان، منسوب به مظفر علی، اوایل سده دهم هجری



تصویر ۱۹- فرار یوسف از نزد زلیخا، مکتب هرات، بوستان سعدی، اثر بهزاد، سده ۹ هجری

برخی از هنرمندان دوره صفوی در دربار عثمانی (ترکیه) و مغولی هند حضور یافتند. در این زمان مصور سازی کتاب به تقلید از کتاب‌های مصور ایرانی مورد توجه قرار گرفت و آثار با ارزشی در زمینه‌های مختلف مصور شد. هنرمندان ایرانی در شکل‌گیری مکتب نگارگری عثمانی و مغولی هند، نقش مهمی داشتند (تصاویر ۲۲ و ۲۳).



تصویر ۲۳- مکتب عثمانی، اثر محمد امیر شاه، کلاس درس در مدرسه غضنفر آقا در استانبول، سده یازدهم هجری



تصویر ۲۲- مکتب مغولی هند، دختری با شاخه گل، از یک مرقع، اندازه ۱۴/۴ در ۹/۷ سانتی متر، سده یازدهم، مجموعه خلیلی، لندن

۵- سفالگری

با شروع دوره اسلامی، هنر سفالگری، به ویژه ساخت سفالینه‌های لعاب دار رونق گرفت. شهرهای مصر، سوریه، عراق و ایران به مراکز تولید ظروف سفالی تبدیل شدند. تحریم استفاده از ظروف طلا و نقره و ورود ظروف چینی ساخت کشور چین به سرزمین‌های اسلامی نیز سبب تحرک این هنر شد. سفال‌سازان برای بهبود کار خویش بسیار تلاش کردند و ظروفی را با لعاب‌ها و نقش‌های بس‌زیبا خلق کنند که تا امروز هم‌تا ندارد. سفالینه‌های لعابی، مینایی و زرین فام شهرهای نیشابور، کاشان، ری و ... بی‌رقیب بود (تصاویر ۲۴ تا ۲۶).



تصویر ۲۶- بشقاب سده دهم هجری، آزنیک، ترکیه



تصویر ۲۵- بشقاب سفالی، خط نوشته کوفی ایران، نیشابور، سده ۳ یا ۴ هجری



تصویر ۲۴- بشقاب با نقش پرند، سوریه یا مصر، سده هفتم هجری، موزه ارمیتاژ

۶- فلز کاری

تولید اشیای فلزی در اغلب شهرهای جهان اسلام رواج داشت. دست آفریده‌های فلزی شهرهای ایران، مصر، سوریه و ترکیه از شهرت زیادی برخوردار هستند. هنرمندان مسلمان توجه خاصی به تنوع شکل و تزئین اشیاء داشتند. در میان اشیای فلزی، ساخت ظروف و لوازم خانگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. به دلیل تحریم استفاده از طلا و نقره، آثار فلزی اغلب با مفرغ، برنج و مس ساخته می‌شدند. زیبایی اشیای فلزی تنها در تنوع شکل آنها نیست بلکه تزئینات آنها چشمگیر است. فلزکاران انواع نقش‌های هندسی، گیاهی، برج‌های دوازده‌گانه، صحنه‌های رزم، بزم و شکار را به روش قلمزنی ایجاد می‌کردند. علاوه بر این گاهی با نوشته، سیاه قلمکاری، میناکاری، ترصیع و زراندود زیبایی آنها را صد چندان می‌کردند (تصاویر ۲۷ و ۲۸).



تصویر ۲۷- بخور سوز مفرغی، ایران. سده پنجم هجری، موزه ارمیتاژ



تصویر ۲۸- قلمدان برنجی، ساخت موصل، سده هفتم هجری. موزه ارمیتاژ

۷- شیشه‌گری

شیشه‌گری نیز از فنون و هنرهای دوره اسلامی است که به‌ویژه در دوره سلجوقی با الگوبرداری از شیشه‌گری دوره ساسانی و مراکز شیشه‌گری در سوریه و سایر کشورهای حوزه مدیترانه شرقی شکوفا بوده است. ظروف شیشه‌ای در اشکال و با تزیینات گوناگون و رنگ‌های متنوع ساخته می‌شد و مراکزی چون گرگان، نیشابور، ری و بندر سیراف در استان هرمزگان در ایران و برخی شهرها در کشورهای میانرودان (عراق امروزی)، سوریه و مصر از مراکز مهم و عمده شیشه‌گری کشورهای اسلامی بودند (تصاویر ۲۹ و ۳۰).



تصویر ۳۰- قندیل (چراغ سقفی)، سده ۸ هجری، دوره مملوک، موزه هنر متروپولیتن نیویورک



تصویر ۲۹- تنگ شیشه‌ای، ایران، نیشابور، سده ۶ هجری

۸- پارچه بافی

پارچه بافی پیشرفته‌ترین هنر و صنعت مسلمانان بود. زیبایی پارچه‌های مسلمانان در رنگ‌های متنوع، درخشان و نقش‌های دلنشین آنها بود. طرح‌ها و نقوش پارچه‌های اسلامی همواره مورد تقلید اروپای قرون وسطی بود. پارچه‌ها با انواع نقش مایه‌های هندسی، گیاهی، جانوری و حتی صحنه‌های مجالس کتاب‌های ادبی و خط نوشته آراسته می‌شدند. شهرهایی در مصر، ایران، آسیای مرکزی (تصویر ۳۱) و ترکیه سرآمد این فن بودند. پارچه‌های زربفت، مخمل و قلمکارهای عهد صفوی در جهان هم‌تا ندارند (تصویر ۳۲).



تصویر ۳۲- پارچه مخمل و زربفت، سده ۱۱، دوره صفوی، موزه توپکاپی



تصویر ۳۱- پارچه، ابریشم - کتان، آسیای مرکزی (ازبکستان)، سده ۱۹ هجری

۹- قالی بافی

در برخی از سرزمین‌های اسلامی مانند ایران، افغانستان، ترکمنستان و ترکیه قالی‌بافی هنر پر ارجی محسوب می‌شود. اما قالی‌های ایرانی از جایگاه ویژه‌ای در جهان برخوردار است. زیبایی قالی‌های دوره اسلامی در نقش‌های متنوع و رنگ‌های زیبا و موزون آنها است. بعضی از قالی‌های عهد صفوی جزء شاهکارهای هنری جهان محسوب می‌شوند. یکی از معروف‌ترین آنها قالی اردبیل کار مقصود کاشانی از سده دهم هجری است (تصویر ۳۳).



تصویر ۳۳- ترنج قالی اردبیل، بافنده: مقصود کاشانی

مطالعه آزاد

جدول سلسله‌های دوره اسلامی ایران

قاجار	زند و افشار	صفوی	تیموری	ایلخانی	سلجوقی	آل زیار	آل بویه	سامانی	حکام بنی امیه و بنی عباس در ایران
۱۳۴۵- ۱۲۱۰	۱۲۰۹- ۱۱۴۸	۱۱۳۵- ۹۰۶	۹۰۳- ۷۷۱	۷۳۶- ۶۵۴	۵۹۰- ۴۲۹	۴۶۲- ۳۱۵	۴۴۰- ۳۲۰	۳۸۹- ۲۶۱	۴۰-۲۶۱ هجری قمری

جدول سلسله‌های اسلامی مصر

دوره جمهوری	سلسله محمد علی پاشا	عثمانی	مملوک	ایوبی	خلفای فاطمی	ابن طولون	حکام بنی امیه و بنی عباس
۱۹۵۳-۲۰۱۳ میلادی	۱۲۱۲-۱۳۷۲ هجری (۱۹۵۳- ۱۷۹۸ میلادی)	۹۲۲-۱۲۱۲ هجری قمری	۶۴۸-۹۲۲ هجری قمری	۵۶۴-۶۴۸ هجری قمری	۲۹۷-۵۶۷ هجری قمری	۲۵۴-۲۹۲	۴۰-۲۵۴ هجری قمری

جدول سلسله‌های اسلامی اندلس (اسپانیا)

بنی نصر یا بنی احمر	موحدون	مرابطون	ملوک الطوائف	امویان اندلس
۶۳۵-۸۹۸ هجری قمری	۵۴۱-۶۴۶ هجری قمری	۴۷۹-۵۲۴ هجری قمری	۴۲۲-۴۹۷ هجری قمری	۱۳۸-۴۲۲ هجری قمری

جدول سلسله‌های مهم حاکم بر آسیای صغیر (ترکیه)

جمهوری	عثمانی	سلاجقه رم
۱۹۲۳-۲۰۱۳ میلادی	۷۰۰-۱۳۴۲ هجری قمری	۴۷۰-۷۰۰ هجری قمری

ارزشیابی

- ۱- عامل پیوند دهنده جهان اسلام چه بود؟
- ۲- هنر اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۳- مسجد النبی دارای چه ساختاری بود؟
- ۴- ساخت چه بناهایی مورد توجه مسلمانان بود؟ چند نمونه مشهور را نام ببرید.
- ۵- اهمیت خوشنویسی در دوره اسلامی چه بود و چه کاربردی داشت؟
- ۶- چه عاملی سبب مصورسازی کتاب شد؟
- ۷- آغاز نگارگری در دوره اسلامی چگونه بود و در دوره‌های بعدی چه ویژگی‌هایی پیدا کرد؟
- ۸- چه عاملی باعث تحرک سفال‌گری شد؟
- ۹- اشیای فلزی دوره اسلامی دارای چه تزییناتی بودند؟ و بیشتر جنس فلزات آنها چه بود؟
- ۱۰- چه شهرهایی مراکز عمده تولید اشیای شیشه‌ای در دوره اسلامی بودند؟
- ۱۱- جاهای خالی در جدول زیر را متناسب با عنوان آن پر کنید.

هنر پارچه بافی	ویژگی : پیشرفته‌ترین هنر مسلمانان و مورد تقلید اروپا	مناطق مهم :	طرح و نقش :	رنگ‌ها : متنوع و درخشان	اثر شاخص : مخمل، زربفت و قلمکار
هنر معماری	ویژگی :	در ایران : چهار ایوانی	تزیینات :	ویژگی مقابر :	الگوی اولیه : مسجد النبی
هنر سفالگری	ویژگی :	علت تحرک :	کشورها :	انواع :	شهرهای بی‌رقیب :
هنر خوشنویسی	جایگاه :	کاربرد : همه دست ساخته‌ها	انواع :	بیشترین سهم : ایرانیان	اثر شاخص : قرآن کریم
هنر نگارگری	آغاز :	کاربرد :	گسترش : عثمانی و مغولی هند	مضامین :	رضا عباسی :

- ۱۲- چه عواملی در زیبایی هنر قالی بافی نقش دارند؟

صدر مسیحیت و بیزانس



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند:

- ۱- سنت‌های هنری شکل دهنده هنر مسیحی را نام ببرد.
- ۲- هنر صدر مسیحیت را شرح دهد.
- ۳- مقبره‌های صدر مسیحیت را شرح دهد.
- ۴- شکل نخستین ساختمان کلیسا (بازیلیکا) را شرح دهد.
- ۵- ویژگی هنر بیزانس را شرح دهد.
- ۶- دوره‌های مختلف هنر بیزانس را نام ببرد.
- ۷- خصوصیات کلیساهای نخستین عصر طلایی را توضیح دهد.
- ۸- ویژگی شمایل‌نگاری عصر دوم طلایی هنر بیزانس را با ذکر مثال شرح دهد.
- ۹- ویژگی نقاشی عصر سوم طلایی را توضیح دهد.

هنر مسیحی

ظهور دیانت مسیح و رواج تدریجی آن در بخش‌هایی از خاورمیانه و اروپا سبب شکل‌گیری سبک‌های هنری مختلفی شد. هنر مسیحی، هنری مذهبی و مرکز‌نقل آن کلیسا است و نمود این هنر بیش از هر چیز در کلیساها به ویژه در اروپا تجلی یافته است. با رواج این آیین در سرزمین‌های یونانی و رومی، به تدریج یونانی‌ها و رومی‌ها نقش رهبری دیانت مسیح را به عهده گرفتند و هنری را پایه‌گذاری کردند که در آن سنت‌های هنری یونانی، رومی و عناصری از میراث‌های شرقی (ایران، سوریه، آناتولی و میانرودان) با هم ادغام شد و در شکل معماری کلیساها و هنرهای وابسته آن به ویژه شمایل‌نگاری^۱ تجلی یافت.

۱- هنر صدر مسیحیت

هنر صدر مسیحیت به دوره شکل‌گیری هنر مسیحی در فاصله سده‌های سوم تا ششم میلادی در مناطقی که جز قلمرو امپراتوری روم بودند، گفته می‌شود. بعد از گذشت دویست سال از تاریخ ظهور دیانت مسیح، پیروان آن در روم و سرزمین‌های تابع آن (فلسطین، سوریه، آناتولی، مصر، یونان و...) پرشمار شده بودند. رومی‌ها از همان آغاز با این دین تازه مخالف بودند و مخالفت آنها تا زمان امپراتوری کنستانتین^۲ که دیانت مسیح را پذیرفت، ادامه داشت.

از سده سوم میلادی به بعد مقبره‌هایی به شکل اتاق‌هایی که توسط مسیحیان در داخل زمین کنده شده، به دست آمده است. در داخل اتاق‌ها، تاقچه‌هایی برای قرار دادن تابوت‌های سنگی ایجاد می‌کردند و فضای دیگری را نیز به نمازخانه اختصاص می‌دادند. این مقبره‌ها به مقابر دخمه‌ای یا کاتاکومب^۳ شهرت دارند. نخستین آثار تصویری مسیحی که بیانگر اعتقادات آنها بود، در همین مقبره‌ها و نمازخانه‌ها یافت شده‌اند. این نقاشی‌ها از لحاظ طرح و اجرا نسبت به نقاشی‌های رومی ضعیف‌تر هستند (تصویر ۱). در این نقاشی‌ها صحنه‌هایی از زندگی حضرت مسیح (ع) همچون مادرش حضرت مریم، مسیح کودک و... و نقش‌های نمادین (مسیحی) چون چوپان نیکوکار، طاوس (نشانه جاودانگی)، کبوتر (نماد روح) و لنگر (نشانه امید)، نشان داده می‌شود.

در سال ۳۲۳ میلادی کنستانتین (قسطنطین) امپراتور روم که مسیحی شده بود، پایتخت خود را از شهر روم به شهر یونانی بیزانس (شهر استانبول کنونی) انتقال داد. از این تاریخ به بعد این شهر به نام کنستانتینوپل^۴ (قسطنطنیه) معروف شد و باعث اعتبار ایالات شرقی گردید و شهر بیزانس به عنوان مرکز و مظهر ایمان کشور روم به ایفای نقش پرداخت. کنستانتین همه منابع خود را در جهت رونق دیانت مسیح به کار گرفت و در مدت کوتاهی تعداد قابل توجهی کلیسا را در شهرهای مختلف بر پا کرد. او نوعی ساختمان که در معماری رومی باسیلیکا (به معنی تالار دراز) نام داشت را برای کلیسا مناسب

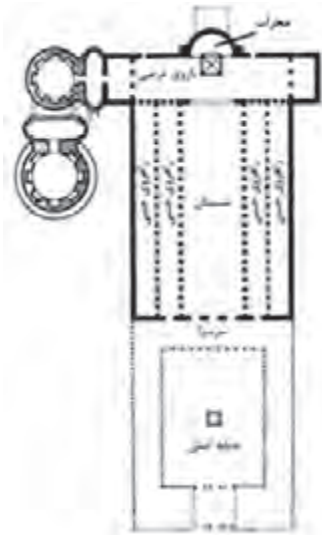
۱- شمایل‌نگاری نوعی نقاشی از شخصیت‌های مذهبی است.

۲- Constantine

۳- Catacomb

۴- Constantinople

یافت. وی با اندک تغییری در نقشه آن نخستین نمونه کلیسا را به نام سان پی‌یترو^۱ در شهر روم بنا کرد. به این ترتیب معماری کلیسا شکل گرفت و این ساختمان به عنوان الگوی کلیساهای بعدی در اروپای غربی پذیرفته شد (تصویر ۲).



تصویر ۲ - نقشه کلیسای سان پی‌یترو در شهر روم



تصویر ۱ - نقاشی دیواری دو روحانی، مقبره دخمه‌ای، سده ۵ میلادی، ناپل، ایتالیا

۲- هنر بیزانس (هنر مسیحی روم شرقی)

هنر بیزانس هنری مذهبی، رمزگرا و رسمی است، که ریشه در شرق دارد. شکل‌گیری هنر بیزانس با اقدامات ژوستینیان^۲ در سده ششم میلادی همراه است. اگرچه مقدمات آن از زمان کنستانتین شروع شده بود، اما پس از مرگ او به دلیل اختلاف بر سر رهبری جهان مسیحیت، امپراتوری روم به دو شاخه روم شرقی (بیزانس) و روم غربی تقسیم شد. در سده ششم میلادی روم غربی در اثر هجوم اقوام اروپای شمالی از هم پاشید، اما بیزانس از این حملات در امان ماند و در زمان ژوستینیان به اوج قدرت رسید. وی نه تنها در روم شرقی قدرت خود را استحکام بخشید، بلکه بر بخش‌هایی از ایتالیا نیز مسلط شد و شهر راونا^۳ را به عنوان مرکز قدرت خود در روم غربی انتخاب کرد. هنر بیزانس تنها محدود به روم شرقی نبود بلکه همواره دستاوردهای آن در اروپای غربی نیز مورد تقلید قرار می‌گرفت. مورخان هنر بیزانس را به سه دوره تقسیم می‌کنند.

● **نخستین عصر طلایی:** نخستین عصر طلایی هنر بیزانس در زمان ژوستینیان شکل گرفت. در این دوره هنر یونانی-رومی با عناصر میراث‌های شرقی (ایران و سوریه) به خوبی تلفیق شد که حاصل آن دو کلیسای عظیم ایاصوفیه^۴ در کنستانتینوپل و کلیسای سن ویتاله^۵ در شهر راونا در ایتالیا است.

۱- Saint Pietro

۲- Justinian

۳- Ravenna

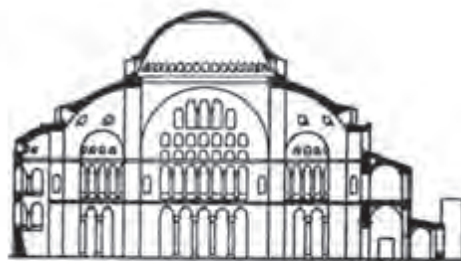
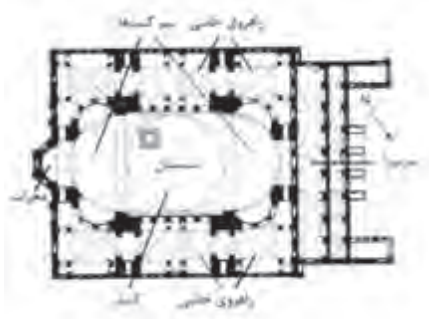
۴- ایاصوفیه ابتدا به نام سانتا‌سوفیا به معنی خرد مقدس بوده است.

۵- Saint Vitale

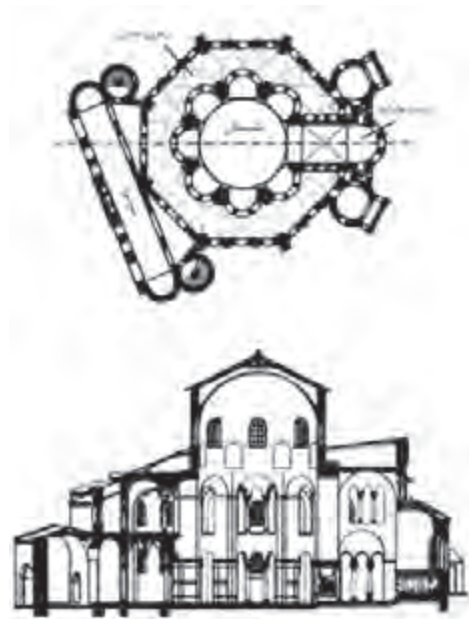
این کلیساها دارای نقشه متمرکز، گنبددار و دارای ظاهری ساده و درونی پرتجمل هستند. کلیسای ایاصوفیه^۱ دارای صحن مستطیل شکل است و گنبد عظیمی دارد. این بنا به دلیل ابعاد بزرگ آن یکی از شاهکارهای معماری آن دوره است (تصویر ۳ و ۴). کلیسای سن ویتاله نیز دارای نقشه‌ای هشت ضلعی متراکم و گنبددار است (تصویر ۵ و ۶). کلیساهای گنبد دار به عنوان الگو در قلمرو بیزانس (یونان و اروپای شرقی و غربی) رواج یافت.



تصویر ۳- کلیسای ایاصوفیه، سده ششم میلادی، استانبول



تصویر ۴- طرح خطی نما و نقشه کلیسای ایاصوفیه



تصویر ۶- طرح خطی نقشه و نمای کلیسای سن ویتاله



تصویر ۵- کلیسای سن ویتاله، سده ششم میلادی، راونای، ایتالیا

۱- این بنا در دوره عثمانی‌ها به مسجد تبدیل و چهار مناره به آن افزوده شد و اکنون به عنوان موزه مورد استفاده است.

هر دو کلیسا دارای تزیینات غنی به‌ویژه نقاشی موزاییک هستند (تصویر ۷). نقاشی‌های موزاییکی این کلیسا خانواده ژوستی نین و همراهانش را نشان می‌دهد. در این نقاشی شخصیت‌ها دارای قد بلند، ظریف و لاغر، با وقار و باچشمانی درشت هستند (تصاویر ۷ و ۸).



تصویر ۸- ژوستی نین و ملازمان، نقاشی موزاییک، سده ششم میلادی، کلیسای سن ویتاله، راون



تصویر ۷- بخشی از صحن کلیسای سن ویتاله راون، سده ششم میلادی

● **دومین عصر طلایی:** در سده‌های هشتم و نهم میلادی گروهی از مسیحیان با شمایل‌نگاری به مخالفت برخاستند و تمثال‌ها را یادآور بت‌پرستی شمرده و باعث رکود و توقف هنر شمایل‌نگاری شدند. این توقف، زمینه را برای گسترش تزیینات هندسی و گیاهی آماده کرد. اما از اواسط سده نهم میلادی به بعد، مجدداً شمایل‌نگاری در بیزانس و اروپای غربی شکوفا گردید و **دومین عصر طلایی هنر بیزانس** شکل گرفت. در این دوره طبیعت‌گرایی و اسطوره‌گرایی هنر باستانی یونان (دوره کلاسیک) همراه با جنبه‌های نمایشی، عاطفی و ایجاد حس رنج و همدردی در تماشاگر در نقاشی‌های موزاییک و نقاشی‌های دیواری مورد توجه قرار گرفت (تصویر ۹). ساخت کلیساهای چلیپایی یونانی (طول و عرض برابر) و استفاده از نقش مایه‌های اسلامی نیز در این زمان رواج یافت.

● **سومین عصر طلایی:** در دو قرن پایانی امپراتوری بیزانس (سده ۱۴-۱۲ میلادی)، «سومین عصر طلایی» هنر بیزانس شکل گرفت. در این دوره، نقاشی دیواری و نقاشی روی چوب جایگزین نقاشی موزاییک شد. بیان عاطفی، تحرک و پویایی، نمایش چهره و حجم‌پردازی با مهارت استادانه در نقاشی‌ها از ویژگی‌های این دوره به‌شمار می‌رود (تصاویر ۱۰ و ۱۱). هنر بیزانس تنها محدود به معماری و نقاشی کلیسایی نبود، بلکه در مصورسازی کتاب مقدس (تصویر ۱۲) و سایر مصنوعات نیز آثار با ارزشی خلق شدند. با تصرف شهر کنستانتینوپل در سال ۱۴۵۳ میلادی

توسط عثمانی‌ها عمر حکومت بیزانس به سرآمد، اما سنت‌های هنری آن تا مدتی در اروپا تداوم داشت.



تصویر ۱۰- نقاشی موزاییک، بخشی از نقاشی، حضرت عیسی (ع)، سده ۱۳ میلادی، کلیسای ایاصوفیه، استانبول



تصویر ۹- نقاشی موزاییک، بخشی از نقاشی، کلیسای دیر دافنی، سده ۱۱ میلادی، یونان



تصویر ۱۲- تصویر سازی کتاب مقدس، یوسف و برادرانش در مقابل یعقوب، سده ششم میلادی



تصویر ۱۱- نقاشی دیواری، رستاخیز، ۱۳۲۱ - ۱۳۱۵ میلادی، محراب کلیسای چورا، استانبول

جدول دوره‌های هنر صدر مسیحیت و بیزانس

صدر مسیحیت	هنر بیزانس		
	نخستین عصر طلایی	دومین عصر طلایی	سومین عصر طلایی
۲۰۰-۵۰۰ میلادی	۵۲۷-۵۶۵	۸۵۰-۱۲۰۰	۱۲۰۰-۱۴۰۰

ارزشیابی

- ۱- چه سنت‌هایی در شکل‌گیری هنر مسیحی دخالت داشتند؟
- ۲- مهمترین مکان هنر مسیحی چه نام داشت؟
- ۳- مقبره‌های صدر مسیحیت چگونه ساخته می‌شدند؟
- ۴- نقاشی‌های صدر مسیحیت دارای چه خصوصیتی بودند؟
- ۵- نقش‌های نمادین چه نوع نقش‌هایی بودند؟
- ۶- کنستانتین چگونه ساختمانی را برای کلیسا انتخاب کرد؟
- ۷- هنر بیزانس دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۸- دوره‌های مختلف هنر بیزانس را نام ببرید.
- ۹- کلیساهای نخستین عصر طلایی دارای چه ساختاری بودند؟
- ۱۰- جاهای خالی جدول زیر را متناسب با عنوان مربوطه پر کنید.

هنر بیزانس	ویژگی معماری	آثار برجسته معماری	تزیینات معماری	ویژگی نقاشی	تأثیرپذیری
عصر اول طلایی	نقشه متمرکز گنبددار صحن مستطیل شکل		نقاشی و موزائیک		هنر یونانی، رومی با عناصر میراث شرقی
عصر دوم طلایی				طبیعت‌گرایی، اسطوره‌گرایی جنبه‌های نمایش عاطفی، حس رنج و همدردی	

- ۱۱- ویژگی هنر سومین عصر طلایی را شرح دهید.

هنر اروپای غربی قرون وسطا



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش آموز انتظار می‌رود که

بتواند:

- ۱- ویژگی‌های هنر قرون وسطای پیشین را توضیح دهد.
- ۲- وجه تمایز هنر رومانسک را با دوره‌های گذشته شرح دهد.
- ۳- ویژگی‌های معماری و نقاشی رومانسک را شرح دهد.
- ۴- ویژگی‌های معماری گوتیک را شرح دهد.
- ۵- نور و شیشه را در معماری گوتیک توضیح دهد.
- ۶- تندیس‌سازی و حجاری دوره گوتیک را شرح دهد.
- ۷- ویژگی‌های نقاشی دوره گوتیک را توضیح دهد.

قرون وسطا (سده‌های میانه) اصطلاحی است که در گذشته برای یک دوره از تاریخ اروپای غربی از سده پنجم تا میانه سده پانزدهم میلادی یعنی تا آغاز دوره رنسانس^۱ به کار برده می‌شد و به عصر تاریک یا جهل و بی‌خبری نیز معروف بود. اما اکنون عصر تاریک تنها به سده‌های ۷ و ۸ میلادی محدود می‌شود. امروزه قرون وسطا به عصر ایمان شهرت یافته است. هنر قرون وسطا یا عصر ایمان به قرون وسطای پیشین، رومانسک^۲ و گوتیک^۳ تقسیم می‌شود.

۱- هنر قرون وسطای پیشین

بعد از مرگ ژوستی نین، بیزانس سلطه نسبی خود را بر اروپای غربی یا روم غربی از دست داد. این سرزمین بر اثر مهاجرت اقوام مختلف اروپایی^۴ فرو پاشید و تکه‌تکه شد و مهاجرین بر اروپای غربی

۱- Renaissance

۲- Romanesque

۳- Gothic

۴- سلتی - ژرمنی (Celtic-German)



تصویر ۱- هنر اقوام مهاجر، سر جانور، کنده کاری روی چوب، نروژ، ارتفاع ۵۱ سانتی متر، حدود سال ۸۲۰ میلادی، موزه دانشگاه اسلو

مسلط شدند و هنری را با خود آوردند که می توان آن را شیوه جانورنگاری نامید. این هنر از بسیاری جهات با هنر اشیای مفرغی لرستان و طلاکاری سکاها^۱ (اقوام ایرانی ساکن جنوب سبیری) مشابه است که موجودات را به شکل نقش های هندسی و تزیینی نشان می دادند و به طبیعت گرایی توجه نداشتند (تصویر ۱). این اقوام مهاجر پس از استقرار، سلسله های مختلفی را در اروپای غربی^۲ تأسیس کردند. شاهان این سلسله ها با بهره گیری از معماری بیزانس و عناصری از معماری اسلامی^۳ اقدام به ساخت کلیساهای متعددی در نقاط مختلف اروپا به ویژه آلمان کردند. اغلب این کلیساهای در دوره رومانسک بازسازی شدند و جای خود را به کلیساهای جدید دادند. ایشان همچنین در مصور سازی کتاب های مذهبی کوشا بودند (تصویر ۲).



تصویر ۲- انجیل، اتوی سوم بر تخت، سال ۱۰۰۱ - ۹۹۸ میلادی

۲- رومانسک (هنر رومی وار)

رومانسک یا هنر رومی وار شیوه ای در معماری کلیسایی با مرکزیت ایتالیا در اروپای غربی در قرون وسطا در سده های ۱۱ و ۱۲ میلادی است که به دلیل شباهت بعضی از عناصر آن با معماری روم باستان به آن رومی وار می گویند (تصویر ۳).

آنچه معماری رومی وار را از سده های پیشین متمایز می کند، افزایش تعداد کلیساهای در نقاط مختلف اروپای غربی است. این معماری کلیسایی با تاق رومی^۴، استخوان بندی سنگین (دیوارهای قطور) و استفاده از مصالح سنگ و آجر با نقشه چلیپایی و ساخت برج های بلند کلیسا مشخص

۱- Scythians

۲- اروپای غربی: آلمان، فرانسه و ایتالیا

۳- مسلمانان در سده های ۹ - ۱۱ میلادی بر جنوب ایتالیا و اسپانیا مسلط بودند و اروپایی ها در این مناطق با معماری اسلامی

آشنا شدند.

۴- تاق هلالی یا گهواره ای و نیم دایره ای را رومی می نامند.



تصویر ۵- برج کج شده پیزا، برج کلیسای جامع پیزا (Pisa)، ۱۲۷۳ - ۱۰۵۳ میلادی، ایتالیا



تصویر ۴- نمای غربی کلیسای سن اتین (Saint-Étienne)، سال ۱۰۶۸ میلادی، فرانسه. (برج‌ها بعداً اضافه شده است).

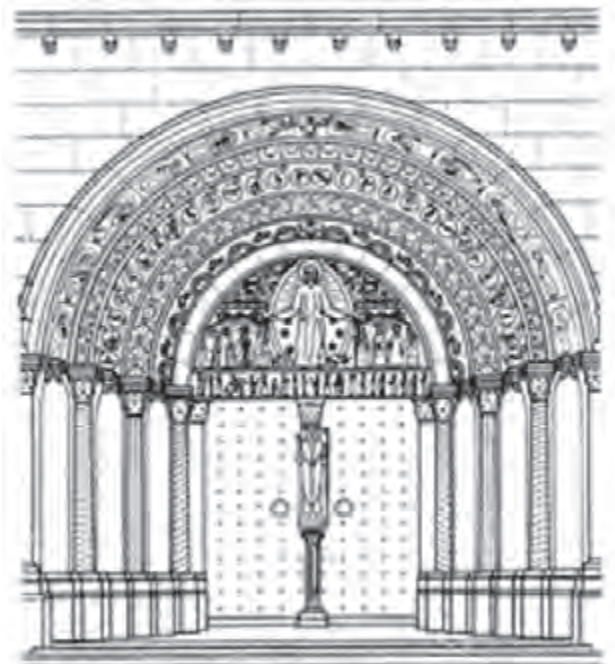


تصویر ۳- طاق‌های رومی وار، نمای غربی کلیسای سن ژیل (Saint-Gilles)، اواسط سده ۱۲ میلادی فرانسه

می‌شود (تصویر ۴). یکی از برج‌های مشهور، برج کج شده پیزا^۱ می‌باشد (تصویر ۵).

هنرمندان عهد رومانسک نه تنها از الگوهای معماری روم باستان سود می‌بردند بلکه از سنت‌های معماری صدر مسیحیت، بیزانس و سنت‌های اسلامی نیز سود می‌بردند. رواج سفرهای زیارتی، رشد شهرنشینی و بهبود اوضاع اقتصادی سبب ساخت کلیساهای بزرگ در نقاط مختلف اروپا^۲ شد. روحانیان، اشراف، بازرگانان، هنرمندان و پیشه‌وران در برپا کردن کلیسا و نمازخانه با هم به رقابت برخاستند و این عوامل سبب افزایش تعداد قابل توجه کلیساها در نقاط مختلف اروپا شد. در این دوره معماران و حجاران نقش مهمی در ساخت کلیساها داشتند و برای ایجاد حس امنیت و روحانیت از روش‌های یکسان استفاده می‌کردند. نمای ورودی اغلب کلیساها دارای حجاری‌هایی به شکل نقش برجسته با موضوع‌هایی عبرت‌آموز از کتاب مقدس بود تا نمازگزار با مشاهده آنها بدون تزکیه وارد کلیسا نشود (تصویر ۶).

دیگر ویژگی‌های شیوه رومانسک احیای بیکر تراشی با انعکاسی



تصویر ۶- طرح ورودی کلیساهای رومانسک

۱- در اثر نشست زمین برج پیزا کج شده است.

۲- ایتالیا، آلمان، فرانسه، انگلستان و اسپانیا

از هنر روم باستان و ساخت پیکره‌های تمام قد همراه با ذکر نام هنرمند است (تصویر ۷). برخلاف معماری و پیکر تراشی، نقاشی و مصورسازی و تذهیب کتب خطی، کمتر دچار تحول شد و از پیوستگی و تداوم بیشتری برخوردار شد. تولید کتب خطی توسط راهبان انجام می‌شد. نقاشی‌های این کتاب‌ها نوعی مینیاتور هستند و تصاویر دارای جنبه‌های نمایشی، رمزی و تزئینی با موضوعات مذهبی است. از نوآوری‌های اواخر این دوره، القای شکل‌های سه بعدی در نقاشی‌ها است (تصویر ۸).



تصویر ۸- کاتب انجیل نویس، نقاشی روی پوست، سال ۱۱۴۷ میلادی، فرانسه



تصویر ۷- مسیح بر تخت، حجاری روی سنگ، حدود سال ۱۰۹۶ میلادی، کلیسای سن سیرن، فرانسه

۳- گوتیک

گوتیک واژه‌ای برای توصیف هنر اواخر قرون وسطا (سده‌های ۱۲-۱۴ میلادی) است. این واژه برگرفته از قوم گوت‌ها^۱ است که در فرانسه ساکن بودند و سبک معماری آنها در دوره رنسانس، گوتیک نامیده شد که منظور غیر کلاسیک بودن معماری آنها بود (تصویر ۹).

● معماری گوتیک

معماری گوتیک از فرانسه شروع شد و به تدریج در سراسر اروپا گسترش یافت و در کشورهای مختلف با سنت‌های بومی آنها در آمیخت. عالی‌ترین تجلی معماری گوتیک



تصویر ۹- طرح کلی یک کلیسای گوتیک

۱- Goths

در شکل کلیساهای بزرگ و پُرتجمل بروز کرد. مشخصه معماری گوتیک ارتفاع بلند، برج‌های مخروطی، استفاده از تاق‌های جناغی، اسکلت سبک، استفاده گسترده از پنجره‌های بلند و متنوع و نصب شیشه‌های منقوش در پنجره‌ها و نورگیرها بود. البته معماری گوتیک یک ابداع تازه نبود بلکه حاصل تحول معماری رومانسک بود. معماری گوتیک تنها به کلیساهای محدود نمی‌شد بلکه شامل انواع دیگری از ساختمان‌ها مانند دژها، کاخ‌ها، ساختمان‌های شهری و بیمارستان‌ها نیز می‌شد (تصاویر ۱۰ تا ۱۲).



تصویر ۱۱- نمای غربی کلیسای نوتردام (Notre Dame)، ۱۱۹۴ میلادی، پاریس



تصویر ۱۰- نمای غربی کلیسای سن دنی (Saint Dennis)، حدود سال ۱۱۴۰- پاریس ۱۱۳۷



تصویر ۱۲- کلیسای جامع فلورانس، حدود ۱۲۹۶، ایتالیا (ساخت گنبد در دوره رنسانس)

● نور و شیشه

یکی از نوآوری‌های معماری گوتیک ایجاد پنجره‌های بزرگ با شیشه‌های رنگی در دیوارهای جانبی کلیساها بود که جای نقاشی‌های دیواری را گرفت. روی این شیشه‌ها تصاویر و اشکال مختلف با رنگ‌های شفاف و درخشان نقاشی می‌شد و عبور نور به فضای داخلی روشنایی می‌بخشید و فضایی معنوی و روحانی را سبب می‌شد (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳- پنجره‌های شیشه‌ای منقوش، کلیسای شارتر^۱، فرانسه

● تندیس‌سازی و حجاری

تندیس‌سازی و حجاری در آغاز دوره گوتیک وابسته به معماری بود و اغلب زینت بخش دوسوی ورودی‌ها بود، اما کم‌کم ساخت تندیس‌هایی که به بنا وابسته نبودند نیز رایج شد. بهترین نمونه تندیس‌سازی‌های گوتیک در جانب ورودی‌های کلیسای شارتر بازنمایی شده‌اند و نخستین اقدام در احیای تندیس‌سازی با عظمت پس از دوره یونان و روم باستان بود (تصویر ۱۴). از ویژگی‌های تندیس‌سازی گوتیک طبیعت‌گرایی، چهره‌های آرام‌بخش، جامه‌پردازی (نمایش چین و شکن‌های لباس) و توجه به خصوصیات فردی است (تصاویر ۱۴ و ۱۵).



تصویر ۱۵- تندیس‌های یک زوج، سنگ، اندازه طبیعی (بیان‌گر شخصیت فردی)، کلیسای جامع ناومبورگ^۲، حدود ۱۲۵۵-۱۲۴۹ میلادی، آلمان



تصویر ۱۴- تندیس‌های کاملاً برجسته یک سوی درگاه ورودی کلیسای شارتر

۱- Sharteres

۲- Naumburg

● نقاشی

در طول دوره گوتیک، نقاشی به صورت مصورسازی کتاب و نقاشی روی چوب و قاب‌های تزئینی و نقاشی موزائیک و نقاشی روی شیشه رواج داشت که از ویژگی آنها توجه به فردگرایی، مناظر طبیعی، خط‌های پیچان، رنگ‌های درخشان و علاقه به تزیین بود. اما در ایتالیا بیشتر نقاشی دیواری و نقاشی شمایل‌ی تابلویی رایج بود و نقاشان از سر مشق‌های بیزانسی و سنت‌های رومی سود می‌بردند. یکی از نقاشان برجسته ایتالیا جُتو است که در آثارش طبیعت‌گرایی و نوآوری در نور و ایجاد فضای سه بعدی دیده می‌شود، وی به عنوان آغازگر رنسانس نیز شناخته می‌شود (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۶- حضرت مسیح در حال ورود به اورشلیم، اثر جُتو، نقاشی دیواری، حدود ۱۳۰۶-۱۳۰۵ میلادی

جدول دوره‌های هنر اروپایی غربی در قرون وسطا

قرون وسطای پیشین	رومانسک	گوتیک
۱۰۵۰-۶۰۰ میلادی	۱۰۵۰-۱۲۰۰ میلادی	۱۲۰۰-۱۴۰۰ میلادی

- ۱- هنر دوره قرون وسطای پیشین دارای چه خصوصیتی بود؟ شرح دهید.
- ۲- معماری رُمانسک دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۳- به چه علتی کلیساهای بزرگ ساخته شدند؟
- ۴- موضوع حجاری‌های نمای ورودی کلیساها در دوره رمانسک چه بود؟
- ۵- تندیس‌های دوره رُمانسک دارای چه ویژگی‌هایی بود؟
- ۶- نقاشی‌های کتاب‌های دوره رُمانسک دارای چه ویژگی‌هایی بود؟
- ۷- معماری گوتیک دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۸- در معماری گوتیک از نور و شیشه چگونه بهره می‌بردند؟
- ۹- حجاری دوره گوتیک دارای چه ویژگی بود؟
- ۱۰- ویژگی‌های نقاشی دوره گوتیک را شرح دهید.

هنر رنسانس (تجدید حیات یا نوزایی)



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که

بتواند:

- ۱- جنبش رنسانس را توضیح دهد.
- ۲- ویژگی‌های هنر دوره رنسانس را بیان کند.
- ۳- علل شکل‌گیری رنسانس را شرح دهد.
- ۴- دیدگاه‌های برونلسکی و آلبرتی را توضیح دهد.
- ۵- آثار معماری رنسانس را نام ببرد.
- ۶- نقاشان و تندیس‌سازان رنسانس را نام ببرد.
- ۷- ویژگی‌های آثار سه نقاش دوره رنسانس را توضیح دهد.
- ۸- منریسم را شرح دهد.

۱- تعریف رنسانس

رنسانس به معنی تجدید حیات، یا نوزایی است. اما عموماً رنسانس به جنبشی فکری و عقلانی گفته می‌شود که در سده چهاردهم میلادی در ایتالیا شروع شد و در سده شانزدهم میلادی به اوج خود رسید. ایتالیا آغازگر رنسانس بود زیرا به توانایی انسان اهمیت می‌دادند یعنی به تدریج دنیای فکری انسان‌ها از ارزش‌ها و اندیشه‌های مذهبی جدا و به اندیشه‌ها و ارزش‌های زندگی بشری و فردگرایی تغییر یافت.

اگر چه ایتالیا خاستگاه رنسانس بود، اما دیگر کشورهای اروپایی نیز در توسعه دستاوردهای آن نقش داشتند. متفکران رنسانس بر اهمیت تک‌تک انسان‌ها، مخصوصاً انسان‌های شایسته، تأکید می‌کردند. و دستاوردهای هنری، علمی و ادبی قرون وسطا را بی‌ارزش می‌دانستند و براین باور بودند که با احیای فرهنگ و هنر یونان و روم، می‌توانند فرهنگ و هنر خود را ترقی دهند. بر طبق اندیشه رنسانس، انسان از قدرت و توانایی خدادادی برخوردار است و این توانایی در وجود انسان‌های بزرگ به صورت موهبت الهی، «نبوغ»، متجلی می‌شود.

تلاش‌های هنرمندانی چون جتو، مازاتچو^۱، دوناتلو^۲، آلبرتی^۳، برونلسکی^۴، داوینچی^۵، میکلا آنژ^۶، رافائل^۷، دورر^۸ و ... نقش مهمی در پیشرفت هنرها و علوم گوناگون داشتند.

۲- ویژگی‌های هنر دوره رنسانس

احیای روح هنر دوره کلاسیک یونان و روم، طبیعت‌گرایی، فردگرایی، کالبدشناسی انسان، تکمیل قواعد پرسپکتیو، توجه به موضوع‌های دنیوی، رواج نقاشی رنگ و روغن برای تجسم گرمی و طراوت پوست از ویژگی‌های هنر دوره رنسانس است.

۳- علل شکل‌گیری دوره رنسانس

توسعه تجارت بین‌المللی، گسترش جامعه شهرنشین، شکل‌گیری طبقه متوسط، اختراع چاپ و رواج کتاب‌های چاپی، کشف سرزمین‌های جدید، افزایش موقعیت اجتماعی هنرمندان، هنر دوستی اشراف جامعه و حمایت از هنرمندان، خودباوری و اعتقاد به توانایی و شایستگی انسان از علل شکل‌گیری جنبش رنسانس است.

۴- معماری دوره رنسانس

معماران دوره رنسانس اغلب متفکر و پژوهشگر بودند و برخی از آنها مانند برونلسکی، داوینچی، رافائل و ... در چند رشته از جمله معماری، نقاشی و تندیس‌سازی تخصص داشتند. آنها نیز میراث هنری عهد کلاسیک یونان و روم را متعالی می‌دانستند. پیشگام معماری دوره رنسانس، فیلیپو برونلسکی اهل فلورانس بود. وی کار خود را با تندیس‌سازی در فلورانس آغاز کرد. چون مایل نبود به‌طور سطحی، معماری باستانی را احیا کند، برای مشاهده نزدیک آنها به شهر روم رفت و برای نخستین بار اندازه‌های دقیق بناهای رومی را به‌دست آورد و متوجه شد این بناها در جزء و کل باهم هماهنگ و متناسب هستند و سرانجام براساس مطالعات خود، در نظریه‌ای اعلام کرد «همان تناسب ریاضی که در موسیقی، هماهنگی به‌وجود می‌آورد، باید در معماری نیز حکمفرما شود». وی معتقد شد که راز

۱- Masaccio

۲- Alberti

۳- Leonardo DA Vinci

۴- Raphaello

۵- Donatelo

۶- Brunelleschi

۷- Michelangelo

۸- Durer

معماری در تنظیم تناسبات درست، یعنی تناسباتی ساده و مبتنی بر اعداد صحیح است. وی با شناخت معماری باستان، عناصری از این معماری را در کارهای خود به کار گرفت. وی معماری باشکوه یونان و روم را ساده و قابل فهم و با نیازهای مردم زمانه‌اش سازگار کرد. گنبد کلیسای فلورانس (که تا آن زمان کامل نشده بود) و بیمارستان معصومان (تصویر ۱) از جمله کارهای اوست. آلبرتی نیز از نظریه پردازان معماری و تندیس‌سازی رنسانس بود، وی اعتقاد داشت که زیبایی یک بنا از هماهنگی و یگانگی تمام اجزایش حاصل می‌شود (تصویر ۲). اندکی بعد دیدگاه‌های این دو هنرمند به‌عنوان سرمشق در اختیار معماران اروپا قرار گرفت (تصاویر ۳ و ۴).



تصویر ۱- بیمارستان معصومان اثر برونلسکی، حدود ۱۴۲۱ میلادی، فلورانس



تصویر ۳- سرسرای ورودی کتابخانه لورانتیون فلورانس اثر میکل آنژ، حدود ۱۵۵۹-۱۵۵۸ میلادی



تصویر ۲- کلیسای سن آندرئا، اثر لئون باتیستا آلبرتی، حدود ۱۴۷۰ میلادی، ایتالیا



تصویر ۴- ویلا روتاندا اثر پالادیو (نمونه‌ای از احیای سبک کلاسیک باستان)، حدود ۱۵۷۰-۱۵۶۷ میلادی، ایتالیا

۵- نقاشی و تندیس‌سازی دوره رنسانس

نقاشی و تندیس‌سازی، عالی‌ترین جلوه هنر دوره رنسانس است. مهارت هنرمندان در احیای روح هنر عهد کلاسیک باستان، همراه با نوآوری‌ها و روحیه انسان‌گرایانه آنها در آثارشان به آسانی قابل تشخیص است. در میان هنرمندان دوره رنسانس، هنرمندانی که اینک آثارشان معرفی می‌شود، در شکل‌گیری و تکامل هنر نقاشی و تندیس‌سازی نقشی اساسی داشتند.



تصویر ۵- مریم عذرا و کودک، اثر مازاتچو، بخشی از یک نقاشی دیواری

● جُتو (۱۳۳۷-۱۲۶۶)

جُتو نقاش و معمار ایتالیایی و از هنرمندان اواخر دوره گوتیک و آغاز رنسانس بود. او پیرو سنت تندیس‌سازی و نقاشی رومی و آغازگر سبک طبیعت‌گرایی در ایتالیا و در نمایش عواطف انسانی به شکل ساده، توانا بود. (به تصویر ۸، نقاشی دوره گوتیک مراجعه شود)

● مازاتچو (۱۴۲۸-۱۴۰۱)

مازاتچو نقاش ایتالیایی و اهل فلورانس که در برجسته‌نمایی نقش پیکره‌ها، به کارگیری نور در بازنمایی فضا و تنظیم ترکیب‌بندی مبتکر بود و مانند جُتو در جستجوی بیان عواطف انسانی و تلاش برای واقع‌گرایی در آثارش بود (تصویر ۵).



تصویر ۶- مرقس مقدس اثر دُناتِلُو، مرمر، حدود ۱۴۱۳-۱۴۱۱ میلادی، فلورانس

● دُناتِلُو (۱۴۶۶-۱۳۸۶)

دُناتِلُو از تندیس‌سازان برجسته ایتالیا بود که اصول کلاسیک باستان را با فرهنگ مسیحی عصر خود وفق داد. وی از پیشگامان احیای روح تندیس‌سازی کلاسیک به شمار می‌آید. تندیس مرقس مقدس نخستین گام در جهت نمایش حرکت است. آثار او بیانگر صلابت، وفاداری به ساختار تندیس انسان، کشش عاطفی و در برگیرنده همه جنبه‌های رنسانس ایتالیایی است و در نهایت خود باوری انسان را منعکس می‌کند (تصویر ۶).

● رافائل (۱۵۲۰-۱۴۸۳)

رافائل نشان‌دهنده اوج هنر رنسانس است. او به بهترین روش برای بیان هنر کلاسیک باستان دست یافت و تحت تأثیر داوینچی و میراث هنری روم باستان، آثار با ارزشی در زمینه نقاشی و معماری خلق کرد. در آثار وی، لطافت رنگ‌آمیزی، ترکیب‌بندی عالی و کیفیت‌های عاطفی چهره موج می‌زند (تصاویر ۷ و ۸).



تصویر ۸- مریم گراندوک، اثر رافائل، رنگ و روغن روی چوب، حدود سال ۱۵۰۵ میلادی، کاخ پیتی، فلورانس



تصویر ۷- پرترة پاپ لئوی دهم، اثر رافائل، حدود سال ۱۵۱۷ میلادی، فلورانس

● لیوناردو داوینچی (۱۴۵۲-۱۵۱۹)

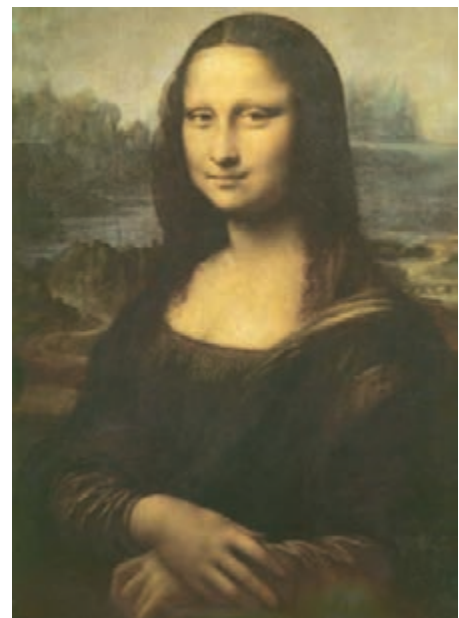
داوینچی یکی از مهمترین شخصیت‌های دورهٔ رنسانس است. وی نمونهٔ انسانی والا بود که در زمینه معماری، نقاشی و تندیس‌سازی توانا بود. او نوآور و متحول‌کننده پایه‌های سنت طبیعت‌گرایی اروپایی و آثارش لبریز از ترکیب‌بندی پر معنا و سنجیده و تجسم روحیات درونی انسان‌ها بود. وی در آثارش با استفاده از سایه روشن‌های نرم و لطیف حالتی عاطفی و رمزآلود به موضوع داده است (تصویر ۹).

● آلبرشت دورر (۱۴۷۱-۱۵۲۸)

دورر هنر رنسانس را در شمال اروپا (آلمان) رواج داد و در زمینه چاپ (باسمه کاری روی چوب) و نقاشی مهارت داشت. وی برای فهم قوانین کلاسیک به ایتالیا رفت. آثار سرشار از تخیل وی از جمله باسمه‌کاری‌های روی چوب، در سراسر اروپا مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

● میکل آنژ (۱۴۷۵-۱۵۶۴)

میکل آنژ یکی از برجسته‌ترین هنرمندان رنسانس است که در زمینهٔ نقاشی، معماری، تندیس‌سازی و نیز کالبدشناسی انسان، بی‌نظیر بود. تندیس‌های داوود



تصویر ۹- مونالیزا، اثر لیوناردو داوینچی، رنگ و روغن، حدود سال ۱۵۰۵-۱۵۰۳ میلادی، موزه لوور، فرانسه

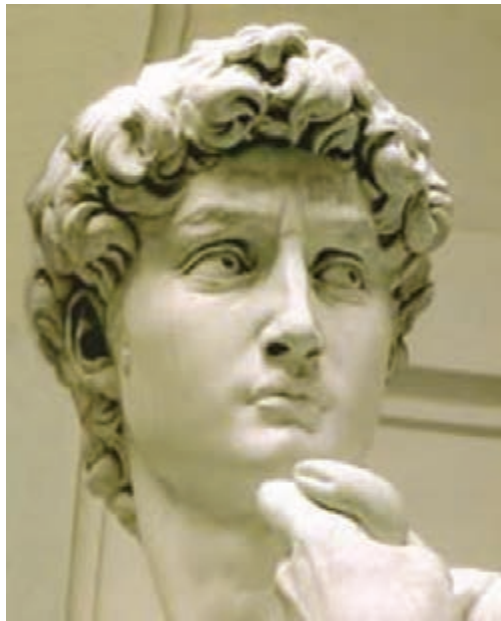


تصویر ۱۱- چهار سوار، اثر آلبرشت دورر، چاپ
باسمه‌ای، ۸-۱۴۹۷ میلادی، آلمان



تصویر ۱۰- تصویر چهره نقاش، اثر آلبرت دورر، رنگ
و روغن روی چوب، حدود سال ۱۵۰۰ میلادی، مونیخ،
آلمان

(نماد شهر فلورانس) و حضرت موسی در شهر رم، جزو برجسته‌ترین آثار او هستند (تصاویر ۱۲ و ۱۳). وی در نمایش عمق تصویر در نقاشی، قدرت طراحی، نمایش روح زندگی به کمک زیبایی جسمانی در شکل و حرکت بدن و نمایش حالت روحی چهره، دارای سبک ویژه خود بود. همچنین او یکی از پیشگامان مکتب منریسم بود.



تصویر ۱۳- تندیس داود (سردیس)، اثر میکل آنژ، حدود سال
۱۵۰۴-۱۵۰۱ میلادی، فلورانس



تصویر ۱۲- تندیس حضرت موسی، اثر میکل آنژ،
سنگ مرمر، حدود سال ۱۵۱۳-۱۵۱۵ میلادی، رم

۶- مَنریسم (شیوه‌گری)

در اواخر دوره رنسانس تولید آثار هنری با رکود و تقلید از آثار استادان بزرگ انجامید. هنرمندان نسل بعد به جای پژوهش در طبیعت، آثار متأخر میکلا آنژ را سرمشق قرار دادند که پایان کلاسیک‌گرایی رنسانس و آغاز جنبش مَنریسم (شیوه‌گری) در اواخر سده شانزدهم است. هنرمندان از سنت‌های عصر رنسانس دور شدند و به اغراق در بروز عواطف، افزایش حرکت، کشیدگی غیرعادی اندام و تضاد رنگ‌ها پرداختند. از مهم‌ترین هنرمندان این سبک می‌توان به ال گرکو^۱ اشاره کرد. (تصویر ۱۴).

آثار وی اغلب موضوعی افسانه‌ای و پراز پیکره است و نمایشی از عالم زمینی و آسمانی در آثارش به چشم می‌خورد.



تصویر ۱۴- خاک‌سپاری کنت اورگاز، اثر ال گرکو، رنگ و روغن روی بوم، سال ۱۵۸۶ میلادی، اسپانیا

ارزشیابی

- ۱- رنسانس چگونه جنبشی بود؟
- ۲- خاستگاه رنسانس کجا بود و چه تقسیماتی داشت؟
- ۳- چه هنرمندانی در جنبش رنسانس نقش داشتند؟
- ۴- هنر رنسانس دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۵- به چه علت‌هایی جنبش رنسانس شکل گرفت؟
- ۶- برونلسکی چه اعتقادی داشت؟
- ۷- آلبرتی دارای چه باوری بود؟
- ۸- نقاشان و تندیس‌سازان رنسانس چه نام داشتند؟
- ۹- ویژگی آثار رافائل و میکلا آنژ چه بود؟
- ۱۰- مازاتجو چه تغییراتی در نقاشی به وجود آورد؟
- ۱۱- تندیس حضرت موسی دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۱۲- آثار داوینچی دارای چه خصوصیتی بود؟

۱۳- منریسم دارای چه خصوصیتی بود؟
۱۴- عبارات مرتبط به هم را به یکدیگر متصل کنید.

نقاش برجسته نما	خاستگاه رنسانس
شیوه‌گرایی	مازاتجو
آلبرشت دورر	نمایش حرکت در تندیس‌سازی
دنانلّو	باسمه‌کاری
ایتالیا	منریسم

فصل چهاردهم

هنر اروپای بعد از رنسانس تا قرن بیستم



هدف‌های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

- ۱- هنر باروک را شرح دهد.
- ۲- معماری و نقاشی باروک را بیان کند.
- ۳- هنر روکوکو را شرح دهد.
- ۴- هنر نئوکلاسیسیسم را توضیح دهد.
- ۵- مکتب رمانتیسیسم را شرح دهد.

- ۶- عوامل ایجاد کننده رئالیسم را شرح دهد.
- ۷- خصوصیات امپرسیونیسم را شرح دهد.
- ۸- هدف هنر سمبولیسم را توضیح دهد.

۱- باروک^۱

باروک واژه‌ای است که مورخان هنر برای آثار هنری و ادبی و موسیقی سده هفدهم و اوایل سده هجدهم اروپای غربی به کار می‌برند. این کلمه به معنی مروارید نامنتظم است که تا سده نوزدهم به معنی بی‌تناسب و ناهماهنگ بود. علت این نام‌گذاری این بود که سازندگان آثار هنری به‌ویژه در معماری از شیوه‌های مختلف هنری (کلاسیک، گوتیک، رنسانس و...) متأثر بودند. هنر باروک در مقایسه با دوره رنسانس، هنری با شکوه، نمایشی، زیاده‌روی در تجمل، احساسی و تلاش برای وحدت بین معماری، تندیس‌سازی و نقاشی است. تمایل بیشتر به مذهب، توسعه علوم و رقابت دارندگان ثروت و قدرت در تولید آثار هنری در نقاط مختلف اروپا از عوامل شکل‌گیری شیوه باروک بود. شیوه باروک از شهر رُم شروع شد و اندکی بعد در سراسر ایتالیا رواج یافت و سپس در فرانسه، اسپانیا، انگلستان، هلند و آلمان گسترش یافت. باروک تفاوت‌های بنیادین با سبک‌های رنسانس دارد. باروک هنری پویا و احساسی بوده و برعکس اصول کلاسیک که بیشتر عقلانی است. از ویژگی‌های بارز هنر باروک ایجاد هماهنگی در میان عناصر گوناگون است، در حالی که کمال مطلوب اوج هنر رنسانس برقراری تعادل میان اجزایی است که هر کدام به تنهایی از تمامیت و کمال برخوردارند.

● معماری



تصویر ۱- کلیسای سن‌پیر روم، نما اثر کارلو مادرنو، ستون کاری اثر برنینی، حدود ۱۶۱۲-۱۶۰۷ میلادی

معماری باروک با ساخت کلیساهای بزرگ از شهر رُم شروع شد. معماران این عصر نیز مانند دوره رنسانس هم پژوهشگر و هم در چند رشته تخصص داشتند، معماری باروک بنا به سلیقه معمار یا سفارش‌دهنده از سنت‌های مختلفی چون کلاسیک باستان، گوتیک و رنسانس در یک بنا سود می‌برد و تلاش می‌کرد بین عناصر مختلف هماهنگی ایجاد کند. در معماری باروک استفاده از شکل بیضی به جای دایره در گنبدها، پنجره‌ها و سقف رایج شد. سطوح محدب و مقعر، تأکید بر مرکز ساختمان، ارتباط معماری با فضای پیرامون، تأکید تزئینات داخلی و تلاش برای هماهنگی میان معماری، نقاشی و تندیس‌سازی بود. کارلو مادرنو^۲ و برنینی^۳ از بنیان‌گذاران معماری باروک در شهر رُم بودند. نما و صحن بیرونی

۱- Baroque

۲- Carlo Maderno

۳- Bernini

کلیسای سن پیر^۱ در رُم کار مادرنو و ستون کاری آن کار برنینی است (تصویر ۱). برنینی از معماران و تندیس‌سازان بزرگ شهر رُم بود، وی پیرو سنت کلاسیک باستان بود و خود را جانشین میکل‌آنژ می‌دانست، تزینات پُر تجمل صحن داخلی کلیسا از نمونه کارهای او است. کاخ لوور^۲ از آثار باشکوه معماری باروک است. این بنا متأثر از سنت کلاسیک باستانی است اما ستون‌های دو تایی آن ابتکار جدیدی بود که در معماری فرانسه رواج یافت (تصویر ۲).



تصویر ۲- نمای شرقی کاخ لوور، سال ۱۶۷۰-۱۶۶۷ میلادی، پاریس (در حال حاضر موزه لوور)

● نقاشی

نقاشان باروک در نمایش طبیعت به واقعیت وفادار بودند و در آثارشان به رنگ، بافت، محاسبه روشنایی و تاریکی، استفاده از نور برای جلب توجه، حالت نمایشی، فضای پر و خالی و جلوه‌های غیر مترقبه اهمیت می‌دادند. از ویژگی‌های نقاشی باروک رواج نقاشی‌های علمی، تجسم فرهنگ و ادبیات عامه و آدم‌های معمولی، طبیعت بیجان، نقاشی منظره، نقاشی سقفی (تصاویر ۳ و ۴)، از هنرمندان برجسته این دوره می‌توان به کارا و ادجو^۳، دیه گو و لاسکوئز^۴ و رامبراند^۵ اشاره کرد.



تصویر ۴- تصویر ندیمه‌ها اثر و لاسکوئز، رنگ و روغن، سال ۱۶۵۶ میلادی، مادرید



تصویر ۳- مارکزا، اثر روبنس، رنگ و روغن، سال ۱۶۰۶ میلادی، گالری هنر واشنگتن

۱- Saint Peter

۲- Palace of Louvre

۳- Karavaggio

۴- Velazquez

۵- Rembrandt

● تندیس‌سازی

تندیس‌سازی باروک نیز همانند نقاشی بسیار زنده، پرشور و چشمگیر است و بیان‌گر تلاش هنرمند در ارائه احساسات عمیق انسان است و تلاش دارد واکنش تماشاگر را برانگیزد (تصویر ۵). تندیس داوود در حال پرتاب سنگ به جالوت اثر برنینی سرشار از بیان احساس، تحرک و پویایی است (تصویر ۶).



تصویر ۶- داوود در حال پرتاب سنگ به سمت جالوت، اثر برنینی، سنگ مرمر، سال ۱۶۲۳ میلادی، روم (مقایسه کنید با داوود میکلا آنژ)



تصویر ۵- تندیس بدن روحانی متوفی (طبیعت‌گرایی پُر احساس)، اثر استفانو مادرنو، مرمر، حدود ۱۶۰۰ میلادی، روم

۲- روکوکو^۱

اصطلاحی در تاریخ هنر برای توصیف هنر تزئینی در زمینه‌های مختلف، چون تزئینات معماری، نقاشی، تندیس‌سازی، طراحی ائانیه، اشیای زینتی و غیره پدید آمد. واژه روکوکو از واژه فرانسوی روکای به معنی «سنگریزه» گرفته شده است و به سنگریزه‌ها و صدف‌هایی اطلاق می‌شود که برای تزئین فضای داخل غارها و سرداب‌های مصنوعی به کار برده می‌شوند. واتو^۲ از برجسته‌ترین هنرمندان سده هجدهم میلادی سبک خاصی را آفرید که پس از او به روکوکو انجامید. نقاشی این دوره، سرشار از جلوه‌های پراحساس و حتی شاد و فریبنده با موضوع‌های دنیوی و سبکسرانه، رنگ‌های لطیف و خطوط منحنی و منطبق با سلیقه اشرافیت است. فراگونار^۳، که نقاشی‌های او تزئینی با رنگ‌های چشم‌نواز است از نمایندگان این سبک به‌شمار می‌رود (تصویر ۷).



تصویر ۷- بخشی از تابلو به نام تاب، اثر فراگونار

۱- Rococo

۲- Watteau

۳- Fragonar

۳- هنر در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی (نئوکلاسیسیسم، رمانتیسیسم، رئالیسم و ...)

اروپا و کشور نوظهور امریکا از اواسط سده‌های هجده و نوزده شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهمی بود. انقلاب صنعتی در اروپا، انقلاب فرانسه بر علیه نظام استبدادی حاکم و انقلاب مردم امریکا بر علیه استعمار انگلیس از عوامل بسیار مهم در تغییر نگرش مردم نسبت به هنر بوده‌اند. در طول این دو سده به تدریج سلطهٔ کلیسا و حکومت‌های استبدادی بر مردم از بین رفت و فرهنگ اروپای غربی و امریکا، به تدریج دنیوی شد. شکل‌گیری موزه‌ها و گالری‌های هنری، رواج خرید و فروش آثار هنری و نشر کتب و نشریات هنری باعث گسترش هنر در جامعه شد. رشد جامعهٔ شهری و طبقهٔ متوسط جامعه، سبب شکل‌گیری جنبش‌ها و شیوه‌های مختلف هنری شد. این جنبش‌ها بیشتر در نقاشی تجلی یافته است. ظهور مصالح ساختمانی جدید اشکال جدیدی را در معماری پدید آورد. اینک به اجمال مهمترین سبک‌های هنری این دو سده معرفی می‌شود.

● نئوکلاسیسیسم^۱

نئوکلاسیسیسم سبکی هنری است که در نیمه دوم سده هجدهم واکنشی علیه باروک و روکوکو به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر گرایش به هنر آرمانی یونان و روم به‌عنوان تقلید از طبیعت در این مکتب شکل گرفت. هنرمند معروف این سبک داوید^۲ (۱۸۲۵-۱۷۴۸م) است. او در برابر سبک روکوکو طغیان کرد و سنت‌های کلاسیک را از نو به سبک فردی خود احیا نمود (تصویر ۸). تصویر ۹ نمونه‌ای از معماری نئوکلاسیک می‌باشد که از ستون‌ها و نمای معماری کلاسیک یونان تأثیر گرفته است.



تصویر ۸- سوگند هوراتیوس‌ها، اثر ژاک لویی داوید، ۱۷۸۴م، رنگ روغن روی بوم، ۴۲۰×۳۳۰ سانتی‌متر، موزه لوور، پاریس



تصویر ۹- خانه توماس جفرسن رئیس جمهور امریکا، سده ۱۸ میلادی، ویرجینیا، امریکا

۱- Neo - Classicism

۲- David

● رمانتیسیسم^۱

مکتب رمانتیک در هنرهای تجسمی، از اواخر قرن هجدهم یعنی از ۱۷۹۰ تا ۱۸۴۰ هم زمان با احیای مکتب نئوکلاسیک تجلی یافت و در میانه قرن نوزدهم جانشین نئوکلاسیک شد. زادگاه این سبک انگلستان بود و مکتب منظره‌نگاری انگلیسی تأثیر بسیار گسترده‌ای بر جنبش رمانتیک داشت.

جنبش‌های اجتماعی این عصر سبب دگرگونی در ذهن انسان اروپایی شد. در این مکتب نقاشان کارگاه نقاشی را رها کردند. آنها به طبیعت عشق می‌ورزیدند و براساس عاطفه و ذهن هنرمند رنگ‌ها را تابناک و سرزنده به تصویر می‌کشیدند. موضوعات معمولی و چهره‌های عادی را انتخاب و جایگزین تناسبات رسمی و قراردادی کردند. لازم به ذکر است که اینها همه در عصر «انقلاب صنعتی» یعنی گریز از ماشین و پناه بردن به دامان طبیعت بود. شاخص‌ترین هنرمند رمانتیک دلاکروا^۲ است که دامنه امکانات بیانی این هنر را گسترش فراوان داد. او شیوه رنگ‌پردازی و قلم‌زنی خود را به نقاشان بعدی مخصوصاً به امپرسیونیست‌ها انتقال داد. هنر نقاشی در عصر رمانتیسیسم، بیشتر موضوعات را از ادبیات الهام می‌گرفت. دلاکروا نیز داستان‌های تابلوهایش را عموماً از ادبیات و رخدادهای روزگار خود بر می‌گزید (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰- باگانی، انر اوژن دلاکروا، حدود ۱۸۳۲، رنگ روغن روی مقوا، ۲۸×۴۲ سانتی‌متر، مجموعه فیلیس، واشنگتن

● رئالیسم^۳

رئالیسم در میانه سده نوزدهم به وجود آمد که واکنشی در برابر خصلت آرمانی کلاسیسیسم و خصلت عاطفی و ذهنی رمانتیسیسم بود. انسان‌دوستی و علاقه به اصلاحات اجتماعی موضوعی بود که به تمام زوایای زندگی و هنر سده نوزدهم راه پیدا کرد. آنچه به نظر هنرمند جالب می‌آمد، اکنون در محیط خود او وجود داشت و این موضوع جالب، مردم - همان‌گونه که هستند - بود. نقاشی رئالیستی بازنمایی بدون آرمانگری در مفهوم صحنه با تمام خصوصیات پسندیده و ناپسندیده بود. این نهضت با کوربه^۴ آغاز می‌شود. تابلوی «سنگ شکنان» او نخستین نمونه تمام‌عیار نقاشی به این شیوه است. او معتقد بود که هنرمند باید فقط چیزهای مرئی و ملموس را بازنمایی کند. او موضوعاتی چون زندگی و کار تهیدستان را انتخاب می‌کرد و راه را برای نقاشان دیگر حتی با دیدگاه‌های متفاوت گشود (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱- سنگ شکنان، اثر گوستاو کوربه، نگارخانه دولتی، درسدن (این تابلو در جنگ دوم جهانی ناپدید شد)

۱- Romanticism

۲- Delacroix

۳- Realism

۴- Courbet

۴- دیگر نقاشان (بدون مکتب)

در قرن نوزدهم تعدادی از هنرمندان جوان آزادانه مسیرهای فردی یا گروهی تازه‌ای در پیش گرفته و از حدود هر مکتب و شیوه بیرون قرار گرفتند. نخستین آنها گویا^۱ نقاش اسپانیایی بود. او هیچ مکتبی نداشت و در نقاشی‌های خود با بدبینی شدید و هجوی کابوس مانند، ستمگری زورمندان را به باد انتقاد می‌گرفت و از ستمدیدگان حمایت می‌کرد (تصویر ۱۲).

دومیه^۲ نیز با تکنیک چاپ سنگی مقدار زیادی کاریکاتورهای اجتماعی و سیاسی برای چاپ در مجلات و روزنامه‌ها ساخت (تصویر ۱۳).
میله^۳ (میله) نقاشی است که تمایلات هر دو مکتب واقع‌گرایی و رمانتیک را در آثارش می‌توان دید (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۲- زنان در بالکن، اثر فرانسیسکو گویا، ۱۸۱۵-۱۸۱۰ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، موزه هنر متروپولیتن، نیویورک



تصویر ۱۴- خوشه چینان، اثر ژان فرانسوا میله، ۱۸۵۷ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، موزه اورس، پاریس



تصویر ۱۳- خیابان ترانسنون، اثر اونوره دومیه، ۱۸۳۴، گراور، ۴۵×۳۰ سانتی متر، موزه هنری فیلادلفیا

۵- امپرسیونیسم^۴ و جریان‌های تأثیرگذار او اواخر قرن ۱۹

امپرسیونیسم مهمترین پدیده هنری قرن ۱۹ اروپا و نخستین جنبش نقاشی مدرن به شمار می‌رود. آنها و تعدادی از پیروانشان احساس کردند که فقط بیننده صرف طبیعت نیستند و هنرمند باید در خلق اثر هنری دخالت کند.

۱- Goya

۲- Daumier

۳- Miller

۴- Impressionism



تصویر ۱۵- منظره کلیسای روئن در غروب آفتاب، اثر کلود مونه، رنگ و روغن روی بوم، موزه هنرهای زیبای بوستون

اصطلاح امپرسیونیسم را در سال ۱۸۷۴م، روزنامه‌نگاری به‌ریشخند در مورد یکی از منظره‌های کلود مونه^۱ (امپرسیون: طلوع آفتاب) به‌کاربرد. مونه نماینده واقعی این جنبش است. او بیست و شش منظره از کلیسای روئن^۲ را نقاشی کرد (تصویر ۱۵). در هر تابلو، کلیسا از یک نقطه دید ثابت ولی در ساعات متفاوتی از روز و در شرایط اقلیمی و جوی متفاوتی نقاشی شده است. پیسارو^۳ و رنوار^۴ از شاخص‌ترین امپرسیونیست‌ها هستند. عامل پیونددهنده این نقاشان «حساسیت به رنگ» و «جلوه‌های ناپایدار نور و حرکت» است. نور نقش اصلی را در نقاشی امپرسیونیستی ایفا می‌کند و وظیفه هنرمند ثبت دقیق و فوری ارتعاشات زودگذر نور است. امپرسیونیست‌ها بیشتر در فضای باز نقاشی می‌کردند.

در اینجا لازم است اشاره‌ای به رودن^۵ برجسته‌ترین بیکره ساز فرانسوی این دوره بشود. او همانند نقش امپرسیونیست‌ها در نقاشی، به نمایش حرکت و حالت سرزندگی در تندیس‌هایش پرداخت. هنر میکل آنژ نقش قطعی در شکل‌گیری سبک او داشت. رودن تندیس‌های ناتمام رها شده و پیوسته به تخته سنگ میکل آنژ را می‌ستود و بهترین تندیس‌های مرمرین و مفرغی‌اش را نیمه تمام رها می‌کرد (تصویر ۱۶).

«سزان»^۶ از دیگر نقاشان این مکتب، با روش علمی در صدد یافتن قواعد جدیدی برای نظم دادن به تجربه و ادراک رنگ بود (تصویر ۱۷). از نظر سزان «نقاش باید طبیعت را به شکل استوانه، کره و مخروط نشان دهد».



تصویر ۱۷- نقش اشیا، اثر پل سزان، حدود سال‌های ۱۸۸۲-۱۸۷۹ میلادی، رنگ روغن روی بوم، ۴۶×۵۵ سانتی‌متر، کلکسیون خصوصی



تصویر ۱۶- متفکر، اثر آگوست رودن، مفرغ، ۱۸۸۷-۱۸۷۹

۱- Monet

۲- Ruan

۳- Pissarro

۴- Renoir

۵- Rodin

۶- Cezanne

برداشت زیبایی‌شناسانه سزان پیش درآمدی بر نگاه هنرمندان جنبش کوبیسم شد، تا جایی که او را پدر هنر مدرن می‌نامند. بر خلاف وی، «ونسان ون گوگ»^۱ از رنگ برای بیان عواطف خویش استفاده کرد (تصویر ۱۸).

در آثار هنری تولوز-لوترک^۲ زندگی معاصر با کاریکاتوری دل‌تنگ‌کننده و زنده بیان می‌شود. گراورهای ژاپنی بر کار او بسیار تأثیرگذار بودند. او با ساده کردن پیکره‌ها و چهره‌ها دخل و تصرفاتی در آنها به وجود آورد که زمینه‌ای برای اکسپرسیونیسم شد و نوآوری‌هایی انقلابی در هنر پوستر به وجود آورد (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۸- اتاق نقاش در آرل، انرونسان ون گوگ، سال ۱۸۸۹ میلادی، رنگ روغن روی بوم، موزه اورسی، پاریس



تصویر ۱۹- پوستر، اثر هنری دو تولوز-لوترک، ۱۸۹۲

۶- سمبولیسم (نمادگرایی)

در دو دهه آخر قرن ۱۹ جریان‌های تازه‌ای در هنر اروپا شکل می‌گیرد. جنبش سمبولیسم از جمله این جریان‌ها بود. سمبولیست‌ها تقلید از طبیعت را خوار شمردند و آن را تبدیل به سمبل

۱- Vangogh

۲- Lautrec



تصویر ۲۰- بخشی از اثر درخت زندگی، سمبولیسم، اثر کلیمت

یا نمادی از تجربه درونی آن واقعیت کردند. تفسیرهای آزادانه هنرمند از طبیعت جای شکل‌های قطعی جهان مرئی را گرفت و کم‌کم اسلوب کار هنرمند شخصی‌تر شد. هنرمند با رد شکل‌های قراردادی، از سلطه مفاهیم و معانی قراردادی نیز بیرون می‌آید. وظیفه هنرمند جستجوی سرچشمه‌های پنهان و مرموز آدمی است. آنها به دنبال کشف و شهود بودند. سمبولیست‌ها در بیانیه‌ای اعلام کردند «ما به استقلال هنر باور داریم، هنر برای ما وسیله نیست بلکه هدف است. هر هنرمندی که چیزی جز زیبایی در نظر گیرد، در نظر ما هنرمند نیست...». شعار «هنر برای هنر» شیوه زندگی آنها بود. کلیمت^۱ از نقاشان جنبش سمبولیست می‌باشد (تصویر ۲۰).

ارزشیابی

- ۱- هنر باروک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۲- معماران باروک چه نام داشتند؟ و ویژگی معماری آنها چه بود؟
- ۳- نقاشی‌های عهد باروک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۴- ویژگی‌های تندیس‌های عهد باروک را شرح دهید.
- ۵- ویژگی خاص هنر روکوکو را توضیح دهید.
- ۶- شیوه نقاشی نئوکلاسیسیسم دارای چه خصوصیتی است؟
- ۷- مکتب رمانتیسیسم دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۸- چه عواملی سبب ایجاد و ظهور رئالیسم شد؟
- ۹- منظور از نقاشان بدون مکتب چیست؟
- ۱۰- جنبش امپرسیونیسم دارای چه نوآوری‌هایی در عرصه نقاشی بود؟
- ۱۱- ویژگی‌های سمبولیسم را شرح دهید.
- ۱۲- جاهای خالی را در جداول زیر با عبارات صحیح و مناسب پر کنید.

مکتب :	مکتب : رئالیسم
حساسیت به رنگ و جلوه‌های ناپایدار نور و حرکت	نقاشان :	نقاش :
پیکرتراشان :	آثار : چاپ سنگی، کاریکاتورهای اجتماعی و سیاسی	اثر : سنگ‌شکنان

هنر قرن بیستم



هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که

بتواند:

- ۱- شکل‌گیری هنر قرن بیستم را شرح دهد.
- ۲- معماری قرن بیستم را توضیح دهد.
- ۳- جنبش فوویسم و اکسپرسیونیسم را شرح دهد.
- ۴- هنر کوبیسم و فوتوریسم را توضیح دهد.
- ۵- هنر دادائیسم و سورئالیسم را شرح دهد.
- ۶- هنر آبستره را شرح دهد.
- ۷- هنر نئورئالیسم را توضیح دهد.
- ۸- گرایش‌های هنری پس از جنگ جهانی دوم را شرح دهد.
- ۹- گرایش پست مدرنیسم و شکل‌های جدید هنری آن را توضیح دهد.

جهان هنر در سده بیستم با خلاقیت و نوآوری همراه شد. توسعه علم و تکنولوژی در غرب، چهره زندگی فرهنگی و اجتماعی دنیا را تغییر داد. این تغییرات بر هنر نیز تأثیر گذاشت و انواع جنبش‌ها و شیوه‌های بیان هنری در زمینه‌های مختلف شکل گرفت. جنگ جهانی اول و دوم و نتایج آن نیز سبب شد تا مرکز هنری دنیا از اروپا به آمریکا منتقل شود.

علم و تکنولوژی در سده بیستم مشکلات جدیدی مانند نابودی محیط زیست، بیماری‌های جدید، تبعیض نژادی و ... در برداشت و سبب مخالفت برخی از هنرمندان شد. اندیشه این هنرمندان سبب شکل‌گیری جهان بعد از مدرنیسم گردید. از ویژگی‌های این اندیشه، تنوع و شکل‌گیری مراکز جدید هنری، استفاده از ابزار و روش‌های نو برای بیان هنر، استفاده از مواد و مصالح جدید به جای بوم و رنگ است. همچنین گرایش هنرمندان به مسایل اجتماعی روز، تکامل تکنولوژی و بسط رسانه‌های جدید همچون عکاسی و اینترنت را دربر دارد.

۱- معماری قرن بیستم



تصویر ۱- معماری مدرن ساختمان سیگرم، نیویورک، سال ۱۹۵۸-۱۹۵۴

معماری مدرن ابتدا از اروپا شروع شد و سپس در آمریکا رونق گرفت. معماری مدرن دو مسیر را ادامه داد، یکی معماری ماشین‌وار که معتقد بود شکل بنا باید تابع عملکرد آن باشد و دیگری معماری شخصی که بیانگر، جذاب، متمایل به جلوه‌های تزئینی و استفاده از عناصر معماری گذشته بود. بتون مسلح، آهن و شیشه نقش مهمی در اشکال معماری قرن بیستم داشت. معماری ماشین‌وار مدرن اغلب با ساختمان‌های مکعب گونه و آسمان خراش‌ها در مراکز شهری مشخص می‌شود (تصویر ۱ و ۲).

۲- جنبش‌های هنری قرن بیستم

● فوویسم^۱ و اکسپرسیونیسم^۲

نخستین نشانه‌های یک نهضت جدید، در سال ۱۹۰۵ در نمایشگاهی به پیشگامی «هانری ماتیس»^۳ ظهور کرد. آشنایی هنرمندان با فرهنگ غیراروپایی راه‌های تازه‌ای را برای انتقال عواطف پیش پای آنها گذاشت. نقاشی‌های آنها از نظر طرح ساده و از لحاظ رنگ درخشان بود. در این نمایشگاه منتقدی آنها را «فووها» (حیوان وحشی) نامید. آنها با در کنار هم قراردادن رنگ‌های متضاد قدرت و شدت تازه‌ای به رنگ بخشیدند. نمایش کنش عاطفی هنرمند به موضوع کارش با استفاده از شدیدترین رنگ و قوی‌ترین خط، از هر شبیه‌سازی مهمتر بود (تصویر ۳).



تصویر ۲- معماری مدرن، ساختمان موزه سالمون، نیویورک، سال ۱۹۵۹-۱۹۵۶



تصویر ۳- میز غذاخوری، اثر هانری ماتیس، ۱۹۰۸ میلادی، موزه هرمتاژ، سن پترزبورگ

۱- Fauvism

۲- Expressionism

۳- Matisse

فووها در جسورانه‌ترین آثارشان به هماهنگی طرح و شاعرانگی و چشم نوازی رنگ پایبند بودند ولی اکسپرسیونیست‌ها هرگونه قیدی را کنار گذاشتند. آنان با نمایش حالات تند عاطفی، شکل‌های کژنما، ازجار و نفرت خود را علیه حکومت‌ها، مقررات غیر انسانی کار و ... نشان دادند.

نُلده^۱، کُل ویتس^۲ و ... ماندگارترین آثار اکسپرسیونیستی را آفریدند. آنها در وحشتناک‌ترین لحظات سده بیستم یعنی زمان استبداد نازی بر تمدن اروپایی می‌زیستند و شاهد مستقیم کشتارها و فساد آلمان در سال‌های پس از جنگ بودند (تصویر ۴).



تصویر ۴- نیاز، اثر کته کُل ویتس، اکسپرسیونیسم سال‌های ۱۹۰۱-۱۸۹۳ میلادی، چاپ سنگی

● کوبیسم^۳ و فوتوریسم^۴

کوبیسم (مکعب‌گرایی)، انقلابی‌ترین و نافذترین جنبش هنری قرن بیستم به‌شمار می‌آید. جنبش کوبیسم توسط پیکاسو^۵ و براک^۶ پایه‌ریزی شد. عمدتاً طبیعت بیجان موضوع نقاشی آنها بود و تنها شکل هندسی اشیا را به تصویر می‌کشیدند. مهمترین دستاورد زیبایی‌شناختی کوبیسم‌ها نمایش واقعیت چند وجهی یک شی از زوایای دید متعدد به‌طور همزمان بود (تصویر ۵).

فوتوریسم (آینده‌نگری) جنبشی در نقاشی و تندیس‌سازی بود که در شهر میلان شکل گرفت.

فوتوریست‌ها بیشترین استقبال را از جنبش کوبیسم کردند. آنها تلاش کردند صورت پویاتری از کوبیسم را ارائه کنند. فوتوریست‌ها به‌ستایش دنیای نوین، ماشین، سرعت و خشونت پرداختند. آنها می‌خواستند هنر را به زندگی نزدیک کنند و حرکت را جوهر زندگی امروزی می‌دانستند. تأکید آنها بر نور و حرکت بود. دوران شکوفایی این جنبش در پایان جنگ جهانی رو به‌زوال گذاشت. بوتچونی^۷ از بزرگان این جنبش است که تلاش دارد حرکت و انرژی را در آثارش جلوه‌گر سازد (تصویر ۶).



تصویر ۵- پرتغالی‌ها، اثر ژرژ براک، کوبیسم ترکیبی، رنگ و روغن، ۱۹۱۱ میلادی

۱- Nolde

۲- Kollwitz

۳- Cubism

۴- Futurism

۵- Picasso

۶- Braque

۷- Boccioni



تصویر ۶- صور یگانه از استمرار در فضا، اثر امبرتو بوتچونی، ۱۹۱۳ م

● دادائیسم^۱ و سورئالیسم^۲

به موازات تلاش هنرمندان در آفرینش آثار هنری سرشار از وضوح و نظم، واکنش برخی دیگر از هنرمندان به اوضاع زمانه، هنری ویرانگر آفریدند. این هنرمندان در حرکتی اعتراض آمیز به همه نهادها و ارزش‌های زمانه آثاری غیر هنری آفریدند. آنها خود هنر را نیز به ریشخند گرفتند. دادا به معنی اسب چوبی بچه‌هاست که بر حسب تصادف از یک واژه‌نامه انتخاب شده و نشان‌دهنده تهی شدن فرهنگ اروپا از معنای واقعی است. کار دادائیست‌ها بیشتر ویرانگری بود تا سازندگی. این جنبش زود از حرکت ایستاد، اما برخی از ابتکارات فنی مثل فتومونتاژ و تأکید بر عنصر تصادف در جریان آفرینش اثر هنری را به هنر مدرن عرضه کرد. دوشان^۳ از طریق پیوند زدن اشیا (دوچرخه و صندلی) آثاری خلق می‌کرد و به آنها نام الحاق حاضر و آماده می‌داد. وی با ارائه چنین آثاری به ما می‌گوید هنر می‌تواند از تصورات متعارف زیبایی، دوری کند (تصویر ۷).

سورئالیسم از درون دادائیسم بیرون آمد و اغلب دادائیست‌ها مثل دوشان، به جنبش سورئالیسم پیوستند. آنها قصد تلفیق امور معقول و غیر معقول را داشتند. سورئالیسم تجربه شاعرانه‌ای در یکی کردن انسان با جهان درونی‌اش است. اوج این جنبش دهه ۱۹۳۰ و مهمترین و نیرومندترین جنبش هنری سال‌های بین دو جنگ جهانی بود. دالی^۴ از هنرمندان مشهور این مکتب بود. بلافاصله پس از شروع جنگ جهانی دوم بسیاری از این هنرمندان به ایالات متحده (نیویورک) کوچ کردند و به طور جدی منشأ حرکت و تحول در میان هنرمندان آمریکایی گردیدند (تصویر ۸).



تصویر ۷- دوچرخه فلزی سوار شده روی پایه چوبی رنگ آمیزی شده، اثر مارسل دوشان، هنر دادائیسم ۱۹۱۳ م، موزه هنر مدرن، نیویورک

۱- Dadaism

۲- Surrealism

۳- Duchamp

۴- Dali

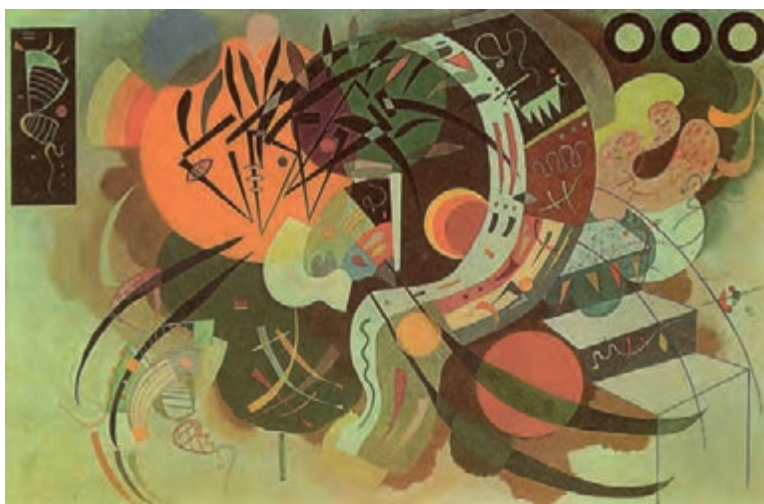


تصویر ۸- غربال آرزوی نفسانی، اثر سالوادوردالی، ۱۹۲۹، رنگ و روغن روی بوم

● آبستره^۱ (هنر انتزاعی)

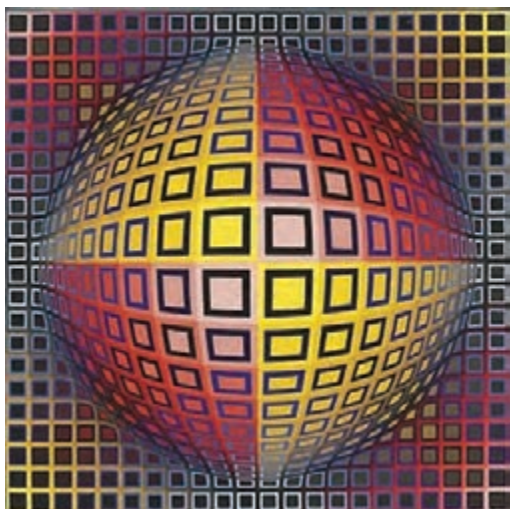
سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۱۰ را سال‌های پیدایش جریان هنر آبستره (انتزاعی) می‌دانند. البته سرچشمه‌های این جریان هنری به سال‌های پیش‌تر بر می‌گردد. هدف اصلی انتزاعگران، نفی هر نوع بازنمایی طبیعت و ایجاد تجربه‌ای بصری یا تجسم مفهومی کلی و یا ذهنی بود.

معمولاً کاندینسکی^۲ را مبتکر نقاشی انتزاعی و فیلسوف و نظریه‌پرداز این شیوه می‌دانند. وی مانند نقاشان قدیم روسی با جهان‌نگری عارفانه خویش هیچ‌گاه هنر را تقلیدی از جهان مادی نمی‌دانست. در ابتدا شروع و حرکت در این مسیر به شجاعت و تخیل فوق‌العاده‌ای نیاز داشت. اما امروزه هنر انتزاعی بخشی از زندگی ما شده است (تصویر ۹).



تصویر ۹- هنر انتزاعی، منحنی مسلط، اثر کاندینسکی

روش دیگری که کاندینسکی به کار برد، نقاشی بدون هیچ تفکر از پیش تعیین شده بود. شیوه او در بهره برداری از احساسات نیمه آگاهانه، باعث جستجوی سورئالیست‌ها در ضمیر ناخودآگاه شد. در اینجا باید از تأثیر علوم نوین نیز سخن به میان آورد. یافته‌های علوم جدید، به شکلی اجتناب‌ناپذیر بر شک در مورد اعتبار واقعیت مرئی افزود. با پیدایش روانکاوی فروید، توجه هنر به جهان درونی انسان‌ها افزایش یافت برخی از آثار کله^۱ و وازارلی^۲ بیانگر این جریان هنری است (تصاویر ۱۰ و ۱۱).



تصویر ۱۱- هنر انتزاعی، خطای دید، اثر ویکتور وازارلی



تصویر ۱۰- اطراف ماهی، اثر پل کله، هنر انتزاعی، رنگ و روغن روی بوم، ۱۹۲۶ میلادی

● نئورئالیسم (واقعگرایی نو)

درآلمان پس از جنگ اول جهانی، آشفته‌گی اجتماعی و سیاسی به اوج می‌رسد. نسل جنگ سعی می‌کند با تیزبینی بر تباهی اخلاقی و بینوایی اجتماعی انگشت بگذارد. چنین بینشی فقط می‌تواند با نوعی واقعگرایی تند و گزنده بیان شود. پس هنر به سلاح حمله و دفاع و وسیله‌ای برای نقد و تبلیغ بدل می‌شود. به این ترتیب شکل‌های مختلف واقع‌نمایی به‌عنوان واکنشی منفی در برابر انتزاع شکل می‌گیرد. «بکمان»^۳ مفهومی نوین از واقعگرایی را مطرح کرد. او سبک‌های مختلفی را در زندگی تجربه نمود. برای بکمان هیچ چیز مهمتر از بازنمایی و محتوا نبود. پرده‌های او در نقطه مقابل هنر تزئینی یا «نقاشی برای نقاشی» قرار دارند. در آثار او انسان، موقعیت او و حالات ذهنی‌اش با واقعیت تمام در برابر تماشاگر ظاهر شده‌اند (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲- تک‌چهره خود هنرمند (باسمه)، اثر ماکس بکمان، نئورئالیسم دهه ۱۹۲۰

۱- Klee

۲- Vasarely

۳- Beckman

● اکسپرسیونیسم انتزاعی^۱ (هیجان‌نمایی انتزاعی)

نوعی نقاشی عاری از تصویر و فاقد شکل‌های بنیادی (مانند اشکال هندسی) و روشی خودانگیزته و پویا و قلمزنی آزاد به‌شمار می‌رود. نقاشی‌های پولاک^۲ بیان‌گر این شیوه است. نقاشی‌های او بازتابی از شرایط کلی زندگی بی‌قرار انسان غربی پس از تجربه دو جنگ جهانی است (تصویر ۱۳). از نظر او و همه هنرمندان اکسپرسیونیست انتزاع‌گرا، اثر هنری نتیجه عمل مهارنشده هنرمند است و هیچ مضمونی را بیان نمی‌کند. اکسپرسیونیسم انتزاعی نخستین جنبش هنری مهم در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و اصیل‌ترین و متمایزترین دستاورد تاریخ هنر آمریکا دانسته شده است.



تصویر ۱۳- اکسپرسیونیسم انتزاعی، اثر جکسون پولاک، ۱۹۵۰ میلادی، رنگ و روغن و رنگ لعابی روی بوم بدون آستر، موزه هنر مدرن، نیویورک

● هنر پاپ^۳ (هنر همگانی یا هنر مصرف‌گرایی)

این جنبش در دهه ۱۹۶۰ در شهر نیویورک شکل یافت و نامش را از فرهنگ مردم گرفت. علایق هنرمندان پاپ به فرهنگ جمعی، آنان را بیشتر به خلق تابلوهای پرزرق و برق با مفاهیم سیاسی، اجتماعی و حتی اخلاقی رهنمون ساخت. فیلم‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی، داستان‌های شبه علمی، موسیقی پاپ، حروف و علائم متداول، اشیای روزمره و کالاهای مصرفی، ابزار و موضوع این هنر جدید شدند. لیختن اشتاین^۴ از هنرمندان این شیوه است.



● هنر مینیمال^۵ و هنر مفهومی^۶

از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد در آمریکا جنبش پاپ جای خود را به دو جریان مینیمالیسم و هنر مفهومی داد. اساس هنر مینیمال، خلاصه‌گرایی در فرم و تأکید بر محتوا در نقاشی و تندیس‌سازی است و پیش از آنکه به احساسات شخصی و بیان آنها علاقمند باشد، سعی دارد از قوانین فیزیک، ریاضی، طراحی صنعتی، استعاره و نشانه در خلق آثار استفاده کند (تصویر ۱۴). هنر مفهومی از اواخر دهه ۶۰، پس از مینیمال آرت پدید آمد و سرآغاز پست مدرنیسم بود. این جریان هنری در ارتباط با آثار سه بعدی آغاز شد و هدف آن توضیح مجدد مسائلی چون فضا، فرم، مقیاس و محدوده بود. در هنر مفهومی، مفهوم یا ایده اثر بر زیبایی‌شناسی و مواد به کار رفته در آن اولویت دارد. به عقیده هنرمندان این جریان هنری، اثر هنری، یک شیء فیزیکی نیست، بلکه دارای مفهوم و ایده است و حتی از عکس، نقشه، نمودار، نوار صوتی، ویدئو و غیره به‌عنوان رسانه نیز استفاده می‌شود. نمونه مشخص هنر مفهومی یک صندلی و سه صندلی اثر کازوت است. این اثر شامل یک صندلی واقعی، تعریف صندلی و عکس آن صندلی بر دیوار است، که هر کدام می‌توانند بیانگر مفهوم صندلی

تصویر ۱۴- بدون عنوان، اثر دانالد جاد (Judd)، ۱۹۶۵، فلز، مینیمال گالری لئوکاستلی، نیویورک، آمریکا

۱- Abstract Expressionism

۲- Pollock

۳- Pop Art

۴- Lichtenstein

۵- Minimal

۶- Conceptual

نزد مخاطب باشند و یا نباشند (تصویر ۱۵).

● پست مدرنیسم^۱ (بعد از مدرنیسم)

پست مدرنیسم، ابتدا توسط منتقدان ادبی دهه ۱۹۶۰ ابداع شد و کم‌کم منتقدان هنری نیز از آن استفاده کردند. در آغاز پست مدرنیسم، واکنشی در برابر هنر انتزاعی بود، ولی بعد از مدتی این اصطلاح برای انواع تولیدات هنری نیز به کار گرفته شد. این شیوه در برگیرنده رسانه‌های متنوعی مانند تصاویر تلویزیونی

و سینمایی، عکاسی، تصاویر دیجیتالی، تابلوهای الکتریکی (بیل بورد)، ویدئو، فیلم و رایانه است. فضای رایانه‌ای تولید آثار هنری را بدون مواد و مصالح ممکن کرده است. هنرمندان زیادی از سراسر جهان با انواع سبک‌ها و شیوه‌ها، تولیدات هنری خود را در مراکز هنری جهان عرضه می‌کنند. توسعه حیرت‌آور ارتباطات جمعی چون تلفن‌های همراه، اینترنت و ... تمام مردم جهان را به هم پیوند داده است و تولیدات هنری شکلی جهانی یافته است.

اغلب هنرمندان دوره پست مدرن، مواد و روش‌های ناهماهنگ را در آثارشان به کار می‌برند. معمار، نقاش و بیکره‌ساز پست مدرن بیشتر با نشانه‌ها سر و کار دارد، از همین رو از نمادها، اساطیر، سبک‌ها و شیوه‌های هنری دوره‌های گذشته و حتی از علائم روزمره نیز بهره می‌گیرد. ساختمان سونی نمونه معماری پست مدرن است که از یک کمد قدیمی الهام گرفته شده است (تصویر ۱۶).

شکل‌های جدید هنر: از سوی دیگر محیط^۲، چیدمان^۳ و اجرای نمایشی^۴ و تمام جاذبه‌های هنری مستتر در این سه عنصر توجه هنرمندان را به خود جلب کرد. امروزه فعالیت‌های نمایش گونه و ژست‌های اجتماعی، رخداد هنری تلقی می‌شوند. هنر جدید در اشکال هنرچیدمان، هنر ویدئو، هنر عکس و هنر محیطی ظاهر شده است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۵- هنر مفهومی، یک و سه صندلی اثر جوزف کازوت، ۱۹۶۵



تصویر ۱۶- معماری پست مدرن، ساختمان سونی، اثر فیلیپ جانسون ۱۹۸۳، نیویورک (یادآور کمد قدیمی)

۱- Post Modernism

۲- Enviroment Art

۳- Installation Art

۴- Performance Art



تصویر ۱۸- هنر پُست مدرن، سوارکار، اثر نام جوم پایک، موزه ارتباطات فرانکفورت. (شاید هنرمند وسایل رایانه‌ای و دیجیتال را دون‌کیشوتی در عصر حاضر معرفی می‌کند.)



تصویر ۱۷- هنر چیدمان، اثر دیوید ماچ، لاستیک‌های فرسوده، نمایش در گالری هاروارد لندن، تخریب پس از نمایش

نام جوم پایک^۱ هنرمندی است که با چیدمان وسایل بصری، حجم‌های جالبی را ایجاد می‌کند و با نگاه طنز یا انتقادی خود، تسلط وسایل ارتباط جمعی را بر زندگی انسان نشان می‌دهد (تصویر ۱۸). در هنر معاصر، عکاسی جایگاه ویژه‌ای یافته است و هم ارزش با سایر رشته‌های هنری قرار گرفته است. به کمک امکانات کامپیوتری بین هنر عکاسی و دیگر شکل‌ها حد و مرزی وجود ندارد. دو رسانه ویدئو و عکاسی به دلیل جذابیت مردمی و جنبه سرگرمی و سهولت نقل و انتقال آن مورد استقبال هنر جدید قرار گرفته است. یکی از هنرمندان پُست مدرن در عکاسی، دوکادنه^۲ است که عکس‌های رادیولوژی را با توجه به ویژگی‌های شخصی افراد رنگ می‌زند و ترکیبی از عکاسی و نقاشی به وجود آورده است. (تصویر ۱۹).

در مقابل این شکل‌های جدید هنری، نوعی بازگشت به موضوعات و ارزش‌های کلاسیک به وجود آمده است که به جای پافشاری بر ژولیدگی زندگی شهری معاصر، تلاش دارند ارزش‌های کلاسیک را در آثارشان ارائه دهند. برتوچی در اثر خود (تصویر ۲۰) دو نوجوان ایتالیایی را با پس‌زمینه نقشه ایتالیا نشان می‌دهد تا بازگشتی به سنت‌های کلاسیک روم باستان باشد.



تصویر ۱۹- پرتره جمجمه، اثر الکساندر دوکادنه، ۱۹۹۹، چاپ سیباکروم روی آلومینیوم، هنر عکس، ۲۵۰ × ۱۴۸

۱- Nam June Paik

۲- De cadenet



تصویر ۲۰- ریشه نقاشی، اثر کارلو برتوچی، بازگشت به سنت‌های کلاسیک، ۲۰۰۰، رنگ روغن روی بوم، ۱۲۰×۸۰، گالری پولیتیکو، رم

ارزشیابی

- ۱- شکل‌گیری هنر قرن بیستم را شرح دهید.
- ۲- معماری قرن بیستم چه ویژگی‌هایی داشت؟ نام ببرید.
- ۳- فووها چه تأثیری بر نگرش مردم به نقاشی داشتند؟
- ۴- شاخص‌ترین هنرمندان اکسپرسیونیست را نام ببرید.
- ۵- کاندینسکی چه تأثیراتی بر هنر مدرن گذاشت؟
- ۶- جنبش دادا چه تأثیری بر هنر مدرن گذاشت؟
- ۷- هدف سورتالیسم چه بود؟
- ۸- عوامل به وجود آورنده هنر مدرن را شرح دهید.
- ۹- تعریف هنر از نظر هنرمندان اکسپرسیونیست انتزاعی چه بود؟
- ۱۰- جاهای خالی را در جدول زیر با عبارات صحیح و مناسب پر کنید.

نام مکتب	اکسپرسیونیسم
نام هنرمند	جوزف کازوت
ویژگی اثر	حرکت و انرژی	تلفیق امور معقول و نامعقول

- ۱۱- جریان هنر پاپ، هنر مفهومی و مینیمال آرت را شرح دهید.
- ۱۲- ویژگی‌های هنر پست مدرن را شرح دهید.

فهرست منابع

- پاکباز، رویین، دایرة المعارف هنر، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
- پیرنیا، محمد کریم، معماریان، غلامحسین (تدوین)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران، نشر سروش دانش، ۱۳۸۷.
- تریگیر، مری، هنر چین، ترجمه فرزانة طاهری، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۴.
- جنسن، ه. و.، تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۵۹.
- جنسن، ه. و.، (گردآورنده)، تاریخ هنر، ترجمه فرزانه سجودی، فرهنگسرای میردشتی، تهران، ۱۳۸۸.
- رفیع فر، جلال الدین، پیدایش و تحول هنر، درآمدی بر باستان‌شناسی هنر، تهران، نشر برگ زیتون، ۱۳۸۱.
- فیشر، رابرت. ای، نگارگری و معماری بودایی، ترجمه پاشایی، ع، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.
- لوسی اسمیت، ادوارد، فرهنگ اصطلاحات هنری، ترجمه فرهاد گشایش، تهران، انتشارات مارلیک، ۱۳۸۷.
- مگز، فیلیپ. بی.، تاریخ طراحی گرافیک، ترجمه ناهید اعظم فراست، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- مورتگات، آنتوان، هنر بین‌النهرین باستان (هنر کلاسیک خاور نزدیک) ترجمه زهرا باستی و محمد رحیم صراف، تهران، انتشارات سمت ۱۳۷۷.
- وزیری، علینقی، تاریخ عمومی هنرهای مصور، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۷.
- هارت، فردریک، سی و دو هزار سال تاریخ هنر، نشر پیکان، تهران، ۱۳۸۲.

Boardman, John (ed)

1993. The Oxford History of Classical Art, Oxford. Oxford University press.

.....

1966. Encyclopedia of World Art, New York. McGraw – Hill Book Company, INC, 15 Vols.

Kemp, Martin (ed)

2000. The Oxford History of Western Art, Oxford. Oxford University press.

Schulz, Regine &.... (ed)

2004. Egypt, The World of The Pharaohs, Ullmann.

Stafutti, S &....

China, History and Treasures of an Ancient Civilization, WS.

Toman, Rolf (ed)

2004. Gothic, Architecture. Sculpture. Painting, Ullmann.

